

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# امنیت مردم نهاد جنوب شرق

نویسندگان:

مصطفی بزی

حلیمه راه برکه خاژاله



۱۳۹۸

سرشناسه	: بزى، مصطفى
عنوان و نام پديدآور	: امنيت مردم‌نهاد جنوب شرق / نويسنده مصطفى بزى، حليمه راه‌بر كهخاژاله.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات نوآوران دانش، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهري	: ۱۱۷ ص
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۳۰-۳۴-۸
وضعيت فهرست‌نويسى	: فيپا
موضوع	: امنيت داخلي -- ايران -- جنبه‌هاى اجتماعى
موضوع	: امنيت داخلي -- جنبه‌هاى مذهبى -- اسلام
موضوع	: امنيت داخلي -- ايران -- سيستان و بلوچستان
شناسه افزوده	: راه بر كهخاژاله، حليمه، ۱۳۷۳
رده بندى كنگره	: H۷۸۲۴۲/۵۶
رده بندى ديويى	: ۳۶۳/۲۰۹۵۵
شماره كتابشناسى ملي	: ۵۹۳۸۳۳۶



## انتشارات نوآوران دانش

**نام كتاب: امنيت مردم‌نهاد جنوب شرق**  
**مؤلفان: مصطفى بزى، حليمه راه بر كهخاژاله**  
**ناشر: انتشارات نوآوران دانش**  
**حروفيچينى و صفحه آرايى: رضا كاوه**  
**طراح جلد: رضا كاوه**  
**نوبت چاپ: اول**  
**تيراژ: ۱۰۰۰ جلد**  
**قيمت: ۳۵۰,۰۰۰ ريال**  
**شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۳۰-۳۴-۸**

کليه حقوق چاپ و نشر مخصوص و محفوظ ناشر است

انتشارات نوآوران دانش: ميدان انقلاب، ابتداى خيابان آزادى، تقاطع خيابان جمالزاده جنوبى، پلاک ۸۴ واحد ۴  
تلفن مرکز بخش: ۶۶۵۶۸۹۱۷ - ۶۶۵۶۸۹۰۳ - ۶۶۵۶۴۶۰۸ - ۹۳۷۹۶۴۶۰۸  
سفارش اينترنتى: [www.novineh.com](http://www.novineh.com)

# فهرست مطالب

۱.....	پیشگفتار
۳.....	مقدمه
۵.....	فصل اول: کلیات
۹.....	معنا و تعاریف نظریه پردازی داده بنیاد
۱۰.....	چیستی و چرایی نظریه برنامه
۱۱.....	فصل دوم: امنیت و امنیت اجتماعی
۱۲.....	معنای لغوی و اصطلاحی امنیت
۱۳.....	تقسیم بندی امنیت شناسی
۱۴.....	گفتمان سلبی امنیت
۱۴.....	گفتمان ایجابی امنیت
۱۷.....	امنیت اجتماعی شده
۱۸.....	امنیت اجتماعی شده سلبی
۱۸.....	امنیت اجتماعی شده ایجابی
۱۹.....	تفاوت امنیت اجتماعی شده در گفتمان اسلام و جاهلی
۲۳.....	فصل سوم: سیاست‌های اسلامی امنیت اجتماعی شده
۲۴.....	اصول پارادایمی رویکرد اسلامی امنیت اجتماعی شده
۲۴.....	امنیت در گفتمان اسلامی دارای بنیاد اجتماعی است.
۲۴.....	در گفتمان امنیت اجتماعی شده اسلام، جامعه دارای اصالت (قوی) نمی‌باشد.
۲۵.....	گفتمان اسلامی امنیت اجتماعی شده بر دو رکن استوار است
۲۶.....	نحوه جلب مشارکت مردمی در تأمین امنیت در نظریه‌های مختلف
۲۶.....	نحوه جلب مشارکت مردمی در نظریه‌های غربی
۲۶.....	نحوه جلب مشارکت مردمی در تأمین امنیت از نظر اسلام
۲۷.....	مدیریت فضای فردی؛ الگوی تربیت اسلامی
۲۸.....	مدیریت فضای جمعی؛ نظریه امر به معروف و نهی از منکر
۲۸.....	سطوح امر به معروف و نهی از منکر

۳۰.....	فضای سیاسی
۳۰.....	ابزار انگاری قدرت
۳۰.....	شرعی بودن قدرت
۳۰.....	منابع قدرت از دیدگاه اسلام
۳۵.....	فصل چهارم: امنیت مردم نهاد
۳۵.....	مقدمه
۳۶.....	تاریخچه و توصیف مختصر از وضعیت امنیتی سیستان و بلوچستان
۴۱.....	اقدامات و زنجیره رهاوردها در هر کانون تمرکز
۴۱.....	اقدامات و زنجیره رهاوردهای کانون تمرکز مولوی‌ها
۴۵.....	اقدامات و زنجیره رهاوردهای مربوط به کانون تمرکز دستگاه‌های دولتی
۴۹.....	اقدامات و زنجیره رهاوردهای کانون تمرکز اشار و گروهکی‌ها
۵۳.....	اقدامات و زنجیره رهاوردهای کانون تمرکز بلوچ‌های بسیجی
۵۶.....	اقدامات و زنجیره رهاوردهای کانون تمرکز سران طوایف
۶۲.....	اقدامات و زنجیره رهاورد کانون تمرکز خانواده اشار و معدومین
۶۵.....	اقدامات و زنجیره رهاورد کانون تمرکز سربازان فراری
۶۷.....	اقدامات و زنجیره رهاوردهای کانون تمرکز سردار شوشتری
۷۳.....	اقدامات و زنجیره رهاوردهای کانون تمرکز کودکان و دانش‌آموزان
۷۷.....	فصل پنجم: برنامه امنیت مردم نهاد مبتنی بر سیره شهید شوشتری
	فصل ششم: مقایسه نظریه برنامه امنیت مردم نهاد و امنیت اجتماعی شده (از دیدگاه شهید شوشتری)
۸۱.....	مقایسه نظریه برنامه امنیت مردم نهاد و امنیت اجتماعی شده
۸۱.....	عملیاتی بودن مدل امنیت مردم نهاد و تئوریک بودن مدل امنیت اجتماعی شده
۸۲.....	تشابه عملکرد سردار شوشتری با ارزش امنیتی توحید و انسجام
۸۳.....	تعارض‌ها و تشابه‌های حقیقت‌طلبی در نظریه اسلامی با عملکرد شهید شوشتری
۸۵.....	تعارضات اصل ولایت در نظریه اسلامی با عملکرد شهید شوشتری
	تشابهات و تعارضات رکن امنیتی سعادت در نظریه اسلامی امنیت اجتماعی شده با عملکرد شهید شوشتری
۸۸.....	تشابهات و تعارضات تعهد در نظریه اسلامی و عملکرد شهید شوشتری
۹۰.....	ایجاد هویت مستقل در الگوی اسلامی و عملکرد شهید شوشتری
۹۱.....	

۹۳.....	الگوی تعامل اجتماعی در نظریه اسلامی و عملکرد سردار شوشتری
۹۳.....	افزایش علم در الگوی اسلامی و عملکرد سردار شوشتری
۹۴.....	الگوی انحصار امنیت در دست دولت یا واگذاری آن به جامعه در نظریه اسلامی و عملکرد سردار شوشتری
۹۶.....	امر به معروف و نهی از منکر در الگوی اسلامی و عملکرد سردار شوشتری
۹۹.....	اطمینان در مقابل صیانت در مدل اسلامی و عملکرد سردار شوشتری
۱۰۰.....	پیام‌های تولیدی در مدل اسلامی و عملکرد سردار شوشتری
۱۰۱.....	تشابهات بازیگر مسلمان در نظریه امنیتی با شخصیت سردار شوشتری
۱۰۲.....	ابتنای امنیت اجتماعی شده بر رضایت تا تحمل اجتماعی در مدل اسلامی و عملکرد سردار شوشتری
۱۰۴.....	شباهت‌ها و تفاوت‌های نگاه سردار شوشتری به ریشه‌های امنیت/ناامنی با نظریه اسلامی
۱۰۵.....	شباهت‌ها و تفاوت‌های نظریه تربیت امنیتی در نظریه اسلامی امنیت و عملکرد سردار
۱۰۶.....	سازوکارهای کنترل و نظارتی و عملکرد سردار شوشتری
۱۰۹.....	سخن پایانی
۱۱۴.....	منابع و مأخذ
۱۱۴.....	الف. منابع فارسی
۱۱۵.....	ب. منابع لاتین





## پیشگفتار

امنیت از نیازهای اساسی و ذاتی ملت، کشور و کار ویژه دولت‌ها در اعصار و مکان‌های مختلف بوده است. امنیت‌سازی برای شهروندان و نیز نظام سیاسی وظیفه بدیهی حکومت بوده و حکومت‌ها می‌بایست به خط‌مشی‌گذاری و اجرای خط‌مشی در این حوزه بپردازند. حکومت‌ها برای امنیت‌سازی نیاز به نظریه، الگو و خط‌مشی دارند.

نظریات، الگوها و خط‌مشی‌های زیادی در زمینه امنیت‌سازی خصوصاً امنیت داخلی در گستره جهان وجود دارد که غالب آنها در کشورهای غربی و بعد از جنگ جهانی دوم و جنگ سرد ایجاد شده است. به علت تفاوت ارزش‌ها، ساختارها، بستر و مسائل در ایران با سایر کشورها خصوصاً کشورهای غربی اجرای برخی از این خط‌مشی‌ها اشتباه بوده و منجر به کژکارکرد می‌شود یعنی نه تنها نتیجه مطلوب به دست نمی‌آید بلکه تبعات منفی با خود دارد. لذا در باب امنیت داخلی، به نظریه، مدل و خط‌مشی‌ای مطابق با زیست‌بوم جمهوری اسلامی ایران نیاز می‌باشد. خوشبختانه در سال ۱۳۹۲ با انتشار کتابی به نام «امنیت اجتماعی شده؛ رویکردی اسلامی» مبنای نظری خط‌مشی بومی امنیت داخلی ایجاد شده است.

متناسب با نظریه و اصول آن می‌بایست عملی صورت گیرد که تجلی آن نظریه باشد. با کندوکاو در اقدامات عملیاتی و از طرفی با پیش‌فرضهایی که در ذهن نویسنده وجود دارد بعد از تطابق نظریه و اقدام، در یک فرآیند رفت و برگشتی متوجه رابطه زیاد نظریه ارائه شده در کتاب «امنیت اجتماعی شده؛ رویکردی اسلامی» با اقدام عملیاتی از سوی شهید شوشتری در منطقه جنوب شرق شدیم. بنابراین پیش‌فرض می‌بایست عناصر اصلی این اقدام تنقیح گردد تا به عنوان یک مدل عملیاتی و الگوی عملی برای مجامع علمی به نمایش

درآید. از طرفی دیگر در یک فرآیند رفت و برگشتی به کم و کاستی‌های نظریه ارائه شده و از طرفی دیگر به کم و کاستی‌های الگوی عملیاتی پیاده‌شده دست یابیم تا بتوان هم‌الگو و هم نظریه را تکامل بخشیم. بدون شک این هدف بدون تدوین و تنقیح الگوی پیاده‌شده میسر نخواهد بود. لذا برآنیم در این کتاب عناصر اصلی الگوی پیاده‌شده در منطقه جنوب شرق را اخذ کرده و آنها را به نگارش درآوریم.

امنیت داخلی یکی از اساسی‌ترین مسائل انقلاب اسلامی ایران بوده و هست. با توجه به قرار گرفتن در قلب دنیا، یعنی جنوب غرب آسیا و نیز ایده انقلاب اسلامی، که مخالف و معاند ایدئولوژی قدرت‌های برتر جهانی است، محور غربی-عربی همواره به دنبال اخلاص در امنیت این کشور بوده است تا شاید از این رهگذر بتواند مانع فراگیری ایدئولوژی این انقلاب در منطقه جنوب غرب آسیا و جهان گردند.

تفاوت‌های قومی-مذهبی در سراسر کشور خصوصاً مرزها پراکنده شده است. بخشی از ساکنان استان سیستان و بلوچستان در جنوب شرق کشور، مذهبی متفاوت از مذهب رسمی کشور دارند. دشمن همواره سعی داشته است از این تفاوت در راستای افزایش شکاف قومی و مذهبی استفاده کند. حضور سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه در این استان مؤید مدعاست. در ۳۷ سال گذشته، الگوهای زیادی برای برقراری امنیت در این منطقه به اجرا درآمده است، ولی هیچکدام از این طرح‌ها به اندازه طرح امنیت مردم‌نهاد اجرا شده توسط شهید شوشتری، موجب امنیت پایدار استان، و به تبع آن، کشور نشده است؛ اثراتی که تا به امروز هویدا بوده و درگیری‌ها را از مرکز استان به مرزها کشانده است.

استفاده از این تجربه موفق در سایر مکان‌ها و زمان‌ها، نیازمند شناسایی و تدوین عناصر اصلی این برنامه است، به گونه‌ای که بتوان کل اجزاء این برنامه و روابط بین آنها را مشخص کرد. الگوی «نظریه برنامه» امکان تمیز بین «کانون‌های تمرکز»، «اقدام‌ها» و «زنجیره رهاوردها» فراهم می‌کند.

## مقدمه

این کتاب اولین مورد الگوهای عملیاتی خواهد بود که به نظریه اسلامی امنیت اجتماعی شده نزدیک است.

از طرفی دیگر پژوهش گران ایرانی کمتر به قیاس و تطابق یک نظریه و یک برنامه عملیاتی پیاده شده علاقه مند هستند. مطالعه این کتاب در تشویق سایرین به مطالعه دقیق و اخذ عناصر اصلی برنامه‌های عملیاتی شده در کشور کمک خواهد کرد.

تاکنون هیچ مطلب و پژوهشی مبنی بر اجرای یک برنامه امنیتی در سیستان و بلوچستان و اخذ عناصر اصلی آن برنامه به اجرا در نیامده است. دور بودن از مرکز، بسته بودن نهادهای امنیتی از حیث خروجی مانع از اجرای آن شده است. این کتاب گره‌گشای بسیاری از طرح‌های امنیتی آتی خواهد بود. از طرفی متأسفانه به علت مشکلات ساختاری، تاکنون نیروی زمینی سپاه بعنوان متولی امنیت مردم‌نهاد در جنوب شرق کشور به مطالعه عناصر اصلی برنامه اجرا شده توسط شهید شوشتری نپرداخته و تنها بین افواه و از طریق ارتباط سینه به سینه این مدل منتقل شده است.

### اهداف کتاب:

ادبیات «نظریه برنامه» در سایر پروژه‌های اجرایی می‌تواند به‌عنوان رهیافت و روش پژوهش انتخاب شود و بسیاری از برنامه‌های ملی و سازمانی را از حیث عناصر اصلی برنامه و ترتیب و توالی منطقی آنها و نیز شناسایی عناصر اصلی آنها مورد بررسی قرار دهد.

نظریه تغییر و نظریه اقدام هر یک می‌توانند به صورت جداگانه کانون تمرکز پژوهش‌های دیگر قرار گیرند و با اجزای سه گانه خود، منطق و شابلونی برای تحلیل پدیده‌ها فراهم آورند.

مدل منطقی و تفکر مبتنی بر توالی ره‌آوردها می‌تواند در سایر موضوعات مورد استفاده قرار گرفته و با نظم‌دهی و انسجام‌بخشی به تحلیل، زمینه فعالیت را روشن ساخته و همچون ساختاری قوی، بار فکری ارزشیابی، برنامه‌ریزی و مدیریت را به دوش کشد.

طرح «امنیت مردم‌نهاد» و سایر طرح‌های اجرا شده کلان امنیتی در سطوح محلی و ملی، از ابعاد دیگر مورد بررسی قرار گرفته و ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و مدیریتی آن به صورت جداگانه موضوع بحث و بررسی قرار گیرد. عمدتاً زمانی که به این موضوع پرداخته می‌شود، حجم اطلاعات و نکات به گونه‌ای است که فرصت تدقیق حوزه‌های مختلف فراهم نمی‌شود. لذا، انتخاب یک بُعد خاص می‌تواند اطلاعات دقیق‌تری در اختیار گذارد. به‌ویژه اینکه کتاب موجود با فراهم کردن تصویری کلان، فهم جامعی نسبت به کلیت ابعاد ارائه می‌کند.

طرح «امنیت مردم‌نهاد» می‌تواند مدخل خوبی برای پرداختن به مسئله «تسلیح مردمی» و «مردمی‌کردن امنیت» قلمداد گردد. بی‌شک اندیشمندان این دو حوزه باید شناخت جامعی نسبت به طرح امنیت مردم‌نهاد داشته باشند و شکست‌ها و موفقیت‌های آن را دستمایه‌ای برای حرکت‌های بعدی قرار دهند.

نظر به وجود نظریه اسلامی در «امنیت اجتماعی‌شده» از یک طرف و تأکید مقام معظم رهبری مبنی بر مشارکت مردم در تمامی حوزه‌ها، به دنبال این هستیم که کار شهید شوشتری در منطقه جنوب شرق کشور تدقیق گردد تا بتوانیم نحوه تحقق و عملیاتی‌سازی نظریه امنیت مردم‌نهاد (در اصطلاح علوم سیاسی: امنیت اجتماعی‌شده) را دریافته تا بتوانیم امکان اصلاح و تکمیل آن و سپس اشاعه و گسترش آن را درک کنیم.

## فصل اول

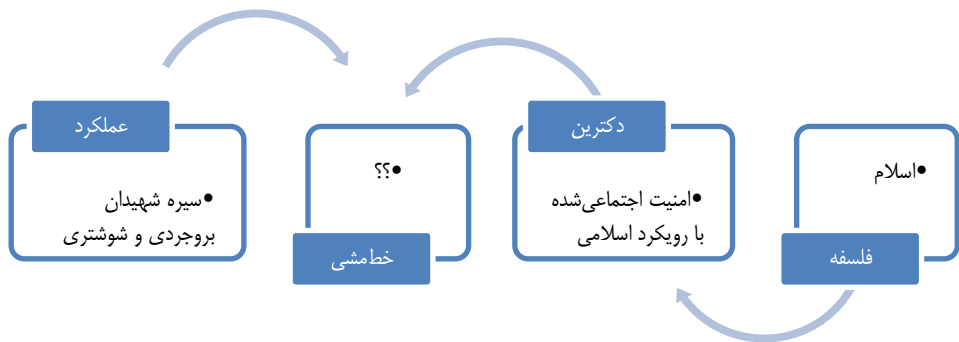
### کلیات

با مطالعه در آثار امنیتی نگارش شده توسط علماء و صاحب‌نظران امنیتی، به نظریه اسلامی برخوردیم که از قرآن کریم به دست آمده و به بیان نگرش امنیتی اسلام از حیث تحلیل و تجویز پرداخته است. دقت و زیبایی این مدل که توسط عالم جلیل‌القدر امنیتی کشور در کتاب امنیت اجتماعی شده؛ رویکردی اسلامی<sup>۱</sup> ارائه شده بود. در کنار هدف دانشگاه امام صادق علیه‌السلام مبنی بر مرجعیت و تولید علم دینی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی در کنار پیش‌زمینه موجود از مطالعه و زندگی در مسائل امنیتی سیستان و بلوچستان از سویی و قرائت نظریه اسلامی امنیت اجتماعی شده از طرفی دیگر موجب علاقه نویسنده به این شد که در یک فرآیند قیاسی - استقرایی به نگارش کتابی در مورد یک اقدام عملیاتی که اصول و سیاست‌های اسلامی امنیت اجتماعی شده را در برمی‌گیرد بپردازد. حساسیت تئوریک به وجود آمده از نظریه اسلامی امنیت اجتماعی شده سبب شد تا با این دید به مطالعه و تطبیق نظریه با الگوی پیاده‌شده توسط شهید شوشتری در منطقه جنوب شرق بپردازد. تطبیق و قیاس این نظریه بدون به‌دست آوردن عناصر اصلی الگوی پیاده‌شده ممکن نیست. لذا در این کتاب به دنبال به دست آوردن عناصر اصلی این الگوی عملیاتی پیاده‌شده هستیم.

به تعبیر شفریتز فلسفه منجر به ایجاد دکترین و دکترین منجر به خط‌مشی می‌گردد. از طرفی می‌دانیم که امنیت اجتماعی شده به جامعه علمی مبتنی بر دیدگاه اسلامی عرضه شده است. پس چرا نبایست خط‌مشی متناسب با آن طراحی گردد؟ از سویی دیگر با نگاهی به تاریخ انقلاب اسلامی می‌توان دریافت که نسخه ایرانی این خط‌مشی قبلاً در اوایل انقلاب در منطقه کردستان و آذربایجان غربی مبتنی بر آموزه‌های انقلابی تجربه شده است. تجربه‌ای که ریشه در ارزش‌ها و تجربیات انقلاب اسلامی دارد. این خط‌مشی بعد از انقلاب در منطقه جنوب شرق الهام گرفته از خط‌مشی اجراء شده توسط شهید بروجردی به وسیله شهید شوشتری اجراء شد؛ اجراء خط‌مشی‌ای که مقدمه شهادت ایشان را فراهم کرد.

از طرفی دیگر به دنبال این هستیم که کار شهید شوشتری در منطقه سیستان و بلوچستان تدقیق گردد تا بتوانیم نحوه تحقق و عملیاتی‌سازی دکترین امنیت مردم‌نهاد (در اصطلاح علوم سیاسی: امنیت اجتماعی شده) را دریابیم

تا امکان اصلاح و تکمیل و سپس اشاعه و گسترش آن را داشته باشیم.



در دنیا یک مدل و یا نظریه‌ای به نام نظریه برنامه وجود دارد که با استفاده از آن می‌توانیم کار شهید شوشتری را تدقیق کرده و عناصر اصلی برنامه شهید شوشتری را تا حدودی از عناصر بستری و زمینه‌ای آن جدا کنیم. اگر نظریه برنامه امنیت مردم‌نهاد حتی به

صورت اولیه شناسایی شود، می‌توانیم در تجربه‌های نظام‌مند آتی آن را اصلاح و تکمیل کرده و حتی آن را به سایر کشورهای علاقه‌مند به انقلاب اسلامی اشاعه و گسترش دهیم.

نظریه برنامه هدفش کمک به خط‌مشی‌گذار و مجری هست تا جعبه سیاه را باز کند، تا بداند که آن برنامه چگونه کار می‌کند و مجبور نشود که همه‌اش را با هم یک جا بخرد و یک جا بکار ببرد.

یک ارزشیابی که از نظریه برنامه استفاده می‌کند شناسایی می‌کند که ما بفهمیم که این برنامه چگونه کار می‌کند؟ چه رهاوردهای واسطه‌ای برای کارکردن برنامه مورد نیاز است؟ این به ما اجازه می‌دهد که بین شکست اجرا (درست اجرا نشدن) و شکست نظریه تمایز قائل شویم (درست انجام شده ولی هنوز جواب نمی‌دهد). بدون نظریه برنامه غیرممکن است که بدانیم آیا داریم جنبه‌های درستی از کمیت و کیفیت اجرا را اندازه می‌گیریم یا نه. (بدون نظریه برنامه ارزشیابی صحیح غیرممکن است)

سه حالت ممکن است اتفاق بیفتد: شکست، موفقیت نیمه‌کاره و موفقیت کامل. فهم نظریه برنامه می‌تواند ما را در یادگیری این سه حالت کمک کند:

الف. یادگیری از شکست

ب. یادگیری از موفقیت نیمه‌کاره

ج. یادگیری از موفقیت کامل

نظر به اینکه شهید شوشتری در مناطق شمال غرب و جنوب شرق مسئولیت قرارگاه‌های عملیاتی سپاه را برعهده داشته‌اند و از طرفی دیگر با الگوی پیاده‌شده‌ی شهید بروجردی آشنا هستند و همچنین ایشان مسئول اجرای امنیت پایدار (مبتنی بر امنیت مردم‌نهاد) در جنوب شرق کشور بوده‌اند الگوی ایشان پیشنهاد می‌گردد.

امنیت یکی از مهم‌ترین نیازهای جامعه بشری می‌باشد که ایجاد امنیت و به‌خصوص امنیت پایدار تنها زمانی بر منطقه حکم‌فرما خواهد شد که مسئولین، مردم و سران طوایف با

همدیگر تعامل و هم‌فکری داشته باشند و همه نسبت به این اصل مهم یعنی ایجاد امنیت احساس مسئولیت کنند و با هم‌فکری مانع رسیدن دشمنان نظام به مقاصد شوم‌شان شوند.

در مطالعات علوم سیاسی اصطلاحی تحت عنوان امنیت مردم‌نهاد وجود ندارد و این مبحث تحت عنوان امنیت اجتماعی‌شده (جامعه‌ای) جای می‌گیرد. از طرفی گفته شد نظریه اسلامی امنیت اجتماعی‌شده پشتوانه نظری این کتاب خواهد بود که در این زمینه تنها یک کتاب نوشته شده است.

کتابی دیگر نیز به عنوان امنیت مردم‌نهاد در مدیریت بحران مطالعه موردی کردستان نوشته شده است که با دیدی سیاسی-امنیتی به بحران کردستان و نیز کاربردهای برنامه امنیت مردم‌نهاد نگریسته است.

با توجه به اینکه مدل عملکردی سردار شوشتری در جنوب شرق کشور متأسفانه نگارش نشده و اصول و سیاستهای آن فقط در اذهان فرماندهان و مجریان طرح وجود دارد، نگارش چنین کتابی که دربرگیرنده تمامی اجزایی می‌باشد که با رجوع به آنها می‌توان اصول و سیاستهای مدنظر ایشان در این طرح را استنباط کرده و در نتیجه می‌توان تمامی کارهایی که هم‌اکنون در جنوب شرق انجام می‌شود با این اصول و سیاستها مقایسه و ارزیابی کرد. طبق اصول این برنامه که صدای سرویس‌های اطلاعاتی خارجی معاند فعال در استان و ایادی آنها را درآورده بود، امکان انحراف از این برنامه در کلیه سطوح و اعمال اجرایی وجود نخواهد داشت. به عبارتی دیگر این کتاب همچون شاغول و خط‌کشی خواهد بود که کلیه برنامه‌ها، اقدامات، سیاستها و... که از سوی حاکمیت در منطقه اجرا می‌گردد ارزیابی شده تا نشان دهد آن اقدامات، برنامه‌ها، سیاستها چقدر با طرحی جامع و کامل که امنیت منطقه را تأمین می‌کند همخوانی دارد.



## معنا و تعاریف نظریه‌پردازی داده‌بنیاد

تاکنون برای اصطلاح grounded theory معادل‌های فارسی زیادی پیشنهاد شده است. از جمله نظریه بنیادی؛ نظریه مبتنی بر داده‌ها؛ نظریه مفهوم‌سازی بنیاد؛ نظریه برخاسته از داده‌ها و رویش نظریه. ما به دلایلی معادل «نظریه‌پردازی داده بنیاد» را برای آن انتخاب کرده‌ایم.

۱. فرآیند نظریه‌پردازی داده‌بنیاد: تشریح ساده و صحیح روشی که به صورت زنجیره‌وار، تعاقبی، هم‌زمان با خوش‌اقبالی و زمان‌مند روی می‌دهد کار پرچالشی است. همانگونه که در جمله گلیسر مشهود است، نمی‌توان برای روشی که بسیاری از روال‌های آن هم‌زمان صورت می‌گیرد و در بیشتر اوقات متضمن رفت و برگشت‌های بسیار است، مرحله‌بندی قائل شد. بنابراین مراحل که از این پس مطرح می‌شود، با تسامح و صرفاً برای آشنایی اولیه با این روش خواهد بود.

## ۲. انتخاب نظریه‌پردازی داده بنیاد بعنوان استراتژی و هدف و چرایی انتخاب

روش داده‌بنیاد در کتاب حاضر: شما هنگامی به سراغ استفاده از نظریه‌پردازی داده بنیاد می‌روید که نیازمند یک نظریه یا تبیین کلی (اجمالی) یک فرآیند باشید. در زمانی که نظریه‌های موجود به مشکل مورد نظر شما یا به مشارکت‌کنندگان در فرآیندی که شما در برنامه مطالعه خود دارید، نمی‌پردازند، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، یک نظریه را تولید می‌کند. از آنجا که این نظریه در داده‌ها بنیان دارد، نسبت به نظریه‌ای که از مجموع نظریه‌های موجود اقتباس شده و تطبیق داده می‌شود تبیین بهتر ارائه می‌دهد. زیرا با موقعیت تناسب دارد، در عمل واقعاً کارآمد است، افراد موجود در یک محیط را در نظر گرفته و احساسات آنها را درک می‌کند و ممکن است همه پیچیدگی‌هایی را که واقعاً در فرآیند یافت می‌شود، نشان دهد.

## چیستی و چرایی نظریه برنامه

نظریه برنامه، یک مدل یا نظریه است که بیان می‌کند چگونه یک مداخله به مجموعه‌ای از پیامدهای خاص از طریق یک سری از رهاوردهای میانی منجر می‌شود. نظریه نیاز دارد تا شامل یک توضیح در مورد اینکه چگونه فعالیت‌ها به نتایج تبدیل می‌شوند باشد نه اینکه به سادگی لیستی از اقدامات که باید اهداف را دنبال کنند بدون هیچ گونه توضیح در مورد اینکه چگونه این اقدامات باهم مرتبط می‌شوند باشد یعنی گوشه‌ای از یک خط‌آسرا آمیز. یک نظریه برنامه دو جزء دارد: یک نظریه تغییر و یک نظریه اقدام. از فواید احصاء نظریه برنامه توانایی در مورد اینست که به صورت نظام مند کیفیت نظریه را معقول، منسجم با شواهد و سودمند مرور کنیم.

### نظریه تغییر

این نظریه به مکانیزم مرکزی‌ای برمی‌گردد که کدام تغییرات باید در مورد اشخاص، گروهها و جوامع رخ دهد. ممکن است چند نظریه تغییر متفاوت در مراحل مختلف برنامه وجود داشته باشد (برای مثال، یکی در مورد اینکه شرکت کنندگان در برنامه شرکت کنند و یکی در مورد تغییر رفتارشان یا برای گروه‌های مختلف مردم).

برنامه‌ها معمولاً هستند ولی نه همیشه، درباره تغییر دادن. گاهی اوقات یک برنامه برای توقف یا کاهش تغییر یا جلوگیری از روی دادن برخی چیزها هدف دارد.

### نظریه اقدام

این نظریه تبیین می‌کند چگونه برنامه‌ها یا دیگر مداخلات به فعال کردن تئوری تغییرشان می‌پردازند. تئوری اقدام فعالیت‌هایی را که باید اتفاق بیفتد و اینکه چه سطحی از مؤفقیت برای هر پیامد برای تولید نتایج مطلوب نهایی نیاز خواهد شد را تبیین می‌کند.

## فصل دوم

### امنیت و امنیت اجتماعی

در این بخش سعی شده با نگاهی جامع، مفهوم، مؤلفه‌ها، سیاستها و اصول «امنیت اجتماعی‌شده در اسلام» ساخته و پرداخته شود. با توجه به کم‌سابقه بودن این مفهوم، و نگارش یک کتاب در رابطه با امنیت اجتماعی‌شده در اسلام، مطالب این فصل عموماً از آن کتاب ارائه شده است. ضمن آنکه سایر کتب عموماً به بحث امنیت جامعه‌ای نگاهی بین‌المللی داشته که از مسئله این کتاب خارج است.

در این فصل باید به سؤالات زیر پاسخ دهیم.

۱. امنیت چیست و دو گفتمان اصلی امنیتی کدامند؟

۲. معنای امنیت اجتماعی‌شده در گفتمان اسلامی چیست؟

اگر امنیت را از حیث کیفیت تأمین در سه سطح فرض کنیم؛ یک سطح از امنیت به صورت منفعل تأمین می‌شود؛ یعنی آسیب و ناامنی در جامعه ایجاد شده و نظام اجتماعی و سیاسی منفعلانه در جهت رفع و مقابله با آن اقدام می‌کند؛ مانند کشف جرائم و مجازات

مجرمین که عمدتاً دستگاه‌های انتظامی، اطلاعاتی و قضایی مسئول کنترل این ناامنی‌ها و تأمین امنیت هستند. سطح دیگری از امنیت به صورت پیشگیری تأمین می‌شود؛ یعنی قبل از بروز ناامنی، نظام اجتماعی و سیاسی، به صورت فعال وارد عمل شده و مانع از ایجاد مؤلفه‌های ناامنی می‌گردد. پیشگیری از وقوع جرم و اعمال مکانیزم‌های بازدارنده نمونه‌هایی از این نوع تأمین امنیت است. سطح دیگری از امنیت نیز وجود دارد که به صورت فرافعال تأمین می‌شود، یعنی از رویکرد امنیت سلبی خارج و امنیت از نوع ایجابی آن تولید می‌شود. در واقع مؤلفه‌هایی که در ارتقاء کیفیت زندگی افراد مؤثر است و نیز وصول جامعه به اهداف و ارزش‌های تعیین شده، در این رویکرد مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین برای تولید این نوع از امنیت نیاز بیشتری به تلاش فکری، علمی و پژوهشی است.

در سطوح اول و دوم، مسئولیت و نقش اصلی بر عهده دستگاه‌های انتظامی و قضایی است. لیکن در سطح سوم نقش اصلی را دستگاه‌های سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در بخش‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایفا می‌نمایند.

در صورتی که رویکرد کلی، تولید امنیت نباشد، ممکن است سیاست‌ها، برنامه‌ها و تصمیم‌های کلان دستگاه‌های حاکمیت، خود مولد ناامنی باشد. بنابراین رویکرد تولید امنیت، نه تنها کیفیت زندگی اجتماعی را ارتقاء می‌دهد بلکه از تولید ناامنی هم جلوگیری می‌نماید. ضمن آنکه بسیار کم‌هزینه‌تر از رویکرد مقابله با تهدید و ناامنی است.

### معنای لغوی و اصطلاحی امنیت

امنیت از حیث لغوی برابر نهاد Security و «لامن» و «الامان» است، و در زبان فارسی به «ایمن شدن»، «در امان بودن» و بی‌بیمی تعریف شده و به این ترتیب موضوع کار دستگاه‌های نظامی و انتظامی قرار گرفته که از آنها به «امنیه» تعبیر می‌شود. در زبان انگلیسی این مفهوم از واژه لاتین Securitas از ریشه Securus مشتق شده که به معنای رهایی از ترس یا نگرانی (fear or anxiety) و یا امان (safety)، اطمینان (Certainty)، حفاظت (protection) و صیانت (defense) به کار رفته است.

آنچه در این کاربردها قابل توجه است، شباهت معانی لغوی امنیت است که حکایت از مدلول واحدی نزد زبان شناسان مختلف از امنیت دارد.

برخلاف معنای لغوی امنیت، در گستره معنای اصطلاحی آن اجماعی وجود ندارد و مشاهده می‌شود که تعاریف اصطلاحی متفاوت و حتی متعارضی از آن ارائه شده که ادعای وجود اجماع نزد نخبگان این حوزه را تضعیف می‌کند. با یک بررسی اجمالی مشخص می‌شود که بیش از ۱۵۰ تعریف مختلف (از حیث معنا و بعضاً از نظر زبان‌شناختی) از امنیت ارائه شده که در گذر زمان در حال افزایش می‌باشد. اگرچه این رشد و توسعه‌ی معناشناختی شاخصی از توسعه مفهومی واژه امنیت نیز می‌تواند باشد، اما نمی‌توان منکر این واقعیت شد که نیل به تصویر واحد و اجماعی از آن را با دشواری مواجه ساخته است. به همین دلیل لازم می‌آید تا نسبت به ترکیب و تلفیق تعاریف موجود و استنتاج اصول معنایی و معرفت‌شناختی مشترک آنها اقدام نمود تا بتوان از آن اصول و مبادی، به عنوان حداقل‌های مشترک و اجماعی بین تحلیل‌گران امنیتی در مقام کاربرد تخصصی این واژه استفاده کرد. از این رو دکتر افتخاری با استفاده از روش تحلیل گفتمانی، دو گفتمان امنیتی را شناسایی و پیشنهاد می‌نماید که عبارتند از: گفتمان سلبی امنیتی و گفتمان ایجابی امنیتی که در ادامه به بیان این دو خواهیم پرداخت.

### **تقسیم بندی امنیت شناسی**

در یک تقسیم بندی کلان می‌توان دو نوع ماهیت‌شناسی امنیتی را از یکدیگر تمییز داد:

۱. امنیت‌شناسی برون‌نگر

۲. امنیت‌شناسی درون‌نگر

پیروان الگوی امنیت برون‌نگر، فرصت-تهدید امنیتی را در تقابل با شبکه قدرت خارجی فهم و شناسایی می‌کنند و به همین خاطر است که شرایط و مقتضیات داخلی برای آنها

دارای اصالت نمی‌باشد. در قالب چنین منطقی است که انحصار امنیت به نوع رفتار بازیگر خارجی به صورت سلبی یا ایجابی (تهدید- فرصت) معنادار است.

اما در نگرش درون‌نگر، امنیت بیش از آنکه معطوف به مناسبات بیرونی قدرت‌ها باشد به نوع مناسبات داخلی درون بازیگر توجه دارد. بدین صورت که نوع ارتباط ملت با دولت و نقش جامعه مدنی در این میان تأثیرگذار بوده و می‌تواند به تولید ناامنی یا تقویت امنیت منجر شود.

### **گفتمان سلبی<sup>۱</sup> امنیت**

بنیاد فلسفی این گفتمان را اصل محوری تعریف به نقیضان تشکیل می‌دهد. امنیت در این گفتمان به نبود تهدید تعریف کرده‌اند. تهدید نیز مخاطره نسبت به منافع بازیگر اطلاق شده است.

در این گفتمان امنیت به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن نسبت به منافع بازیگر یا تهدیدی وجود نداشته باشد و یا در صورت وجود، امکان مدیریت مؤثر آن برای بازیگر مورد تهدید واقع شده وجود داشته باشد.

بسیاری از کشورهای جهان سومی در حوزه امنیت ملی به شدت سلبی‌نگر بوده و اقبال ویژه آنها به سیاست‌های سخت‌افزارانه برای ارتقاء جایگاه امنیتی‌شان گواه این معناست.

### **گفتمان ایجابی امنیت**

#### **الف. بنیاد**

این گفتمان بر پایه دو اصل انتقادی به دیدگاه سلبی می‌باشد:

۱. در گفتمان سلبی امنیت نقش محوری ندارد بلکه قدرت موضوعیت داشته و امنیت نیز در ذیل آن معنا و فهم می‌باشد.

۲. در گفتمان سلبی صرفاً بعد عینی امنیت مورد توجه قرار می‌گیرد.

در گفتمان ایجابی نبود تهدید شرط لازم امنیت‌سازی است اما کافی نیست.

درک این گزاره نیازمند توجه به اصول مبنایی زیر است:

گزاره ۱. در صورت وجود تهدید، امنیت در مخاطره است.

گزاره ۲. در صورت نبود تهدید، امنیت تأمین است.

در گفتمان سلبی هر دو گزاره بالا صادق ارزیابی می‌شود، حال آنکه در گفتمان ایجابی گزاره دوم ضرورتاً صادق نبوده و می‌توان در عین نبود تهدید از ضعف یا نبود امنیت نیز سخن گفت.

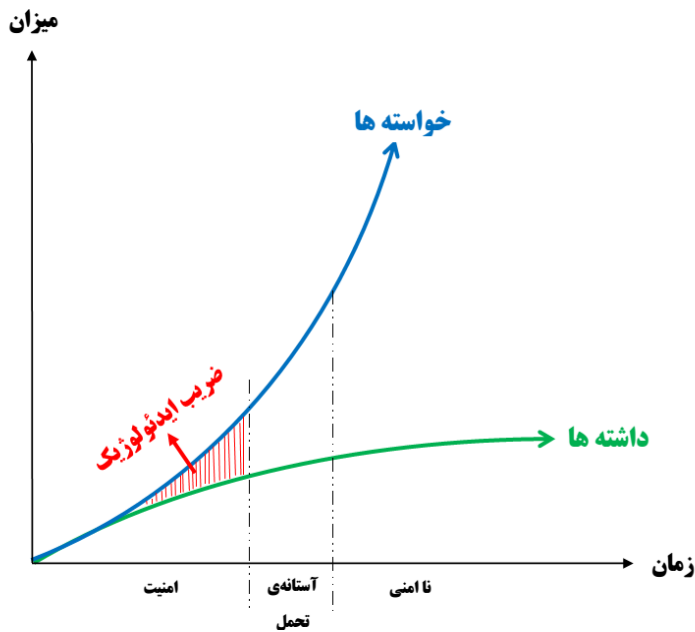
### ب. نظریه امنیتی گفتمان ایجابی

امنیت در این نظریه به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن بین خواسته‌ها و داشته‌های بازیگر نسبتی متعادل وجود دارد به گونه‌ای که در چارچوب ضریب ایدئولوژیک آن واحد، نزد بازیگران تولید رضایت می‌نماید. برای شرح این نظریه توجه به سه بُعد این نظریه مهم است:

۱. **خواسته‌ها:** مجموع نیازهای تعریف شده یک بازیگر که حکایت از ارزش‌مندی و اولویت آنها نزد وی دارد.

۲. **داشته‌ها:** مجموع پاسخ‌های ارائه شده از سوی قدرت حاکمه به این خواسته را شامل می‌شود. داشته از جنس پاسخ بوده و می‌تواند به اشکال مختلف ارائه شود. برای مثال می‌توان به تحقق عینی یک خواسته یا ارائه پاسخی قانع‌کننده برای عدم تأمین آن، یا ارائه استدلال‌هایی مقبول برای مخاطب مبنی بر عدم امکان تحقق آن، اشاره داشت که تمامی آنها پاسخ به شمار می‌آیند.

۳. **ضریب ایدئولوژیک:** منظور آن ارزش‌هایی است که توسط جامعه و کارگزاران به صورت پیشینی و مشترک پذیرفته شده‌اند و بازیگر جهت صیانت یا تقویت آنها حاضر به هزینه‌کرد آن یا چشم‌پوشی از خواسته‌هایش می‌باشد.



شکل ۲-۱: نمودار الگوی امنیت ایجابی

با تأمل در این نمودار ملاحظه می‌شود تهدید به عنوان موضوع اصلی امنیت در گفتمان سلبی مبتنی بر آسیب‌ها می‌باشد. معنای این گزاره آنست که تهدید وجود استقلالی ندارد و به تبع آسیب‌ها که ریشه و بنیادی داخلی دارند (یعنی در نسبت خواسته-داشته شکل می‌گیرند) معنا و مفهوم می‌یابند.

امنیت اجتماعی شده نیز از درون نظریات دو گفتمان سلبی و ایجابی بیرون آمد. هر کدام از این دو گفتمان دیدگاه کاملاً متمایزی به موضوعات و مسائل مختلف امنیتی دارند و



..... فصل دوم: امنیت و امنیت اجتماعی > ۱۷

امنیت اجتماعی شده از این قاعده مستثنا نیست. برای معرفی بیشتر به تعریف امنیت اجتماعی شده در هر دو گفتمان پرداخته و مشخص کنیم کدام گفتمان بیشتر به درد محیط امنیتی سیستان و بلوچستان می خورد و به جای امنیت سوزی، امنیت ساز است. در این قسمت بایست امنیت اجتماعی شده در دو گفتمان سلبی و ایجابی ذکر گردد و دست آخر نظر اسلام نیز بیان شود.

### **امنیت اجتماعی شده**

براساس مندرجات کتاب «امنیت اجتماعی: مفاهیم، مؤلفه ها و نظریه ها» تعریفی بومی از امنیت اجتماعی شده (جامعه ای) که برخاسته از نقد و ارزیابی آخرین نظریه ها، مفاهیم، تعاریف موجود در جهان و تحلیل و توصیف وضعیت جامعه ایران به دست آمده است، مبنای اصلی طرح جامع قرار گرفته است:

«امنیت جامعه ای عبارت است از اطمینان خاطر افراد و گروه های مختلف اجتماعی نسبت به حفظ موجودیت و هویت خود در برابر تحولات عادی و تحرکات عمدی»

امنیت اجتماعی شده را می توان مفهومی جوان و توسعه نیافته در حوزه مطالعات امنیت پژوهی ارزیابی کرد که تحت تأثیر مکتب کپنهاک توسعه ای قابل قبول را در گستره جوامع غربی تجربه نموده و از همین ناحیه به درون جامعه علمی ایران راه یافته است. این مفهوم در محل تلاقی دو رشته علمی مهم- جامعه شناسی و مطالعات امنیتی- قرار گرفته و به همین خاطر حوزه مستقلی شکل گرفته که از آن به جامعه شناسی امنیت تعبیر می شود.

## امنیت اجتماعی شده سلبی

قاعده ۱. امنیت جامعه ماهیتی غیراجتماعی دارد.

قاعده ۲. امنیت جامعه، دولت بنیاد است.

نگرش دولت بنیادی امنیت اجتماعی شده را از دو ناحیه تحت تأثیر قرار می‌دهد:

۱. دو انگاری دولت- ملت را تأیید کرده و به دلیل استقلال بخشی به منافع دولت و اولویت دادن آن بر منافع جامعه زمینه اقتدارگرایی و فعال شدن کانون‌های ناامنی داخلی را فراهم می‌آورد.

۲. دو انگاری دولت- ملت در گفتمان سلبی به تمرکز قدرت به جای توزیع آن درون جامعه می‌انجامد که پدیده‌ای ضد امنیتی- از منظر اجتماعی- به شمار می‌آید.

اگر بپذیریم که قدرت مؤثر آنست که درون عناصر اجتماعی ریشه داشته باشد و با مشارکت آنها فعال شود (چنان که امثال فوکو بدان اشاره داشته‌اند) در آن صورت هر تلاشی که به انحصار قدرت منتهی شود، پدیده‌ای ضد امنیتی به شمار می‌آید.

چنان که می‌بینیم به نقص گفتمان امنیت سلبی اشاره شد.

## امنیت اجتماعی شده ایجابی

تأیید و تقویت رویکرد امنیت‌شناسی درون‌نگر توسط پیروان گفتمان ایجابی نقطه محوری در شکل‌گیری ایده نوین امنیت اجتماعی شده می‌باشد که مدرن‌ها بر آن تأکید نموده‌اند.

مهم‌ترین نظریه‌های برآمده از این گفتمان عبارتند از:

## ۱. امنیت اجتماعی شده به مثابه تأثیرات اجتماعی

امنیت اجتماعی شده عبارتست از مجموع تأثیراتی که از ناحیه جامعه بر امنیت یک بازیگر به صورت مستقیم (در قالب ریشه‌های اجتماعی امنیت) و یا غیرمستقیم (در قالب بازخوردهای ناشی از واکنش جامعه) گذارده می‌شود.

اما آنچه از بحث امنیت اجتماعی شده در دو گفتمان سلبی و ایجابی برمی‌آید اینست که گفتمان سلبی امنیت اجتماعی شده به شدت تنش‌زا بوده و اجرای آن به تنهایی موجب بروز ناامنی می‌شود. همچنانکه در بالا به آن اشاره شد. اما گفتمان امنیت ایجابی به دلیل اعتماد به جامعه در مقام تأمین امنیت، تأکید بر ارتقای عناصر فرهنگی جامعه، حمایت سازمانی و دولتی از اقشار آسیب‌پذیر به وسیله ایجاد تورهای ایمنی، احترام به هویت افراد و اقوام (زبان، آداب و رسوم، فرهنگ، هویت مذهبی) موجب امنیت‌سازی در جامعه شده است و کانون‌های ناامنی و علل ناامنی را غیرفعال می‌کند.

در مقام تعریف امنیت اجتماعی شده در اسلام، به عنوان یک منطق پذیرفته‌شده در علم، به وسیله بیان تفاوت‌های یک مقوله با مخالف آن، این تعریف بیان می‌گردد:

### تفاوت امنیت اجتماعی شده در گفتمان اسلام و جاهلی

چهار ضدیت اساسی در رویکرد "متعارض" امنیت اجتماعی شده در گفتمان اسلام و جاهلی وجود دارد:

#### ۱. هویت جمعی در مقابل هویت فردی

در حالی که گفتمان جاهلی بر تکثر واگرایانه استوار بوده و از این طریق شرک، کفر، نفسانیات و تصویر بدبینانه از دیگر بازیگران - که بر خودخواهی و تضییع حقوق دیگران استوار است - را مبنای تحلیل امنیتی قرار می‌دهد، در گفتمان اسلامی بر اصل وحدت بوده و تمامی کثرت‌ها بر بنیاد توحید تفسیر و فهم می‌شود و از هویت مشترک جمعی به مثابه مرجع اصلی امنیت اجتماعی شده یاد می‌نماید.

## ۲. اطمینان در مقابل صیانت

گفتمان جاهلی بر عینیت تأکید دارد در حالی که گفتمان اسلامی بر حقیقت استوار است. حقیقت بعدی عینی- ذهنی دارد. بر این اساس امنیت اجتماعی شده اسلامی محصول شکل‌گیری و تقویت احساس خاطر در جامعه تا تمهید سازو کارهای سخت‌افزارانه صرف برای صیانت از جامعه است.

## ۳. سعادت در مقابل منفعت

گفتمان جاهلی غایت امنیت را تأمین منفعت معرفی می‌کند در حالی که گفتمان اسلامی دو ساحتی بوده و علاوه بر امور مادی بر امور اخروی نیز تأکید دارد. بخش عمده و محوری در گفتمان جاهلی تأمین اجتماعی است در حالیکه در گفتمان اسلامی در گرو مشارکت جمعی، دلسوزی نسبت به سرنوشت تک تک احاد جامعه از سوی دیگر و در نهایت التزام عملی به راهبردهای مشارکت جویانه‌ای چون امر به معروف و نهی از منکر است.

## ۴. آگاهی در مقابل جهل

گفتمان جاهلی در پی استقرار و استمرار امنیت در جامعه از طریق اعمال سلطه بر آن و تحت کنترل قرار دادن آن می‌باشد. برای این منظور استفاده از منابع قدرت سخت در اولویت قرار داشته و کاربرد زور، انحصار قدرت و تضعیف نیروهای اجتماعی به مثابه سیاست‌های اصلی در دستور کار برنامه‌های امنیت اجتماعی شده قرار می‌گیرند. اما در گفتمان اسلامی، مبنای امنیت آگاهی و معرفت است. به همین خاطر توجه به منابع نرم قدرت و استفاده از سیاست‌هایی چون پرورش و تربیت اجتماعی، تعمیق گرایش‌های ایمانی با هدف اخلاقی کردن فضای اجتماعی و پرهیز از زور و اقبال به پذیرش و اقناع جمعی در اولویت قرار می‌گیرند.

تفاوت این دو گفتمان ماهوی می‌باشد. گفتمان اسلامی در پی بنای امنیت اجتماعی شده در گستره اخلاق - معنویت است، حال آنکه گفتمان جاهلی این مهم را در قلمرو عُرف - مادیت دنبال کرده است.

اسلام حسب التزامش به اخلاق و معنویت، امنیت اجتماعی شده را محدود به تکثر، عینیت، منفعت و قدرت نرم می‌داند. متقابلاً گفتمان جاهلی امنیت اجتماعی شده را محدود به تکثر، عینیت، منفعت و قدرت سخت می‌داند.

نتیجه تضادهای بین امنیت اجتماعی شده در اسلام و جاهلی اینست که:

۱. قدرت در گفتمان اسلامی به جهت آن که بتواند امنیت‌ساز شود باید اخلاقی و معنوی باشد. در چنین حالتی است که محتوای فسادانگیز قدرت نقد و نفی شده و به جای آن قدرت سازنده که فسادستیز است شکل می‌گیرد. (قدرت اخلاقی) معنوی شدن قدرت نیز آن را از اصول اجبارآمیز پالایش کرده، به جذابیت و مقبولیت آن می‌افزاید به گونه‌ای که موضوع پذیرش تا تحمیل قرار خواهد گرفت.

۲. عینیت‌ها اصالت ندارند ولی پذیرفته می‌شوند و باید تحت تأثیر معنویت قرار گرفته باشند و از این منظر فهم شوند. دنیا مزرعه آخرت است.

۳. منافع مادی اگرچه غیرقابل انکارند اما در گفتمان اسلامی از ناحیه اخلاق تعدیل شده و جایگاه آنها در ذیل مقوله کلان سعادت فهم می‌شود. منظور از معنوی شدن منافع اصلاح شأن کاربردی منافع در مناسبات اجتماعی است. بدین گونه که از معیار اصلی برای تنظیم رفتار (به مثابه قانون) خارج شده و به یک قاعده تبدیل می‌شود.

۴. اصل وحدت در نگاه اسلامی، جامعه را به سمت تسلیم رهنمون می‌شود و نقطه آغازین ادیان الهی است. در حالی که گفتمان جاهلی برگستره آزادی‌ها تأکید دارد. در قدم بعدی وحدت باید با معنویت پیوند خورده و ایمان پدید آید زمینه‌ساز تقویت امنیت اجتماعی شده گردند.



## فصل سوم

### سیاست‌های اسلامی امنیت اجتماعی شده

تحلیل حوزه معنایی داستان حضرت نوح بعنوان مصداق اتمّ و اکمل یک داستان دینی که از میان آن نظریه دینی قابل استخراج است، نشان می‌دهد که امنیت در این روایت قرآنی دارای بنیادی اجتماعی می‌باشد. به عبارت دیگر الگوی تحلیلی - رفتاری حضرت نوح مؤید الگوی امنیت جامعه بنیاد است.

#### ۱. اولویت‌بخشی به مردم در سیاست

نوح در پیام هایش و دعوت‌هایش مردم را مخاطب قرار می‌داده گرچه نخستین واکنش‌ها از سوی ساخت رسمی قدرت (ملاً) اظهار شده است.

#### ۲. اولویت‌بخشی به مردم در سیاست «ضد عملیات روانی»

#### ۳. اولویت‌بخشی به شأن انسانیت در سیاست دعوت

#### ۴. اولویت‌بخشی به اقناع افکار عمومی تا تمسک به تهدید مردم.

از جمله شاخص‌های مهمی که امنیت اجتماعی شده براساس آن فهم، مدیریت و تقویت می‌شود، اعتباربخشی به مقوله مهم «حمایت مردمی» است که منجر می‌شود امنیت درون جامعه نهادینه و اهداف مدنظر با هزینه‌ای به مراتب اندک اما تأثیری بالا، محقق شود.

### **اصول پارادایمی رویکرد اسلامی امنیت اجتماعی شده**

امنیت در گفتمان اسلامی دارای بنیاد اجتماعی است.

غرض از بنیاد اجتماعی در این اصل آن است که:

- الف. استقرار امنیت بدون پذیرش اجتماعی میسر نیست.
  - ب. توجیه و کسب حمایت افکار عمومی شرط ضروری استمرار امنیت است.
  - ج. مقتضای امنیت جامعه‌بنیاد، توجه به هر دو بُعد تشویقی و انذاری امنیت است.
  - د. مقتضای کارآمدی و پایداری امنیت در هر جامعه‌ای، اولویت‌بخشی به سیاست‌های ایجابی در قیاس با سیاست‌های سلبی برای اقناع افکار عمومی است.
- رعایت مفاد بالا «امنیت را جامعه‌بنیاد» می‌کند و در صورت عدول از آن الگوهای غیراجتماعی و یا ضداجتماعی پدید می‌آیند که از تولید یک وضعیت ایمن پایدار عاجز هستند.

**در گفتمان امنیت اجتماعی شده اسلام، جامعه دارای اصالت (قوی) نمی‌باشد.**

براین اساس حقایق الهی که مستند به فرامین الهی (واصل آمده از طریق وحی) هستند، دارای اصالت ارزیابی می‌شوند.

این اصل تعیین کننده خطوط قرمز امنیت اجتماعی شده در اسلام هست. حدود شریعت به مثابه خطوط قرمزی ترسیم می‌شوند که امنیت سازی باید در چارچوب آن فهم و اجرایی افزون بر این کلیه عناصر تأثیرگذار در این حوزه نیز مکلف به رعایت این حدود هستند و در این خصوص بین بازیگران هیچ استثنایی وجود ندارد.



در تحلیل داستان نوح این راهبرد این‌گونه مشخص شده‌است:

بنیاد راهبرد هدایت بر «حق‌محوری» گذارده شده، چنان‌که بنیاد راهبرد ضلالت بر باطل استوار است. لذا امکان تعدی از حق به هیچ وجهی وجود ندارد. جامعه امن بدون التزام به حق محقق نمی‌شود.

### گفتمان اسلامی امنیت اجتماعی شده بر دو رکن استوار است:

۱. در مقام تحلیل امنیت اجتماعی شده، شناخت ریشه‌های فرهنگی اجتماعی بر ریشه‌های مادی - ساختاری اولویت مطلق دارد.

۲. در مقام مدیریت امنیت اجتماعی شده، کنترل مؤلفه‌های مادی بر مؤلفه‌های انتزاعی اولویت نسبی دارد.

منظور از اولویت مطلق آنست که ملاحظات فرهنگی مسلط بر ملاحظات ساختاری مادی است و لذا در قالب ملاحظات فرهنگی فهم و معنا می‌شود. اما اولویت نسبی بر اهمیت ملاحظات مادی دلالت دارد و اینکه در کنار آنها باید ملاحظات معنوی نیز لحاظ شود. یعنی در مقام مدیریت امنیت مؤلفه‌های مادی نقش اصلی و مؤلفه‌های معنوی نقش مکمل را دارند.

## نحوه جلب مشارکت مردمی در تأمین امنیت در نظریه‌های مختلف

### نحوه جلب مشارکت مردمی در نظریه‌های غربی

آنچه در بحث امنیتی باید بیشتر به آن توجه کرد- که شاخص تمییز سیاست‌های اجتماعی از غیر آن در حوزه امنیت‌سازی می‌شود- نحوه جلب این همکاری می‌باشد. از این منظر می‌توان دو الگوی متفاوت اجبار و اقناع را از یکدیگر تمییز داد. در الگوی اقناعی هدف ارائه استدلال‌هایی است که مخاطب را مجاب کرده تا سیاست‌های حمایتی را پیشه سازد. در الگوی اجباری متضمن نوعی تحمیل است. نظر به تحول شیوه‌های تحمیلی از سخت به نرم نباید تصور کرد که نظام‌های دموکراتیک یا مشارکتی ضرورتاً مجری الگوی اقناعی و نظام‌های دیگر پیرو الگوی اجباری هستند. اگر به هر طریقی نسبت به تحریف افکار عمومی و اجبار جامعه به پذیرش ایده‌ای خاص اقدام شود، امنیت در چنین وضعیتی مبتنی بر اجتماع ارزیابی نمی‌شود.

### نحوه جلب مشارکت مردمی در تأمین امنیت از نظر اسلام

شاخص‌های در داستان نوح دیده می‌شود که این تمییز را تأیید می‌کند:

۱. اولویت روش‌های اقناعی بر روش‌های اجباری در امنیت اجتماعی شده

۲. اولویت مطلق سیاست‌های ایجابی بر سیاست‌های سلبی در روش اقناع افکار عمومی

روش‌های سلبی به معنای نفی اتهامات و ایجابی به معنای تبیین خود و روشنگری. مطابق دیدگاه قرآنی باید محوریت با ایجابی بوده و روش‌های سلبی در بطن روش‌های ایجابی باشند تا هویت اجتماعی تقویت و کرامت انسانی پاس داشته شود. نزدیک به ۳۰٪ کدهای استخراج شده از داستان نوح مبتنی بر سیاست‌های اجبارآمیز و ۷۰٪ سیاست‌های اقناعی بوده است. ۳۵٪ در سیاست‌های اقناعی مبتنی بر سلبی‌نگری و ۶۴٪ مبتنی بر سیاست‌های ایجابی‌نگری بوده است.

برابر مدل اسلامی ارائه شده ساختار امنیت اجتماعی شده مبتنی بر ۴ فضای اصلی می‌باشد. برای توضیح این مدل و ساختار، اصول و ماحصل آن ذکر می‌گردد:

### **مدیریت فضای فردی؛ الگوی تربیت اسلامی**

مطابق با سه منبع فضای فرد دو نوع انسان وجود دارد:

- انسان رها که بیشینه‌سازی منافع فردی و شخصی هدف وی هست.
- انسان مقید که به بازتعریف منافع خود می‌پردازد.

عمده دول غربی انسان رها را می‌خواهند. در حالی که نظریه اسلامی برای اخلاق ارزش خاصی مطرح است. نظریه تربیت انسان در اسلام ارزش امنیتی بالایی دارد، در حالی که انسان رها در غرب منشأ رذالت‌ها و ناامنی‌هاست. نظریه تربیت حداقل در سه سطح فضای فردی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این سه سطح که با ارزش امنیتی مثبت از آنها در اینجا یاد شده، عبارتند از:

۱. تربیت نفس: فلاسفه اسلامی خصوصاً ملاصدرا می‌گویند انسان باید نفس خود را تربیت کند از مادیت به تجرد برسد. به تعبیر غزالی اعمال جوارح بر دو قسم است: عادات و عبادات. اعمال قلوب هم بر دو قسم است: ممدوح و مذموم

پس نظریه تربیتی او نیز دارای ۴ بخش است که عبارتند از: عبادات، عادات، مهملکات و منجیات. نتیجه کلام آن که اخلاق با ایجاد تعادل در درون انسان و بین قوای طبیعی او منجر به اصلاح اندیشه و عمل و مناسبات بین این دو می‌شود و این تأثیری است که سایر علوم در ایجاد آن با مشکل مواجه هستند. این همان کارکردی است که فضای جمعی به شدت نیازمند آنست تا بتواند نظم اجتماعی را بر بنیاد اصول فرهنگی نهادینه شده درون افراد- تا اجبار ایشان به اطاعت- استوار سازد و در نتیجه نظم و امنیتی پایدار- که هزینه‌ای اندک ولی تأثیر بسیار در قیاس با سایر الگوهای امنیت ساز دارد- را تأسیس و تقویت کند.

۲. اصلاح قلب: قلب‌ها در معرض آفت‌های عمده‌ای هستند که آنها را سخت می‌کند. از عمده این آفت‌ها که رواج نسبی بالایی دارند، می‌توان به رذایل اخلاقی، گناهان، عُجب و فریفته شدن به خود و غرور نسبت به توانایی‌های منحصر به فرد خود، غفلت از خود و جهانی که در آن زندگی می‌کنیم که نه تنها قلب را از کارکرد مثبت خود باز می‌دارد بلکه به عاملی برای توجیه رفتارهای ناپسند بدل می‌سازد. بهترین راه برای پرهیز از چنین آسیبی راه کار پیشنهادی تقوا می‌باشد.

۳. کمال عقل: عدم تعقل منجر به فساد، تباهی و گمراهی است و قرآن کریم انسان را پیوسته به تعقل فرا می‌خواند.

### **مدیریت فضای جمعی؛ نظریه امر به معروف و نهی از منکر**

دو نوع اجتماع از نظر اسلام در جهان وجود دارد:

۱. اجتماع ارگانیک که در آن همه نسبت به همدیگر مسئول هستند و تجسم چنین جامعه‌ای در اصل امر به معروف و نهی از منکر هویداست. در گفتمان اسلامی از این اصل به عنوان امر به معروف و نهی از منکر تعبیر شده که با تأمل در محتوای قرآنی این اصل مهم اجتماعی می‌توان از آن تصویری سه لایه به عنوان الگویی از ارتباط اصلاحی بینافردی دست یافت که در استقرار و تقویت امنیت اجتماعی نقشی محوری دارد.

۲. اجتماع مکانیک که در آن اصل و محور توسعه حوزه شخصی با اصالت دادن اصل عدم دخالت می‌باشد. همچنین که پیداست در این اجتماع در خیلی از امور، منافع افراد با هم تلاقی پیدا کرده که همین امر موجب تنش و تعارض در جامعه می‌گردد.

### **سطوح امر به معروف و نهی از منکر**

جهت فعال‌سازی عقل جمعی این اصل به منظور استقرار امنیت اجتماعی شده حداقل در سه سطح فعال است:

الف. عرف: عرف را باید به عنوان زمینه عمومی شکل‌گیری و تقویت امنیت بپذیریم. از عرف به مثبت و منفی تعبیر شده است ولی تلقی عمومی از آنها معمولاً مثبت است.

ب. مسئولیت جمعی: باید عموم افراد بخواهند که ارزش‌ها در جامعه ترویج یابد.

ج. رسالت نخبگان: عده‌ای باید نقش مدیریت و اطاق فکر برای اصل امر به معروف و... را بر عهده داشته باشند.

از مجموع دلالت‌های بیان شده چنین استنتاج می‌شود که جامعه ایمن محصول ۴ فرآیند اصلی در فضای جمعی است که بر بنیاد نظریه امر به معروف و نهی از منکر شکل می‌گیرند:

۱. اصلاح عقل جمعی به واسطه ارتقاء آن و تبدیل نمودنش به عقل جمعی قوی

✓ **نفی انحصار معرفت به گروهی خاص:** همگان باید از سطحی از معرفت برخوردارند. بنیاد امر به معروف و نهی از منکر بر طبقه‌ای اجتماعی بنا نشده است بلکه بر آگاهی فردی بنا شده است. موضوع امر به معروف و نهی از منکر هم به شکلی هست که همه باید به دنبال آن باشند تا تحصیل مقدمات کنند. ولی باید عده‌ای مدیریت جریان را به دست گیرند.

✓ **مشورت:** مطابق گفتمان اسلامی برای فعال سازی عقل جمعی، مشورت پیشنهاد شده است. این به معنای تضارب آراء و افکار برای رسیدن به رأیی در چارچوب شریعت دارد.

۲. اعمال نظارت (ارتباط بین تکلیف و حق، در حوزه فردی بصیرت و در حوزه اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر) و کنترل (سالم‌سازی نحوه کاربرد منابع در اختیار و این که چگونه می‌توان خواسته‌های مطرح شده را از انحراف اشتباه و سوء استفاده بازداشت). بر منافع مشترک با هدف تبدیل نمودن آنها به خیر.

۳. نقد سنن پیشینیان با هدف رسیدن به سنن حسنه که موضوع تعاون در جامعه باشند.

✓ اولویت دیگران مبنایی بر ایجاد تعاون است.

✓ التزام فردی به احکام الهی و تربیت خود

۴. رواج فرهنگ عرفانی تکلیف‌گرایی با هدف بهره‌مندی از حمایت و کفایت الهی که موجب بی‌نیازی و اصلاح جامعه می‌شود. (به خاطر پاداش و یا ترس از مجازات به امنیت‌سازی دست‌زده نشود بلکه هدف الله باشد)

نتیجه این ۴ فرآیند جامعه ای امن است که از ثبات لازم برخوردار است.

### **فضای سیاسی**

شاخص برجسته فضای سیاسی قرار گرفتن آن در شبکه روابط قدرت می‌باشد.

### **ابزار انگاری قدرت**

قدرت ابزار است نه هدف. بنابراین هیچ اصلتی ندارد و به هیچ وجه نباید هر شیوه و کاری برای رسیدن به استیلاء و قدرت استفاده کرد. قدرت ابزاری است برای رسیدن به عدالت.

### **شرعی بودن قدرت**

بیان می‌کند که قدرت باید باید زیربنایی شرعی داشته باشد و انسان‌ها را به سعادت برساند.

### **منابع قدرت از دیدگاه اسلام**

#### **الف. قدرت سخت**

قدرت معمولاً به توان تأثیرگذاری بر رفتار دیگران به جهت انجام دادن یا ندادن کاری اطلاق می‌شود که به صورت فلسفی در فضای ارتباطی بین دو یا چند بازیگر و با عنصر اجبار موضوعیت می‌یابد. البته جوزف نای قائل به ارائه الگوی تعریفی تازه ای برای قدرت می‌باشد و آن داشتن قابلیت‌ها یا منابعی که می‌تواند بر نتایج تأثیرگذار باشد می‌باشد.

قدرت سخت مدنظر اسلام هم بوده و مفهوم قوه آنرا بیان می‌کند.

قوه در گفتمان اسلامی سه ویژگی مهم و اساسی دارد:

- از بُعد مبانی مستحکم
- از بُعد عامل قابل اتکاء
- از بُعد نتیجه می‌بایست قابل رعایت و تمکین از سوی مخاطب باشد.

## ب. قدرت نرم

قدرت نرم به تمکین و تغییر رفتار می‌انجامد، با این تفاوت که این نتیجه مهم را از طریق جذب و شکل دادن به علایق دیگران به دست می‌آورد. بنابراین مهم‌ترین کانون‌های تولید قدرت نرم، ارزش‌ها، تأسیسات حقوقی و یا سیاست‌هایی هستند که صبغه و ماهیتی فرهنگی دارند و در نتیجه مخاطب را جذب کرده و به همکاری داوطلبانه برای تحصیل اهداف، تشویق می‌کند. در گفتمان اسلامی بندهایی ۱ تا ۲ زیر مصادیق و موارد منابع نرم قدرت به شمار می‌آید:

بند ۱ و ۲. حسن خلق به عنوان منبع قدرت رسول خدا معرفی شده است. اهمیت این منبع تا بدان جااست که می‌توان آن را مهم‌ترین منبع قدرت نرم معرفی کرد.

بند ۳. جلب مشارکت عمومی به عنوان سازوکار تولید قدرت نرم (از ناحیه التزام و حمایت مشارکت کنندگان) دانسته شده است.

بند ۴. تبعیت به عنوان سازوکاری برای تعهد به همکاری در اعمال قدرت معرفی شده است.

بند ۵. مسئولیت جمعی و تعهد به جماعت و سرنوشت آن، پنجمین کانون مولد قدرت نرم در گفتمان اسلامی می‌باشد.

بند ۶. اخوت سازوکاری دیگر می‌باشد.

بند ۷، ۸، ۹. خداوند قدرت‌هایی در اختیار مؤمنین قرار می‌دهد. نظیر: تألیف قلوب، امداد

الهی، استجاب دعا...

بند ۱۰. در این آیه شریفه خداوند به قدرت نرم برآمده از ایدئولوژی اسلام اشاره دارد. که اسلام دین قیّم معرفی شده است.

بند ۱۱. امت‌اسلامی نهادی مولد قدرت نرم معرفی شده است از طرفی خداوند الگوی جامعه اسلامی را برتر ارزیابی کرده است.

بند ۱۲. تأکید بر اصل زبان و استدلال آخرین منبعی است که در تولید قدرت نرم به آن اشاره رفته است. التزام گفتمان قدرت در جوامع اسلامی بر استدلال، تفکر و تعقل مؤید این معناست که مسلمانان از مزایای این گونه از قدرت نرم در مواجهه با دیگران می‌توانند بهره‌مند شوند.

با توجه منابع تولید کننده قدرت نرم، ملاحظه می‌شود که کانون‌های مورد تأکید در اسلام برای تولید قدرت و کاربرد آنها در حوزه سیاست، عموماً نرم‌افزارانه بوده و این موضوعی است که در بحث مدیریت حوزه سیاسی باید به آن پرداخته شود.

امنیت از جمله نیازهای اساسی یک ملت و یک جامعه است. مدل‌های گوناگونی در تأمین و ایجاد امنیت به کار رفته است. در این میان مدلی از سوی قرآن کریم ارائه شده است. این استنباط از داستان حضرت نوح اینست که ریشه‌های اجتماعی تأمین امنیت، پایداری آن را از سایر مدل‌ها بیشتر می‌کند. بر مبنای نظریه مستنبط از قرآن کریم قدرت مؤثر آنست که درون عناصر اجتماعی ریشه داشته باشد و با مشارکت آنها فعال شود. امنیت جاهلی در این رویکرد در مقابل امنیت اسلامی قرار می‌گیرد که چهار ضدیت این دو نوع را از هم متمایز می‌سازد. هویت جمعی در مقابل هویت فردی، اطمینان در مقابل صیانت (ذهنی- عینی) در مقابل عینی)، سعادت در مقابل منفعت (از حیث هدف‌گذاری بازیگران) و آگاهی در مقابل جهل (ابزار اساسی امنیت‌سازی در دو رویکرد) ۴ ضدیت اساسی امنیت اسلامی و جاهلی است. در رویکرد اسلامی سیاست‌های اولویت‌بخشی به مردم در سیاست، اولویت‌بخشی به مردم در سیاست «ضد عملیات روانی»، اولویت‌بخشی به شأن انسانیت در سیاست دعوت و اولویت‌بخشی به اقناع افکار عمومی تا تمسک به تهدید مردم به کار می‌رود.



سه پارادایم اساسی در امنیت اجتماعی شده اسلامی مبنای گفتمانی این نظریه را تشکیل می‌دهد:

۱. امنیت در گفتمان اسلامی دارای بنیاد اجتماعی است.
  ۲. امنیت در گفتمان اسلامی جامعه، دارای اصالت قوی نمی‌باشد.
  ۳. امنیت در گفتمان اسلامی بر دو رکن استوار است:
    - الف. در مقام شناخت ریشه‌های امنیت و ناامنی، شناخت علل و ریشه‌های فرهنگی-اجتماعی بر ریشه‌های مادی و ساختاری اولویت مطلق دارد.
    - ب. در مقام کنترل و مدیریت پدیده‌های ناامنی و امنیت سازی، مولفه‌های مادی-ساختاری بر مولفه‌های فرهنگی-اجتماعی اولویت نسبی دارد.
- اجرای الگوی تربیت اسلامی در جامعه، اجرای نظریه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه، ارتباط صمیمانه با مردم، مشارکت آنها در تولید امنیت و سایر تصمیم‌گیری‌ها بر مبنای تعهد، توجیه و کسب حمایت افکار عمومی و توجه به هر دو بُعد تشویقی و انذاری، اولویت بخشی به سیاستهای ایجابی در قیاس با سیاستهای سلبی جهت اقناع افکار عمومی، اولویت روشهای اقناعی به روشهای اجباری، شرعی بودن قدرت و اخلاقی بودن آن و نیز تلاش جهت همراه‌سازی و ایجاد دغدغه در مردم جهت حل مسائل محیط زندگی خود از جمله اصول برنامه امنیت مردم‌نهاد می‌باشد.



## فصل چهارم

### امنیت مردم نهاد

#### مقدمه

برابر تقارن نظریه برنامه و نظریه داده‌بنیاد به مفهومی به نام کانون تمرکز دست یافتیم. کانون تمرکز به گروه‌هایی اطلاق می‌گردد که ذی‌نفع یک برنامه یا مداخله می‌باشند. بدین ترتیب کانون تمرکزهای ذیل برای این اقدام به دست آمد:

۱. مولوی‌ها
  ۲. سپاه
  ۳. دستگاه‌های دولتی
  ۴. پاکستانیها و افغانی‌های هم‌مرز با ایران
  ۵. مردم و طوایف اهل سنت
- الف. سران طوایف
- ب. خانواده اشرا و معدومین
- ج. بلوچ‌های بسیجی

د. کودکان و دانش‌آموزان

و. سربازان فراری

ه. اشرار و گروهک‌ها

ز. محرومان

۶. سردار شوشتری

### تاریخچه و توصیف مختصر از وضعیت امنیتی سیستان و بلوچستان

سه محور اساسی:

الف. سیستان و بلوچستان و معضلات امنیتی آن: سیستان و بلوچستان در انتها علیه جنوب شرق ایرانی با مساحت ۱۱,۵ درصد مساحت کل کشور را به خود اختصاص داده است. مرزی بودن، وجود تفاوت قومی و مذهبی با اکثریت کشور، موقعیت جغرافیایی و... سبب شده است که محیط مساعد نامنی برای اشرار در این منطقه شکل بگیرد. پیش از انقلاب نیز اصطکاک‌هایی بین دولت مرکزی و برخی طوایف بلوچ در این منطقه مشاهده شده بود. ولی لعاب درگیری‌ها عمدتاً بر اساس منافع مادی طرف‌های درگیر بوده است و لعاب مذهبی در هیچ کدام از این درگیری‌ها دیده نشده است. چنانکه نماینده ولی فقیه در استان سیستان و بلوچستان آیت الله سلیمانی در خطبه‌های نماز جمعه اذعان داشته است که به یکی از مولویها گفتم زمان شاه، جلوی مسجد مکی زاهدان (اصلی‌ترین مسجد اهل تسنن استان) شراب فروشی وجود داشت و هیچکدام از شما مذهبی‌ها به وجود آن اعتراض نداشتید و در توجیه این عدم اعتراض آیه اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر را می‌خواندید، چه شده است بعد از انقلاب، هر عملی دولت انجام می‌دهد مورد اعتراض و شانناژ شما قرار می‌گیرد؟ ولی پس از انقلاب، تحت تأثیر دولتهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای دخالت‌ها در این استان افزایش یافت و از دو اهرم قومیت و مذهب به عنوان کاتالیزور ایجاد نامنی جهت فشار بر جمهوری اسلامی ایران و انجام عملیتهای سیاسی - نظامی و... جهت ایدای آن استفاده شد. اشتباه استراتژیک در این سالها دو عامل بود:

## ۱. حذف سران طوایف از هرم قدرت اجتماعی بلوچها: از جمله مصادیق این

عمل، این بود که نیروهای انقلابی، خوانین و سران طوایف را در هر گوشه از جمهوری اسلامی، تحت تعقیب قرار داده و به اسم اینکه این عوامل با رژیم شاه در ارتباط بودند، به حبس یا حتی اعدام آنها می‌پرداختند. غافل از آنکه این خوانین، با هر دولتی که سر کار بیاید سر سازش و همکاری دارند و منافع آنها عمدتاً مادی بوده و کاری به مذهب ندارند. تعقیب این افراد، سبب متواری شدن و به انزوا رفتن سران طوایف شد و جامعه بلوچ که در اجتماع خود به وجود رهبر و مرشد عادت کرده بود دچار حیران گردید. روحانیون اهل تسنن (مولوی‌ها) از این اشتباه استراتژیک نهایت بهره را برده و تحت تأثیر هدایت کشورهای منطقه‌ای همچون عربستان سعودی، امارات و... به ایجاد محبوبیت خود بین اقشار متنوع بلوچ اهل تسنن روی آوردند. در این میان کمک‌های مالی این کشورها به افزایش سرعت و میزان عمق بخشی آنان در بین جامعه اهل سنت بلوچ کمک کرد. ناگفته نماند فعالیت‌های تشکیلاتی متوفی عبدالعزیز ملّازاده در این میان تأثیر زیادی در مذهبی کردن قوم بلوچ مطابق عقاید حنفی دیوبندی گذاشت. وی متولد شهرستان سرباز (اولین دروازه ورود عقاید افراطی مذهبی اهل تسنن به ایران)، امام جماعت مسجد مکی زاهدان، تحصیل کرده مدارس دینی پاکستان و هندوستان، عضو مجلس خبرگان رهبری بوده و داعیه رهبری اهل سنت استان را داشته است. در سخنرانی منتشر شده از وی، به ماده‌ای از قانون اساسی که مذهب رسمی کشور را شیعه اثنی عشری می‌دانست اعتراض شدیدی کرده است. علی‌رغم عدم شرکت این قشر از جامعه اهل تسنن در پیروزی انقلاب اسلامی، خود را دخیل و شریک در این پیروزی دانسته و در صدد سهم‌خواهی برآمده‌اند. وی در سال ۱۳۶۶ از دنیا رفت. پس از وی، داماد او مولوی عبدالحمید اسماعیل‌زهی مدیر داخلی حوزه علمیه دارالعلوم مسجد مکی زاهدان، امام جمعه و جماعت مسجد مکی شد. بنا بر اذعان کارشناسان اطلاعاتی، علی‌رغم اینکه فامیل وی اسماعیل‌زهی بوده و از طایفه شهبخش مستقر در بخش کورین شهرستان زاهدان می‌باشد، اصالت فامیلی وی «**اجباری براهویی**» بوده که این فامیل بنا بر اذعان این متخصصان فامیلی افغانی می‌باشد. لذا می‌توان گفت وی، افغانی الأصل می‌باشد. بعد از روی

کارآمدن وی، فعالیت تشکیلاتی قشر مذهبی اهل تسنن دیوبندی و ارتباط آنان در داخل کشور با همدیگر و ارتباط آنان با کشورهای عربی افزایش یافت. در سال ۱۳۷۲ بعد از تخریب مسجد شیخ فیض مشهد، غائله‌ای در زاهدان به راه افتاد و شهر حالت امنیتی به خود گرفت. در این ماجرا، نقش اصلی توسط وی اجرا شد. جریان مکی زاهدان از این غائله حداکثر سوء استفاده را جهت جذب، شناسایی و بکارگیری نیرو بردند. پیروزی طالبان در افغانستان نیز سبب روحیه گرفتن آنان شده و بسیاری از اهل تسنن بنا بر فتوای مولوی‌ها به منظور جنگ تحت عنوان جهاد راهی افغانستان شدند. این هجرت سبب شکل‌گیری گروهک‌های ایرانی در داخل خاک افغانستان و بعدها با توجه به هدایت سرویس اطلاعاتی پاکستان، در خاک پاکستان گردید. برخی از اهل تسنن ایرانی نیز در این میان به القاعده پیوستند که بنا بر نقل قولی غیر معتبر از یکی از کارشناسان اطلاعاتی، سعید رمزی نفر دوم القاعده (محبوس در گوانتانامو) اهل روستای کیشکور شهرستان سرپاز می‌باشد.

## ۲. بالا بردن توقعات و انتظارات جریان افراطی مکی: پس از روی کارآمدن دولت

اصلاحات، بنا بر ماهیت ضدامنیتی جریان اصلاحات و با توجه به شناسایی سبب رأی بالا که ناشی از محبوبیت مولوی عبدالحمید اسماعیل زهی (اجباری براهویی) بود، الحاق اصلاحات به جریان مکی صورت گرفت و ذره ذره سهم‌خواهی این جریان از دولت افزایش یافت. بالا بردن سطح توقعات و خواسته‌ها که اقدامی خلاف موازین امنیتی بود، در این دولت صورت گرفت. پیروزی محمود احمدی نژاد در انتخابات ۱۳۸۴ و اصول‌سیاستی وی مبنی بر تقابل با این جریان، سبب شد تا این جریان جری گردد و این بار در کنار اقدامات فرهنگی و سیاسی خود، پروژه‌ای نظامی ضد انقلاب کلید بزند. اعلام موجودیت گروهک جندالله (جندالشیطان) با لعاب مذهبی و قومی از سیاستهای ضدانقلاب این جریان بود. این گروهک دست به ناامنی‌های بسیاری در مراکز شهرستان‌های مختلف استان و حتی در یک مورد کرمان زد. ایجاد رعب و وحشت در بین شیعیان منطقه و القای ناامنی به منطقه از اقدامات این گروهک بود. ذره ذره از تریبون‌های نماز جمعه مسجد مکی این صدا به گوش می‌رسید که محدودیت‌های مختلف برای اهل سنت سبب بوجود آمدن چنین اقداماتی می‌شود. عدم

اقدام درست در تقابل چنین ناامنی بزرگ سبب این شد تا نظام به فکر تقابل نظامی با این اقدامات ناامنی‌ساز افتاده و به تشکیل قرارگاه عملیاتی رسول اکرم (ص) زیر نظر نیروی انتظامی روی آورد که بیشترین تعداد یگان و نیرو را در اختیار داشت. در این میان و همزمان با تقابل نظامی نیروهای نظام با اقدامات ضدامنیتی اشرار و گروهک مذکور، سیگنالهایی مبنی بر حمایت مردمی از جریان‌های ناامنی‌ساز دیده می‌شد. این سیگنال‌ها روز به روز بیشتر شده و به وضوح بیشتری دیده می‌شد. دیدن این پالس‌ها سبب این شد تا نظام به فکر راه چاره بیفتد و آن ایجاد یک حرکت مردمی و نظامی همه‌جانبه و در همه ابعاد بود. پیش از این، سردار نورعلی شوشتری جانشین نیروی زمینی سپاه، رفت و آمدهای زیادی به منطقه داشت و جلسات مکرری با فرمانده قرارگاه رسول اکرم ناجا سردار نوروزی داشت. شناخت اینگونه از شرایط استان در کنار تجربه فرماندهی قرارگاه حمزه سیدالشهدای شمال غرب کشور، سبب شد تا طرحی از سوی وی به فرمانده کل سپاه و سپس شورای عالی امنیت ملی ارسال گردد. محتوای این طرح اقدامات نظام در منطقه را هماهنگ و یکپارچه و تحت فرماندهی واحد قرارگاه قدس جنوب شرق کشور در راستای سیاست مردمی کردن امنیت و افزایش خدمات به مردم از سوی نظام در منطقه جهت حذف پایگاه مردمی ضدانقلاب و نیز جذب مردم به نظام بود. این طرح در شورای عالی امنیت ملی تصویب و جهت اجرا به سپاه پاسداران ابلاغ شد. مطابق این طرح متولی امنیت در استان سپاه بود و سپاه می‌بایست به تشکیل و بازسازی قرارگاه قدس نیروی زمینی در جنوب شرق کشور با محوریت زاهدان و متشکل از استانهای سیستان و بلوچستان، کرمان، هرمزگان و خراسان جنوبی اقدام نماید. این مسئولیت در سال ۸۷ به مدت ۵ سال به این ارگان واگذار شده و در سال ۹۲ نیز تمدید گشت.

بنا بر اذعان فرماندهان سپاه، قرار بود سردار خضایی که بنا بر قرائن فردی عملیاتی- نظامی می‌باشد، فرماندهی این قرارگاه را عهده‌دار گردد، ولی در لحظات آخر، سردار جعفری فرمانده کل سپاه از این تصمیم منصرف شده و نورعلی شوشتری جانشین نیروی زمینی سپاه با حفظ سمت فرمانده قرارگاه امنیتی قدس جنوب شرق کشور گردید.

بر مبنای این طرح سپاه باید نسبت به فعال‌سازی هسته‌های مقاومت نظامی در لایه‌های مختلف اهل تسنن با محوریت طوایف اقدام نموده و متناسباً با بکارگیری سایر قسمت‌های نظام به خدمت‌رسانی به مردم جهت جذب ایشان به نظام و حذف پایگاه مردمی اشرار اقدام نماید.



## اقدامات و زنجیره رهاوردها در هر کانون تمرکز

### اقدامات و زنجیره رهاوردهای کانون تمرکز مولوی‌ها

جدول ۴-۱: مطالب دسته‌بندی شده کدگذاری شده کانون تمرکز مولوی‌ها

کانون تمرکز	رهاوردها	اقدامات
مولوی‌ها (25B-40E-41E-38L)	ابراز اعتماد به مولوی‌ها (40EA)	نماز خواندن پشت سر عالم سنتی (40EAA)
	به دست آوردن دل آنها (40EB)	
	جذب آنان به نظام (40EC)	
	کاهش ساخته شدن نیروی افراط گرا (40ED)	
	کاهش افراط‌گرایی مذهبی (40EE)	
	کاهش ناامنی (40EF)	
	به دست آوردن دل آنها (25BB)	ارتباط با مولوی‌ها و رفع مشکلات آنان (25BDA)
	کاهش ارتباط آنان با کانونهای افراط‌گرایی (25BC)	
	کاهش ساخته شدن نیروی افراط‌گرا (25BD)	
	کاهش افراط‌گرایی مذهبی (25BE)	
	کاهش ناامنی (25BF)	انجام امور خدماتی حوزه‌های علمیه اهل سنت (41EAA)
	وابسته‌سازی قشر حوزوی به نظام (41EA)	
	کاهش وابستگی و دلبستگی به مدارس علمیه پاکستان و افغانستان (41EB)	
	کاهش ارتباط با کانون‌های افراط‌گرایی در منطقه (41EC)	
	کاهش ساخته شدن نیروی افراط گرا (41ED)	
کاهش افراط‌گرایی مذهبی (41EE)		
کاهش ناامنی (41EF)		

مولوی‌ها جایگاه ویژه‌ای در بین اهل سنت منطقه جنوب شرق دارند. به علت اینکه بزرگان این قشر در مدارس دینی پاکستان، افغانستان و هندوستان درس خوانده‌اند، این کانون تمرکز متأثر از اقدامات، موضع‌گیری‌ها و چارچوب فکری مدارس علمیه پاکستان می‌باشد. لذا در برخورد با این کانون تمرکز باید نهایت دقت شود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مأموران انقلابی در صدد حذف، بازداشت و فراری دادن سران طوایف بلوچ در

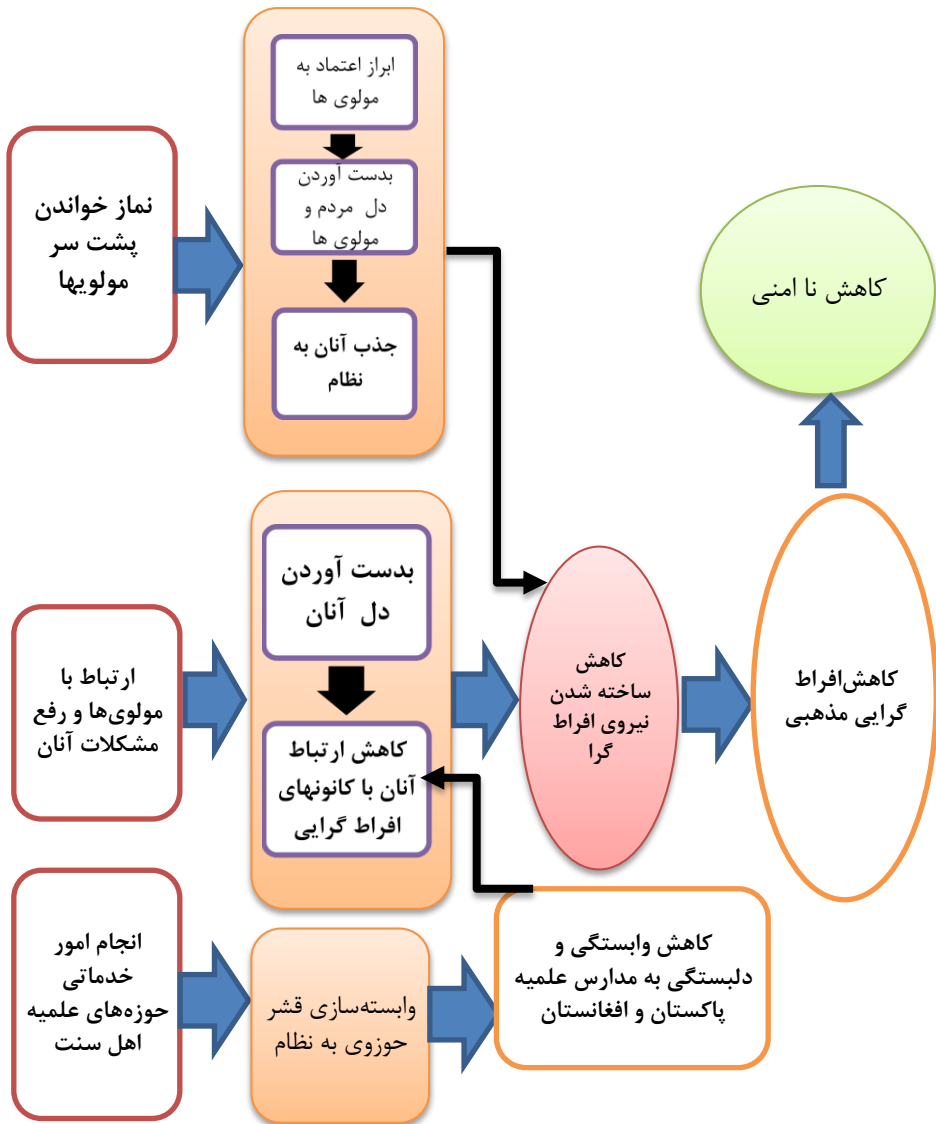
منطقه جنوب شرق برآمدند. اشتباه استراتژیکی که منجر به این شد تا مولوی‌ها از خلأ قدرت به‌وجود آمده نهایت استفاده را ببرند. تا پیش از این سران طوایف که در اصطلاح محلی به آنها «سردار» گفته می‌شود محل رجوع مردم در مسائل مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بودند. پس از اینکه مولوی‌ها تبدیل به یک قطب و مرجعیت در منطقه جنوب شرق گردیدند، دانسته‌ها، عقاید و چارچوب فکری خود را به قوم بلوچ القاء کردند؛ چارچوب فکری برآمده از مدارس خارجی هم‌مرز با ایران و متأثر از عقاید سلفی‌گری و وهابیت.

شهید شوشتری بر آن شد تا ارتباط فکری، معنوی و مالی مولوی‌ها با خارج کشور را قطع کرده و از طرفی به برجسته‌سازی سران طوایف روی آورد تا قدرت مولوی‌ها در منطقه با چالش روبرو گردد. این مدل برجسته‌سازی سران طوایف و کاهش قدرت مولوی‌ها در جای خود ذیل عنوان اقدامات و زنجیره رهاورد سران طوایف به تفصیل و دقت بحث خواهد شد. لیکن دلیل نیاوردن آن در این قسمت حساسیت‌ها و ملاحظات مدنظر نسبت به مولوی‌ها می‌باشد. برای این کار شهید شوشتری نهایت دقت و ظرافت را به کار بست. پس از ایشان در زمان دولت اعتدال، آنتی‌تز طرح ایشان در این زمینه اجرا گردید و مجدداً قدرت به دامن مولوی‌های سلفی برگشت. در این زمینه می‌بایست کلیات طرح شهید شوشتری به تصویب شورای عالی امنیت ملی رسیده و برای کلیه دستگاهها لازم‌الاجرا باشد تا هر دولتی نتواند به بهای جمع‌آوری سبد رأی انتخاباتی برای حزب خودش، امنیت کشور را خدشه‌دار سازد.

همچنان که در مدل شماتیک ذیل می‌بینید، شهید شوشتری با اقدامی نظیر نماز خواندن پشت سر یک مولوی سنی، علاوه بر کسب ابراز اعتماد قشر مذهبی اهل تسنن منطقه جنوب شرق بر مبنای اینکه تصویر این نماز خواندن در جاهای گوناگون و نیز اینترنت پخش گردیده است، به دنبال به دست‌آوردن دل مردم عادی اهل تسنن می‌باشد. چرا که می‌داند بلوچ‌های سنی برای مولوی‌های خود جایگاه ویژه‌ای قائل هستند و او را بزرگ خود می‌پندارند. به زعم یکی از مصاحبه‌شوندگان اشکال و خطای سیستم نظام در گذشته این بوده است که در امور مذهبی آنها دخالت می‌کرده است، لذا این حرکت سردار شوشتری یک پیام به اهل تسنن جنوب شرق می‌دهد که ما با امور مذهبی شما مشکلی

نداریم. چرا که به خوبی می‌داند بلوچ‌های سنی نسبت به مذهب خود حساسیت داشته و دشمن نیز این احساس آنها را به خوبی شناسایی کرده و روی آن علیه نظام مانور زیادی می‌رود. ناگفته نماند که این حساسیت مذهبی تا پیش از انقلاب وجود نداشته است و همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری یک عالم شیعی حساسیت‌ها توسط مولوی‌ها در رابطه با انقلاب شیعی و اینکه این انقلاب می‌خواهد مذهب را از جامعه اهل تسنن بگیرد به جامعه بلوچ‌های سنی منتقل گردید.

از طرفی شهید شوشتری به دنبال به دست آوردن دل مولوی‌ها این قشر حساس، تأثیر گذار و زودرنج می‌باشد. قشری که اندکی حرکات ناآگاهانه برخی کارگزاران نظام در زمینه بلوچ‌های سنی را در بوق و کرنا کرده و علیه نظام سم‌پاشی می‌کنند. انجام خدمات به حوزه‌های علمیه اهل تسنن نیز برای به دست آوردن دل اینها و طلبان (مولوی‌های آینده) ارزیابی می‌گردد. ناگفته نماند شهید شوشتری به دلیل حساسیت‌ها و تعصبات رایج در این قشر نسبت به اقدامات و حرکت‌های نظام و نیز بدبینی مفرط این قشر نسبت به نظام، کمتر روی این قشر اقدام مستقیم انجام داده و سعی می‌نموده از طریق کانون‌های تمرکز دیگر و اقشار دیگر این کانون تمرکز را تحت الشعاع قرار دهد. چنانکه به زعم یکی از مصاحبه‌شوندگان اشکال نظام این بوده که هرگاه به دنبال تأثیرگذاری در منطقه بوده از لایه مذهبی وارد شده و دست در لانه مذهبی اینها می‌کرده و این خود مانع از ادامه اقدامات نظام در منطقه می‌شده است و تأثیرگذاری را کأن لم یکن می‌نموده است. همچنانکه در نمودار شماتیک ذیل دیده می‌شود شهید شوشتری به دنبال به دست آوردن دل مولوی‌ها و طلاب اهل تسنن بوده تا ارتباط اینها را با خارج از کشور قطع کرده تا آدم و نیروی افراط‌گرای مذهبی در حوزه‌ها کمتر ساخته شود. نوع برخورد شهید شوشتری با این‌ها نیز یک الگو می‌باشد که هیچ‌گاه از دریچه مذهبی به دنبال تأثیر بر این‌ها نبوده و از طریق عمرانی و نیز حرکت‌های تبلیغی و نمادین به دنبال تأثیرگذاری بر اینها بوده است.



شکل ۴-۱: مدل خطی - مدل منطقی: شمای نظریه برنامه کانون تمرکز مولویها

## اقدامات و زنجیره رهاوردهای مربوط به کانون تمرکز دستگاه‌های دولتی

جدول ۴-۲: مطالب دسته‌بندی شده کدگذاری شده کانون تمرکز دستگاه‌های دولتی

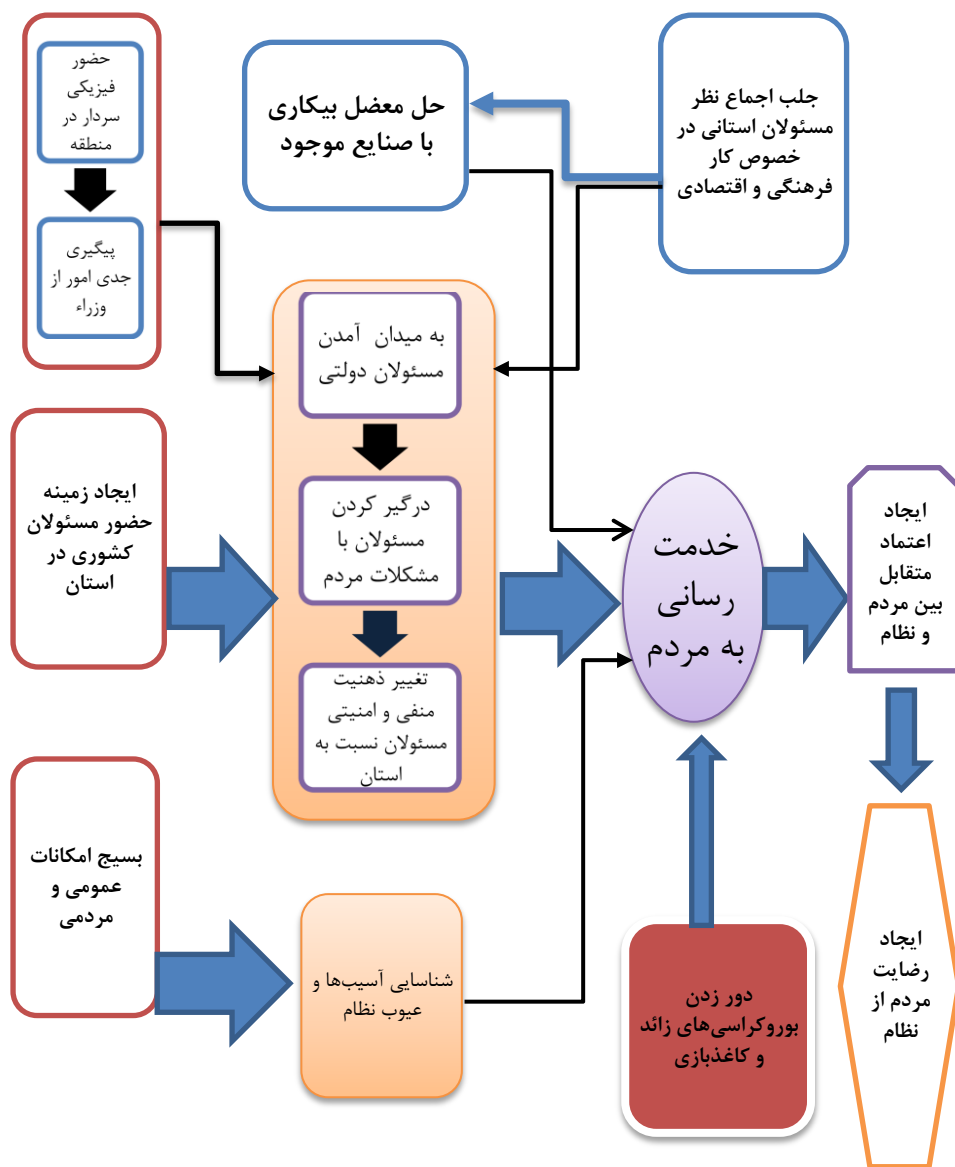
اقدامات	رهاوردها	کانون تمرکز
حضور سردار در منطقه (11CAA)	به میدان آمدن مسئولان دولتی (11CA)	مسئولان و دستگاه‌های دولتی (11C-11D-35A-38C-39C)
پیگیری مسائل از وزراء و مرکز کشور (11CAB)	درگیر کردن مسئولان با مشکلات مردم منطقه (11CB)	
	تغییر ذهنیت امنیتی نظامی مسئولان نسبت به حل مشکلات منطقه (11CC)	
	خدمت‌رسانی به مردم (11CD)	
	ایجاد اعتماد متقابل مردم و نظام (11CE)	
	رضایت مردم از نظام (11CF)	
ایجاد زمینه حضور مسئولان کشوری در منطقه (11DAA)	به میدان آمدن مسئولان دولتی (11DA)	
	درگیر کردن مسئولان با مشکلات مردم منطقه (11DB)	
	تغییر ذهنیت امنیتی نظامی مسئولان نسبت به حل مشکلات منطقه (11DC)	
	خدمت‌رسانی به مردم (11DD)	
	ایجاد اعتماد متقابل مردم و نظام (11DE)	
جلب اجماع نظر مسئولان استانی در خصوص اهتمام به کار فرهنگی و اقتصادی در منطقه (35AAA)	رضایت مردم از نظام (11DF)	
	به میدان آمدن مسئولان دولتی (35AA)	
	درگیر کردن مسئولان با مشکلات مردم منطقه (35AB)	
	تغییر ذهنیت منفی منطقه در ذهن مسئولان (11CD-11CE-35AC)	
	تغییر ذهنیت امنیتی نظامی مسئولان نسبت به حل مشکلات منطقه (11CF-35AD)	
	خدمت‌رسانی به مردم (11CG-35AE)	
	ایجاد اعتماد متقابل مردم و نظام (39CB-35AD)	
	رضایت مردم از نظام (39CC-35AE)	
	حل معضل بیکاری با استفاده از صنایع موجود (35BA)	
	خدمت‌رسانی به مردم (35BB)	
دور بوروکراسی‌های زائد و حذف کاغذبازی (39CAA)	ایجاد اعتماد متقابل مردم و نظام (39CB)	
	رضایت مردم از نظام (39CC)	
	ایجاد اعتماد متقابل مردم و نظام (39CB-35BC)	
	رضایت مردم از نظام (39CC-35BD)	
	خدمت‌رسانی به مردم (39CA)	

اقدامات	رهاوردها	کانون تمرکز
بسیج امکانات مردمی و عمومی در راستای خدمت (38CA)	شناسایی آسیبها و عیوب نظام (38CAB)	
	خدمت رسانی به مردم (38CAD)	
	ایجاد اعتماد متقابل مردم و نظام (39CB)	
	رضایت مردم از نظام (39CC)	

دستگاه‌های دولتی جهت خدمت‌رسانی به مردم تأسیس شده و پشتیبانی می‌گردند. متأسفانه در منطقه جنوب شرق کشور از دیرباز به علت دوری از مرکز کشور، نظارت کافی بر دستگاه‌های دولتی وجود نداشته است که باعث شده است این دستگاهها در انجام وظایف خود کوتاهی کنند. در زمان حضور سردار شهید شوشتری به دلیل همراهی بودن دولت با سپاه از طرفی و وجود فرماندهان عالی رتبه سپاه در بدنه و رأس وزارتخانه‌های دولتی و نیز مسئولیت سردار شوشتری (جانشینی نیروی زمینی سپاه) فرمانبرداری و اطاعت دستگاه‌های استانی و کشوری از شهید شوشتری به حد اعلائی بود. از طرفی دیگر مصوبه شورای عالی امنیت ملی برای منطقه جنوب شرق به این صورت بود که مسئول و متولی تأمین امنیت منطقه، قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه می‌باشد و کلیه دستگاه‌ها می‌بایست با این قرارگاه در زمینه امنیت هماهنگ باشند. روابط ایشان با وزراء در مرکز کشور سبب شده بود که استاندار استان بیشترین همکاری و هماهنگی را با سردار شوشتری در زمینه‌های متنوع خدمت به مردم و امنیتی داشته باشد. از طرفی روحیه سردار شوشتری نیز سبب فرمانبرداری همه دستگاه‌های دولتی از ایشان شده بود.

اوضاع به طرز جلی می‌رفت که تمامی دستگاه‌های دولتی به میدان آمده و مجاب شده بودند تا حرکتی عظیم در استان را راه بیندازند. در مرکز کشور نیز رایزنی سردار شوشتری با دولت و نهادهای حاکمیتی سبب تغییر طرز تفکر امنیتی و منفی مسئولان نسبت به منطقه و مردم سیستان و بلوچستان شده بود و اوضاع تا جایی جلی می‌رفت که برای تأمین امنیت منطقه به رضایت مردم، خدمت به مردم و تأمین حداقل خواسته‌های مردم به جای صرف هزینه‌های کلان جهت گلوله، انتقال تجهیزات و نیروی انسانی نظامی توجه شود. اصل خدمت و رضایت مردم بوده و تمامی سازوکارهای دولتی و دستگاه‌ها در خدمت این اصل باید قرار گیرند. به جای مقررات دست و پاگیر و بوروکراسی و کاغذبازی زائد اداری هدف ایجاد و تداوم

دستگاه‌های دولتی یعنی خدمت به مردم منطقه مدت‌نظر قرار گرفته بود. از طرفی ناامنی‌های اخیر دولت مرکزی را مجاب کرده بود تا بیشترین هزینه و توجه خود را برای حل معضل ناامنی در منطقه بگذارد. معضل و مشکل بیکاری نیز می‌بایست با صنایع موجود در منطقه هر چه سریعتر حل می‌شد. رایزنی سردار شوشتری و پیگیری وی سبب دغدغه شدن مشکلات و معضلات استان در زمینه‌های گوناگون اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی در ذهن سیاستگذاران، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و حتی مجریان استانی و کشوری شده بود.



شکل ۴-۲: مدل خطی - مدل منطقی: شمای نظریه برنامه کانون تمرکز مسئولان و دستگاه‌های دولتی



## اقدامات و زنجیره رهاوردهای کانون تمرکز اشرار و گروهکی‌ها

جدول ۴-۳: مطالب دسته‌بندی شده کدگذاری شده کانون تمرکز اشرار و گروهکی‌ها

اقدامات	رهاورد	کانون تمرکز
رایزنی با سران طوایف جهت ارتباط با نیروهای گروهکی (40GAA)	جذب نیروهای مستعد جذب از گروهک (40GA)	اشرار و گروهک‌ها (32A-40G-38I-41D- 27C-35C-B15)
	انقطاع عضو با گروهک (40GB)	
دادن امان‌نامه (تأمین) به اشرار داوطلب (38Ia)	تلاش جهت جذب مهره‌های واگرا (38IAA)	
انگیزه‌سازی ( 41DAB ) نشان دادن هدف و تعریف کار (41DAC) و اعطای کار و آزادی به مجرمین تأمینی در صورت توبه (35CAB) و تحقیر نکردن افراد و تلاش جهت بکارگیری آنان (41DAD)	بازگرداندن مهره‌های نامطلوب به دامن نظام (38iAB)	
عفو و گذشت بر مبنای سیره نبوی و علوی و چشم پوشی از سابقه فرد (35CAA)	افزایش تعداد توابعین (38IAC)	
	کاهش اعضای گروهک‌ها (27CC-35CB)	
	انحلال سازمان گروهک‌ها (35CC)	
کار کردن روی مردم از لحاظ فکری و فرهنگی (27CAB)	افزایش تعداد توابعین (27CB)	
	کاهش اعضای گروهک‌ها (27CC)	
	انحلال سازمان گروهک‌ها (27CD)	
اعلان مبارزه با اشرار به عنوان مأموریت اصلی، نه حتی مبارزه با قاچاق یا سرکوب اهل سنت (32AEA)	حذف پایگاه مردمی اشرار (32AE)	
	کاهش اعضای گروهک‌ها (32AF)	
	انحلال سازمان گروهک‌ها (35AG)	

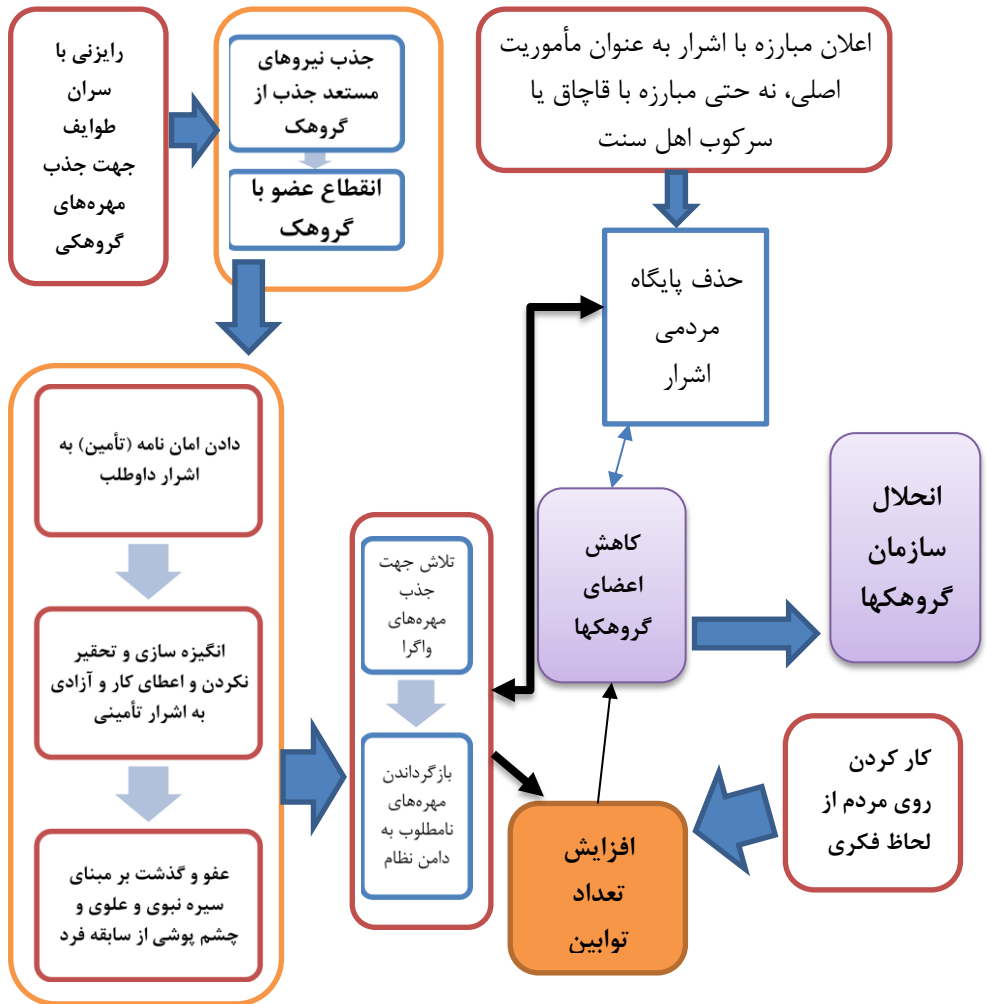
از دیرباز به واسطه همجواری با مرز پاکستان و افغانستان و ناامن بودن این دو کشور در جداره مرزی با ایران همواره این دو کشور پناهگاه و خانه امن خوبی برای اشرار و گروهک‌های ایرانی بوده است. از طرفی دیگر از آنجا که قریب به کل مواد مخدر جهان در کشور افغانستان کشت می‌شود و نزدیکترین راه جهت انتقال مواد افیونی به اروپا کشور ایران می‌باشد کارت‌ها و باندهای بین‌المللی مواد مخدر مسیر ایران را می‌پسندند. طبعاً ناامنی در جداره مرزی افغانستان و پاکستان با ایران نیز به سود باندهای مواد مخدر است. از سویی دیگر کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به علت بافت قومی و مذهبی و همراهی برخی افراد در منطقه جنوب شرق با آنان جهت ایذاء و فشار بر انقلاب اسلامی ایران از این منطقه بهره می‌برند. گروهک‌هایی جهت فشار بر جمهوری اسلامی در خاک پاکستان تشکیل یافته که نیروی انسانی آن ممزوجی از نیروهای

ناراضی یا سودجوی ایرانی و مزدوران پاکستانی می‌باشد. سرویس اطلاعاتی ارتش پاکستان (i.s.i) که به گونه غیررسمی شعبه (mi6) انگلیس می‌باشد جهت اهداف دولتهای منطقه‌ای نظیر عربستان سعودی و دولتهای فرامنطقه‌ای مثل امریکا، انگلیس و فرانسه نیز سعی در ارتباط با گروه‌های سلفی ایرانی و حمایت و پشتیبانی از آنها در جهت اهداف و مقاصد سیاسی اقتصادی دولتهای دیگر و نیز اهداف اقتصادی کشور متبوع خود دارد. نوشته‌های بالا چرایی وجود گروهک‌ها و اشرار در منطقه را به وضوح نشان می‌دهد. افزون بر این عللی نظیر کسب درآمد بیشتر، انتقام‌جویی از نظام به دلیل قتل یکی از اعضای خانواده به دست نظام، تعارضات ایدئولوژیک با شیعه و انقلاب اسلامی، نارضایتی از نظام و... از جمله علل پیوستن اتباع بلوچ ایرانی به گروهک‌ها می‌باشد.

جهت حذف و انحلال سازمان گروهک‌ها، سردار شوشتری روی نقطه اصلی و کلیدی قوام گروهک‌ها یعنی نیروی انسانی دست گذاشت. از این طریق که با دانستن اینکه هر کدام از اشرار و گروهک‌ها منتسب به یک طایفه خاص هستند سران طوایف را مأمور شناسایی اشرار طایفه خود و ارتباط‌گیری با آنان کرد. پیش از این نیز گفته شد که کلیدی‌ترین راه در طرح شهید شوشتری امنیت‌سازی از طریق سران طوایف می‌باشد.

سران طوایف پس از شناسایی اشرار طایفه خود که در گروهک‌های معاند و مخالف نظام یا باندهای قاچاق مواد مخدر مشغول بودند شروع به ارتباط‌گیری با آنها کرده و نیروهای مستعد جذب را از گروهک یا باند قاچاق جدا می‌نمودند. البته وعده‌های سردار شوشتری برای اشرار نیز در این زمینه مؤثر واقع می‌شد. سپس اشرار منقطع شده از گروهک به واسطه رایزنی سردار شوشتری با نهادهای نظام از نظام جمهوری اسلامی امان‌نامه دریافت می‌کردند. پس از آن سردار شوشتری به کمک سران طوایف به انگیزه‌سازی جهت بازتوانی به اشرار و رفع تحقیر از آنها و چشم‌پوشی از گذشته آنها می‌پرداخت و در صورت درخواست شرور مبنی بر اعطای کمک مالی از هیچ کمک مالی مضایقه نمی‌کرد. از طرفی بسیاری از اشرار تأمین گرفته در قالب بسیجی طرح امنیت به عضویت سپاه درآمده و از این راه ارتزاق می‌کردند. یعنی نه تنها دیگر به دید یک شرور به آنها در جامعه نگریسته نمی‌شد بلکه اعتماد نظام به آنها نیز در قالب

اعطای یک مسئولیت امنیتی هویدا می‌گشت. بسیاری از قاچاقچیان سلاح و مهمات و نیز سوخت در قالب این سازوکار حقوق بگیر و شاغل نظام گردیده‌اند. اینگونه بود که تعداد بسیار زیادی از افرادی که سابقه مثبتی در گذشته نداشتند جذب نظام شده و به دامن نظام مقدس جمهوری اسلامی بازگشتند. رأفت، مهربانی، عفو و گذشت نظام سبب انقطاع تعداد بسیار زیادی از اشرار دیگر به دامن نظام شد و اینگونه بود که بسیاری از گروهک‌ها با ضعف نیروی انسانی مواجه گردیده، یا منحل شده یا در همدیگر ادغام گردیدند. ناگفته نماند سردار شوشتری در هر مکانی که حضور می‌یافت مبارزه با اشرار و گروهک‌ها را به عنوان مأموریت ذاتی نظامی سپاه عنوان کرده و یادآور می‌شد که سپاه جهت سرکوب اهل تسنن و یا قاچاق‌چیان سوخت به منطقه نیامده است که این خود سبب بالا رفتن سرمایه اجتماعی سپاه و نیز ترس اشرار از برخورد سپاه گردیده و حذف پایگاه و پشتیبانی مردم از اشرار را به دنبال داشته است. ناگفته نماند که کار کردن فرهنگی روی مردم بلوچ در منطقه دلیل دیگری بر افزایش تعداد بازگشت‌کنندگان به نظام بود که زمینه پذیرش نظام را در اذهان و قلوب مردم آماده می‌کرد.



شکل ۳-۴: مدل خطی - مدل منطقی: شمای نظریه برنامه کانون تمرکز اشرار و گروهکی‌ها

## اقدامات و زنجیره رهاوردهای کانون تمرکز بلوچ‌های بسیجی

جدول ۴-۴: مطالب دسته‌بندی شده کدگذاری شده کانون تمرکز بلوچ‌های بسیجی

اقدامات	رهاوردها	کانون تمرکز
تأکید بر بُعد ملی‌گرایی در سخنرانیه‌ها (38EAA)	تحریک حسن‌مآلی‌گرایی (38EA)	بلوچ‌های بسیجی (38G-38E-33A-7A)
	تقویت خصوصیت ضداجنبی بلوچ‌ها (38EB)	
	ایجاد هویت ملی در قوم بلوچ (38EC)	
	کاهش حسن‌افراط‌گرایی مذهبی (38ED)	
	آمادگی ایثار در راه وطن (38EF)	
	کاهش ناامنی (38EG)	
استخدام بسیجیان اهل سنت در قالب طرح امنیت پایدار- (38GAA-33ADA-33ADB)	درآمدزایی (38GA-33AD)	
	افزایش تبعیت از نظام (38GB)	
	جلوگیری از آلودگی به مشاغل نامطلوب (33AE)	
	کاهش ناامنی (33AF)	
واگذاری امنیت به مردم و استفاده از سپاه به عنوان پشتیبان مردم و هادی مردم (7AAA)	نیروسازی نظامی برای انقلاب از درون اهل سنت بلوچ (7AA)	
	خدمت‌رسانی بیشتر به مردم (7AB)	
	ایجاد پیوند عمیق دولت با مردم (7AC)	
	تحول فرهنگی در منطقه (7AC)	
	کاهش جذب به گروهک‌ها (7AD)	
	دفاع موزاییکی در داخل مرزها (7AE)	
	کشیده شدن درگیری‌ها از مرکز استان به مرزها (7AF)	

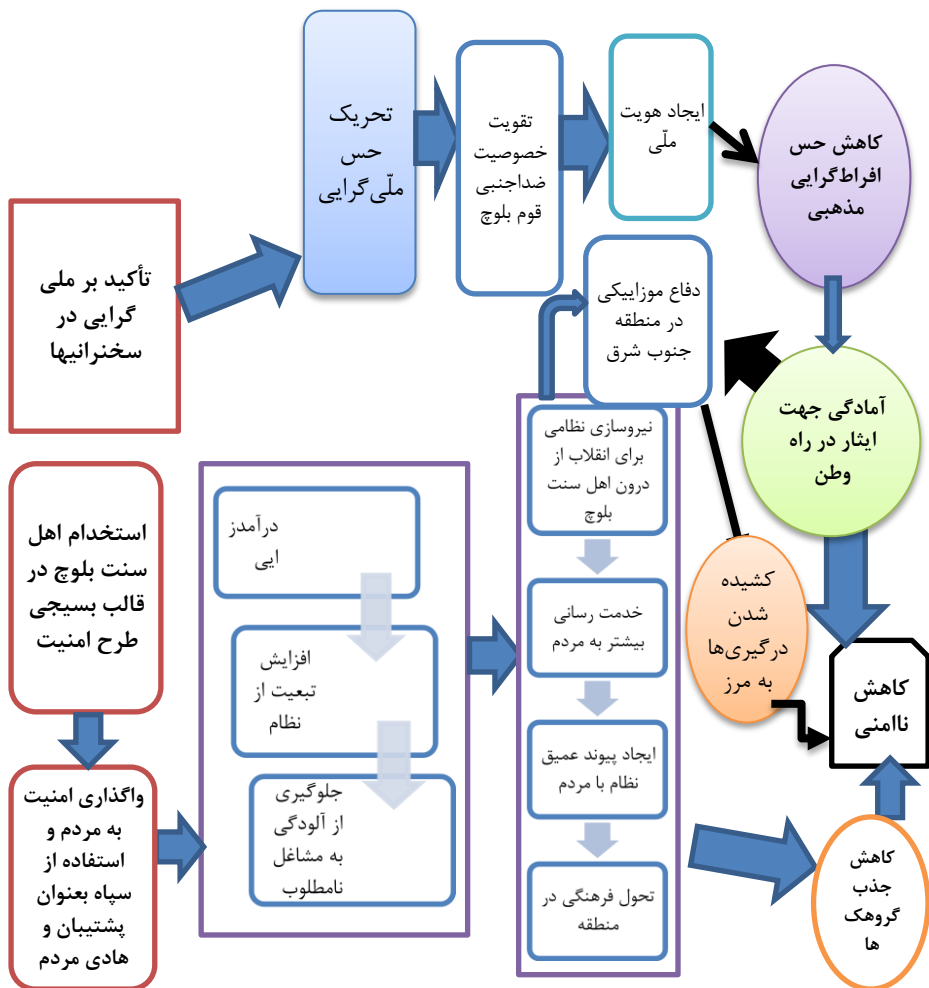
تأکید بر ملی‌گرایی در سخنرانیه‌های سردار شوشتری به گونه ملموسی دیده می‌شود. ایشان در ابتدای هر سخنرانی جمله معروف برخی از سران طوایف بلوچ‌ها را بر زبان می‌آورد. «خاک ما مادر ماست». بلوچ‌های منطقه جنوب‌شرق دارای خصوصیت ضداجنبی و ملی‌گرایی شدیدی هستند. شهید شوشتری از این خصوصیت بلوچ‌ها جهت ایجاد و تقویت هویت ملی در آنها و نیز تحت الشعاع قرار دادن افراط‌گرایی مذهبی استفاده می‌کرد و به‌گونه‌ای در صدد بود از این خصوصیت بلوچ‌ها جهت خنثی‌سازی افراط‌گرایی مذهبی استفاده کند. بدین گونه سردار

شوشتری با تحریک حسّ ملی‌گرایی، علاوه بر خنثی‌سازی خصوصیت ناامنی در برخی بلوچ‌ها، آنها را آماده ایثار و فداکاری در راه وطن می‌نمود.

از طرفی با استخدام بلوچ‌ها در قالب طرح امنیت، امنیت منطقه را به مردم و سران طوایف واگذار کرده و سپاه نقش پشتیبان، حامی و هدایت‌کننده و ناظر را دنبال می‌کند. این طرح بدین‌گونه است که هر سرطایفه به مقتضای جمعیت و وسعت حوزه استحفاظی خود از سپاه خودروی شاسی بلند و اسلحه دریافت کرده و عده‌ای را جهت استخدام به عنوان بسیجی طرح امنیت معرفی می‌کند. سپاه نیز پس از بررسی و استعلامات لازم از مراجع با عضویت آنان در این طرح و سازماندهی ذیل دسته رزمی آن سرطایفه موافقت کرده و ماهیانه حقوقی به حساب آنها واریز می‌کند. بنا بر تصمیم شهید شوشتری سرطایفه نسبت به مسائل امنیتی در محدود وسعت استحفاظی خود مسئول است و می‌بایست پاسخگو باشد. از این طریق عده زیادی که جمعیت آنها نزدیک به ۱۰ هزار نفر است و بنا بر زعم یکی از مصاحبه‌شوندگان تا ۲۰ هزار نفر مجوّز استخدام از شورای عالی امنیت‌ملّی گرفته است جذب سپاه شده‌اند. برخی از اشرار تأمینی نیز جز این دسته افراد هستند و در این قالب سازماندهی شده‌اند. از این طریق مشکل اشتغال بسیاری افراد حل شده و از ورود آنها به مشاغل کاذب و مخلّ امنیت جلوگیری می‌کند. از طرفی به این‌گونه، برای انقلاب اسلامی از درون اهل تسنّن نیروسازی نظامی‌شده و در نگاه بلندمدت و آرمانی از این افراد در صورت داشتن شرایط کافی در سایر مسئولیت‌ها استفاده نمود. این امر موجب خدمات بیشتر به مردم شده و خانواده‌های زیادی تحت‌الشعاع درآمد واریزی از سوی سپاه به حساب سرپرست خانواده قرار می‌گیرند و به گونه‌ای پیوند مردم با نظام را تسهیل و تعمیق می‌بخشد. از طرفی با برگزاری کلاس‌های فرهنگی مختلف جهت این افراد و خانواده‌هایشان سبب تسهیل در تحول فرهنگی این منطقه می‌گردد.

وسعت و پراکندگی نقاط در جنوب شرق کشور زیاد است. این وسعت و پراکندگی موجب این شده تا دهستان‌های پراکنده و دور از هم در این منطقه زیاد گشته و ایجاد امنیت را در این منطقه با سختی روبرو کند. با وجود این طرح، هر سرطایفه می‌بایست از محدوده محل زندگی خود و طایفه خود دفاع کند. این شیوه دفاع سبب موزاییکی شدن دفاع گشته و در

صورت تبانی یا قصور در ایجاد امنیت در یک لایه و حوزه استحضافی، حوزه دیگر مانند ضربه‌گیری جلوی نفوذ ناامنی به شهرها و مناطق دیگر را می‌گیرد. این شیوه و طرح سبب کشیده شدن ناامنی از مرکز استان و شهرستانها به مرزها گردیده و ناامنی خیلی پایینی نسبت به گذشته در شهرستانها را شاهد هستیم. از طرفی با توجه به تحریک خصوصیت ملی‌گرایی بلوچ‌ها با خیل مشتاقانی روبرو خواهیم بود که آماده جان‌فشانی و فداکاری و مقابله با عوامل ناامنی در کشور هستند.



شکل ۴-۴: مدل خطی - مدل منطقی: شمای نظریه برنامه کانون تمرکز بلوچ‌های بسیجی

## اقدامات و زنجیره رهاوردهای کانون تمرکز سران طوایف

جدول ۴-۵: مطالب دسته‌بندی شده کدگذاری شده کانون تمرکز سران طوایف

کانون تمرکز	رهاورد	اقدامات
سران طوایف (38P-40G- 41D- 42B- 42I- 42E- 42B- 5A,6A,11B,25B,28A -)	شخصیت دادن به طوایف و سران- (11AA-5AB-38PA- 42EB-42EB)	برنامه‌ریزی برای جذب تک تک افراد فربخورد (41DAH)
	کاهش حس تحقیر بواسطه اقدامات گذشته نظام- (5AC- 11AB)	چشم‌پوشی از گذشته برخی سران طوایف (41DAA)
	افزایش اعتماد بنفس سران (5AD)	خوش اخلاقی و گرم گرفتن با سران طوایف بلوچ (5AA-11AAA)
	افزایش اعتماد متقابل (11AD)	
	جداسازی سران از صف معاندان و مخالف (41DAF)	
	تلاش جهت جذب نیروهای مستعد جذب از گروهک (40GA)	
	انقطاع عضو از گروهک (40GB)	
	کاهش پایگاه مردمی اشرار بین سران طوایف (41DB)	
	کاهش جذب به گروهکها (42ID- 41DAG)	
	شخصیت دادن به طوایف و سران- (11AA-5AB-38PA- 42EB-42EB)	
	کاهش حس تحقیر بواسطه اقدامات گذشته نظام- (5AC- 11AB)	
	جداسازی سران از صف معاندان و مخالفان (41DAF)	
	تلاش جهت جذب نیروهای مستعد جذب از گروهک (40GA)	تحقیر نکردن، انگیزه‌سازی و اعطای مسئولیت به سران طوایف (41DAD-41DAC- 38PAA -42EAB-41DAB)
	انقطاع عضو از گروهک (40GB)	
	کاهش پایگاه مردمی اشرار بین سران طوایف (41DB)	
	کاهش جذب به گروهکها (42ID- 41DAG)	
	شخصیت دادن به طوایف و سران- (11AA-5AB-38PA- 42EB-42EB)	
	کاهش حس تحقیر بواسطه اقدامات گذشته نظام- (5AC- 11AB)	
	افزایش اعتماد بنفس سران (5AD)	
	افزایش اعتماد متقابل (11AD)	
گره‌زدن امنیت منطقه با امنیت سران و طوایف (41DAE)		
افزایش میل به همکاری در پروژه امنیت مردم نهاد (5AE)		
افزایش همکاری مردم با سرطایفه در تولید امنیت (42BA)		
تقطیع فیزیکی امنیت منطقه (42BB)		
تقسیم کار در تولید امنیت (42BC)		



اقدامات	رهاورد	کانون تمرکز
	برجسته شدن نقش سران طوایف در منطقه (38PB-42BD)	
	کاهش نفوذ مولوی ها (38PC-42EC-42BE)	
	کاهش افراط گرایی مذهبی (38PD)	
برگزاری همایش طوایف (6AAA)	شخصیت دادن به طوایف (6AA)	
رایزنی با سران طوایف جهت ارتباط با نیروهای گروهکی (40GAA)	تلاش برای جذب نیروهای مستعد جذب از گروهک (40GA)	
	انقطاع عضو از گروهک (40GB)	
	کاهش اعضای گروهک (40GC)	
	کاهش ناامنی (40GD)	
تلاش جهت محور و اهرم قرار دادن سران طوایف در تولید امنیت و مقابله با ناامنی (42BAA) تفهیم و توجیه سران طوایف (42EAA)	گره زدن امنیت منطقه با امنیت سران و طوایف (41DAE)	
	افزایش میل به همکاری در پروژه امنیت مردم نهاد (5AE)	
	افزایش همکاری مردم با سرطایفه در تولید امنیت (42BA)	
	تقطیع فیزیکی امنیت منطقه (42BB)	
	تقسیم کار در تولید امنیت (42BC)	
بردن آرد، روغن، برنج دم در خانه بازماندگان معدومین و کشته شدگان توسط نظام با همراهی یک نفر پاسدار و یک نفر بزرگ طایفه (42IAA)	برجسته شدن نقش سران طوایف در منطقه (38PB-42BD)	
	ایجاد تصویر مثبت از نظام و سران طوایف در ذهن خانواده معدومین (42IA)	
	برجسته شدن نقش سران طوایف در منطقه (42IB)	
	کاهش نفوذ مولوی ها (42IC)	
	کاهش افراط گرایی مذهبی (42ID)	

سرطایفه که در اصطلاح محلی به آن «سردار» گفته می شود بزرگ، معتمد و ریش سفید هر طایفه می باشد. پیش از انقلاب در مقطعی شاه ملعون از سران طایفه جهت برقراری امنیت در منطقه استحفاظی خود در قالب استخدام او در ژاندارمری استفاده می کرد. افرادی هم به پیشنهاد وی جهت ادامه تحصیل به شهرستانها اعزام شده و هزینه تحصیل آنها بر عهده دولت مرکزی بود. اگر حادثه امنیتی در محدوده استحفاظی هر سرطایفه پیش می آمد پاسخگو و بازخواست شونده سرطایفه بود. مرجع مالی، اقتصادی و سیاسی مردم و نیز دولت در قبال مردم طایفه خود، سرطایفه بود و اختیارات فراوانی هم از جانب دولت مرکزی و هم متناسب با عرف و ساختار اجتماعی متعلق به سرطایفه بود. اختیار مردم زیرمجموعه خود در تمامی شئون را داشت. از طرفی کانال ارتباط مردم با دولت مرکزی نیز بود. پس از پیروزی انقلاب

اسلامی مأموران انقلابی تحت تأثیر ظلم برخی سران طوایف به مردم طایفه خود و نیز همکاری آنها با سران دولت مرکزی در زمان شاه، تصمیم به بازداشت، تبعید و فراری دادن سران طوایف گرفتند؛ غافل از اینکه اولاً تمامی سران طوایف ظالم نیستند و ثانیاً سران طوایف با هر دولتی که بر سرکار آید همکاری می‌کنند؛ چه شاه باشد چه امام خمینی. این اشتباه استراتژیک، سبب حذف قدرتی به نام سران طوایف از ساختار اجتماعی قوم بلوچ شد و خلأ قدرتی در اجتماع قوم بلوچ به وجود آمد؛ اشتباهی که مولوی‌ها نهایت استفاده را از آن بردند و به قدرت درجه اول درون ساختار اجتماعی تبدیل شدند. تا پیش از این و در زمانی که سران طوایف قدرت اول ساختار اجتماعی درون طایفه خود بودند، هر طایفه یک رئیس و سرطایفه داشت. کل طوایف اهل تسنن استان نیز بالغ بر ۲۰۰ طایفه بود و این ۲۰۰ نفر هرکدام در محدوده زندگی خود ریاست داشتند و نه در کل جامعه اهل تسنن بلوچ. ولی مولوی‌ها یک نفر بزرگ در سرتاسر استان داشتند که مطیع و گوش به فرمان وی بودند. سران طوایف اهل افراط‌گرایی مذهبی نبودند و چیزی که برای آنها مقدس بود، داشتن احترام و جایگاه در طایفه خود بود و جهت این احترام به دنبال جمع آوری ثروت و ... می‌رفتند. اما تنها چیزی که برای مولوی‌ها مهم بود، مذهب بود؛ مذهبی که متأثر از عقاید دیوبند هندوستان و پاکستان بود؛ عقایدی که با افراط‌گرایی مذهبی نسبت به شیعه ممزوج بوده و گروه طالبان از دل این عقاید بیرون آمده است. این عقاید روی کارآمدن یک حکومت شیعه و اصل قانون اساسی مبنی بر اینکه مذهب رسمی کشور شیعه باشد را بر نمی‌تابد.

لذا می‌بایست در ساختار اجتماعی قدرت، کسی نفر اول باشد که افراط‌گرایی مذهبی در وی نفوذی نکرده باشد؛ نه کسی که با مذهب شیعه نهایت مشکل را داشته باشد. ثانیاً افراد مختلفی باشند، نه یک نفر.

در اواسط دهه ۶۰ شمسی جهت برقراری امنیت، فرمانده سپاه نیکشهر (پاسدار شهید حمیدرضا قلنبر) نسخه روی کارآمدن سران طوایف را پیشنهاد داد که برخی کوته‌بینان مانع از ادامه کار وی شدند. به زعم یکی از مصاحبه‌شوندگان نیز در سال ۵۸ رهبر معظم انقلاب که در آن زمان به نمایندگی از امام خمینی جهت رسیدگی به امور مختلف سیستان و بلوچستان به

استان سفر کرده بودند، دستوری مبنی بر تسلیح طوایف جهت حل و فصل امور امنیتی صادر کردند؛ دستوری که توسط سپاه پاسداران اجرا نگردید.

پس از بالا گرفتن شدت درگیری‌ها در استان سیستان و بلوچستان و واگذاری امنیت به قرارگاه قدس نرسا به فرماندهی سردار شوشتری، ایشان پس از شناسایی و ارزیابی استان از جهات مختلف به این نکته رسیدند که می‌بایست سران طوایف در منطقه برجسته گردیده و امور امنیتی در استان به وسیله سران طوایف اداره گردد. به تعبیری دیگر طرح امنیت مردم نهاد مبتنی بر تسلیح طوایف با محوریت سرطایفه را پیشنهاد دادند که بنا بر بررسی‌های مختلف در شورای عالی امنیت ملی به عنوان بهترین پیشنهاد جهت برون‌رفت از شرایط حاد امنیتی منطقه جنوب شرق کشور به تصویب شورا رسید و به سپاه پاسداران به عنوان متولی و مسئول امنیتی استان و کلیه نهادهای ذی‌مدخل استان ابلاغ گردید.

سپاه پاسداران بنا بر ارزیابی‌های خود به گزینه‌هایی جهت اجرای این طرح رسید. قرار بود شخص دیگری غیر از سردار شوشتری به عنوان مسئول اجرای این طرح در قالب فرماندهی قرارگاه قدس نیروی زمینی پیشنهاد گردد. اما در روز آخر انتصاب این فرد، نظر فرمانده کل سپاه به نورعلی شوشتری تغییر یافت. کسیکه دارای روحیه‌ی والای مردم‌داری، رنج‌کشیده، دارای سابقه کار کردن در استان، دارای قدرت رسمی و غیررسمی در تهران به واسطه جانشینی نیروی زمینی سپاه و فردی دارای ثبات رأی و قدرت فرماندهی بالا و مسلط بر رتق و فتق امور، دارای ذهنی باز در مسائل مختلف و صبور بود.

شهید شوشتری در ابتدای کار، کار شناسایی کلیه سران طوایف در سطح استان را انجام داد. برنامه‌ریزی گسترده‌ای برای سران طوایفی که از دامن نظام از دست رفته بودند و جذب باندهای قاچاق مواد مخدر یا همراه و پشتیبان گروهک‌های معاند بودند انجام داد. پیش از این گفته شد، برخورد اشتباه، شتاب‌زده و استراتژیک نظام سبب سرد شدن سران طوایف در قبال نظام شده بود و بسیاری از آنها به فعالیت علیه نظام در قالب‌های مختلف جهت امرار معاش مشغول بودند. کار شناسایی میدانی ایشان تا جذب تک‌تک سران فریب خورده ادامه یافت.

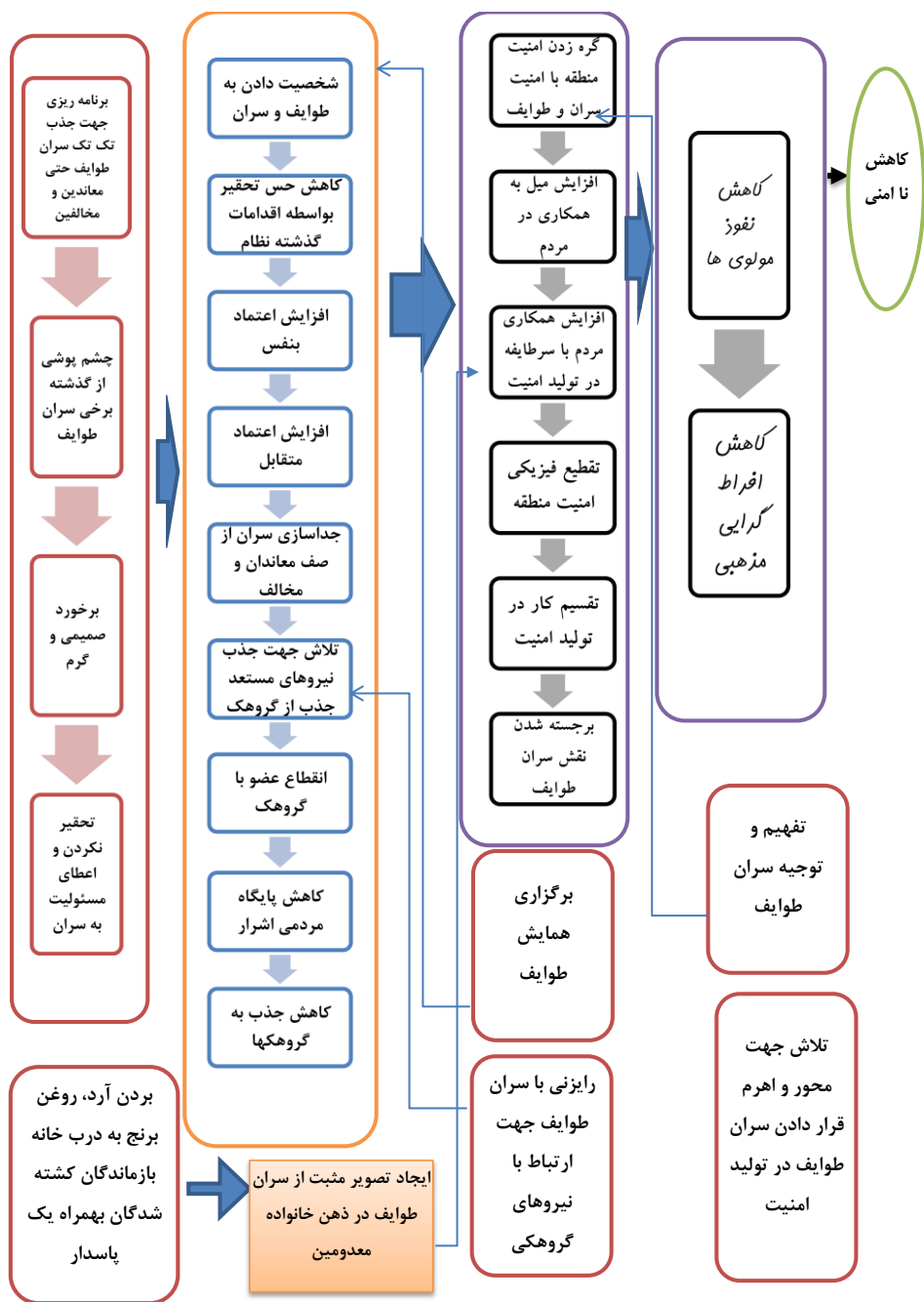
همزمان با جذب ایشان، مجموعه نظام و سپاه دیگر به چشم یک شرور به این افراد نگاه نمی‌کرد. برخورد گرم و صمیمی سردار شوشتری با این افراد در کنار اعطای مسئولیت، انگیزه‌سازی جهت همکاری با نظام اسلامی و برخلاف گذشته، تحقیر نکردن این افراد سبب ایجاد شخصیت از سوی نظام در وجود این افراد و طوایف آنها شد. وقتی سرطایفه از سوی نظام دیده می‌شود، یعنی طایفه و مردم آن دیده شده و آنها نیز شخصیتی و هویتی می‌یابند و منش خود را مقابل نظام بازتعریف می‌کنند. این شخصیت دادن موجب شد تا تحقیرهای گذشته از سوی نظام به ورطه فراموشی برود و اعتماد به نفسی از سوی نظام به این سران طوایف تزریق گردد. در کنار این کارها، برگزاری همایش طوایف جهت مطرح کردن مفاخر و مشاهیر هر طایفه و الگو کردن آنها مدنظر قرار گرفت تا هم از این رهاورد، طوایف هویتی یابند و هم در ارائه الگوهای خود دچار بازتعریف گشته و به سمت الگو قرار دادن اشراری نظیر عبدالمالک ریگی نگردند. کارها به گونه‌ای پیش می‌رفت که هر طایفه مسئول اجرای برنامه و همایش طوایف خود بود و در این عرصه برنامه‌ها به گونه‌ای تنظیم شده بود که می‌بایست از مفاخر، مشاهیر و شهدای طایفه خود در راه امنیت وطن سخن، شعر و... به میان آورند. هر چند شهید شوشتری در یکی از این همایش‌ها به شهادت رسید.

اعتماد به نفسی که گرفته شده بود پس داده می‌شود. بدین‌گونه اعتماد سران طوایف به نظام جلب شد. این شدت عمل سپاه در جبران گذشته در قبال سران طایفه سبب جداسازی افراد دیگری (سرطایفه یا مردم طایفه) از دامان ضدانقلاب شد. آرام‌آرام سران طوایف جذب شده کار جذب نیروهای مستعد جذب از طایفه خود را که در مشاغل کاذب یا گروهک‌های معاند نظام مشغول بودند را شروع کردند. ریش سفیدی و احترام به سرطایفه سبب انقطاع تعداد زیادی از مشاغل قاچاق سوخت و مواد مخدر، دزدی و راهبندان و نیز عضویت و همکاری و ارتباط با گروهک‌های معاند ضدنظام گردید. خود به خود این امور سبب کاهش جایگاه و پایگاه مردمی اشرار در میان مردم شد. دیگر علّتی جهت پیوستن مردم به گروهک‌ها و مشاغل کاذب وجود نداشت. گرایش سرطایفه به نظام نیز از شدت گرایش مردم به این گونه مشاغل تا

حدّ زیادی کاست. این خود سبب کاهش جذب مردم به گروهک‌ها و اشتغال در مشاغل کاذب شد.

ابتکار عمل سردار شوشتری در این طرح گره زدن امنیت منطقه به امنیت سران طوایف بود. یعنی وقتی منطقه استحقاقی یک طایفه ناامن باشد لاجرم امنیت افراد و سرطایفه حوزه مربوطه نیز از بین می‌رود. این موضوع به خوبی توسط سردار شوشتری به طوایف تفهیم شد و آنها توجیه گردیدند که در صورت همکاری با اشرار امنیت خود و مردم طایفه آنها با مشکل مواجه گردیده و ممکن است در حمله نیروهای نظام به اشرار پناه‌یافته، عده ای از مردم طایفه نیز کشته شوند. ضمناً اگر گروهک‌ها یا باندهای قاچاق مواد مخدر به کشتن یکی از افراد طایفه برآید، سایر افراد آن طایفه به قصد تلافی برمی‌آیند. یعنی امنیت طایفه خدشه‌دار می‌شود. اشتغال سرطایفه و افرادش به عنوان حقوق‌بگیر سپاه، اعطای تجهیزات و سلاح به وی سبب افزایش میل به همکاری در پروژه امنیت مردم نهاد از سوی طوایف گشت. همکاری مردم با سران طوایف جهت تأمین امنیت افزایش یافت و امنیت منطقه به قسمتهای کوچک‌تری تقسیم شد و امنیت هر قسمت به طایفه‌ای سپرده شد. این سبب تقسیم کار در تولید امنیت شد و تمام اینها در کنار بردن آرد، روغن و برنج توسط بزرگان طایفه به همراه یک پاسدار به درب خانه معدومین و بازماندگان اشرار سبب ایجاد تصویر مثبت از سران طوایف در ذهن خانواده معدومین و مردم شده و این نیز سبب برجسته‌شدن نقش سرطایفه در منطقه و نزد قوم و طایفه خود شد. برجستگی سران طوایف قدرت سران طوایف را که روزگاری نظام از آنها گرفته بود به آنها پس داده و کاهش نفوذ مولوی‌ها را نزد قوم بلوچ سبب می‌شود و این خود سبب کاهش جذب و اقبال مردم به افراط‌گرایی مذهبی تولید شده در مدارس دینی و مساجد می‌گردد.

شکل ۴-۵: مدل خطی - مدل منطقی: شمای نظریه برنامه کانون تمرکز سران طوایف



## اقدامات و زنجیره رهاورد کانون تمرکز خانواده اشرار و معدومین

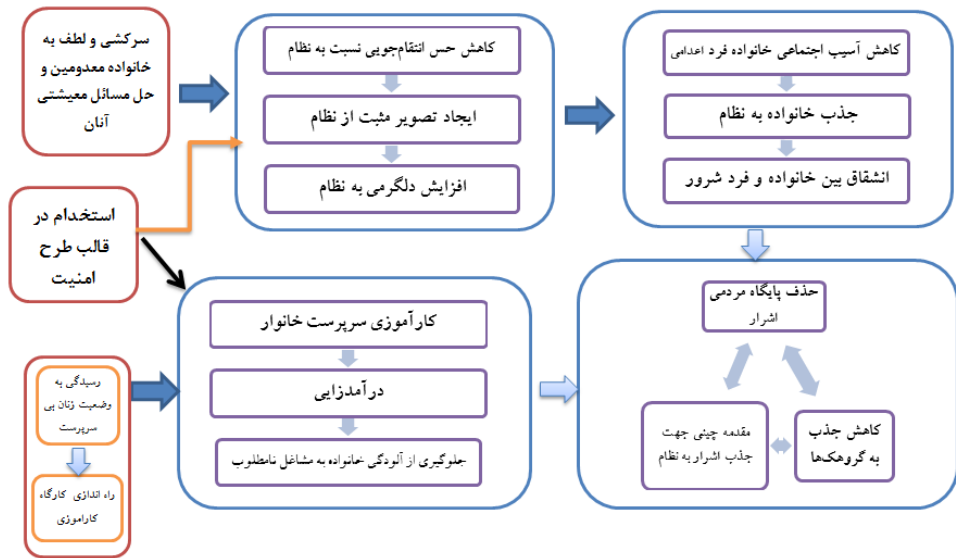
جدول ۴-۶: مطالب دسته‌بندی شده کدگذاری شده کانون تمرکز خانواده اشرار و معدومین

اقدامات	رهاوردها	کانون تمرکز
سرکشی و لطف به خانواده معدومین و حل مسائل معیشتی آنان (40FAA) از جمله بردن آرد، روغن، برنج دم در خانه بازماندگان معدومین و کشته شدگان توسط نظام با همراهی یک نفر پاسدار و یک نفر بزرگ طایفه (42IAA) و رفتن به منزل و ایجاد مودت با خانواده و بچه‌ها، تأمین لوازم زندگی، لباس و لوازم التحریر خانواده اعدامی (1AAA)	کاهش حس انتقام جویی نسبت به نظام در خانواده معدومین (1AA-40FA)	خانواده اشرار و معدومین (38Q) - 1A; 2C; 22C-42I - 40F- (2B-42L)
	ایجاد تصویر مثبت از نظام (42IA)	
	افزایش دلگرمی به نظام (40FB)	
	کاهش آسیب اجتماعی خانواده فرد اعدامی (22CC,22CH,2CA)	
	جذب خانواده اعدامیان و اشرار و گروهک‌ها به نظام (22CD)	
	انشقاق بین خانواده و فرد شرور (22CE)	
	کاهش جذب به گروهک‌ها (40FC - 42ID)	
	حذف پایگاه مردمی اشرار در منطقه (22CF)	
	مقدمه چینی جهت جذب شرور به نظام (22CG)	
	کارآموزی سرپرست خانوار (42LA)	
راه‌اندازی کارگاه کارآموزی (42LAA)	(42LB) درآمدزایی	
	جلوگیری از آلودگی خانواده به مشاغل نامطلوب (42LC)	
	کاهش جذب به گروهک‌ها (42LD)	
	حذف پایگاه مردمی اشرار در منطقه (22CF-38QE)	
	مقدمه چینی جهت جذب شرور به نظام (22CG-38QF)	
	کارآموزی سرپرست خانوار (38QA)	
	درآمدزایی (38QB)	
	جلوگیری از آلودگی خانواده به مشاغل نامطلوب (38QC)	
	کاهش جذب به گروهک‌ها (40FC - 42ID-38QD)	
	حذف پایگاه مردمی اشرار در منطقه (22CF-38QE)	
استخدام خانواده معدومین در قالب طرح امنیت (38QAA)	مقدمه چینی جهت جذب شرور به نظام (22CG-38QF)	
	رسیدگی به وضعیت اشتغال و معیشت زنان بی سرپرست (2BAA)	

خانواده اشرا و معدومین، افرادی هستند که یک فرد از اعضای خانواده آنها توسط نظام به دلایلی نظیر اقدام علیه امنیت ملی از طرق گوناگون، قاچاق مواد مخدر و ... اعدام یا در درگیری کشته شده‌است. از طرفی برخی از اشرا پس از پیوستن به گروه‌های شرور یا گروهک‌های معاند، خانواده خود را در کشور رها کرده و از کشور خارج می‌شوند. این قشر از مردم، به علت امتزاج فقر و حس انتقام‌جویی از نظام، مستعدترین گروه جهت جذب به گروهک‌ها و اشرا می‌باشند. شهید شوشتری با شناسایی چنین بستر و پتانسیل بدیهی برای گروهک‌ها جهت جذب، در صد ریشه‌کن کردن علل جذب آنان به گروهک‌های معاند نظام برآمد. در ابتدا جهت از بین بردن حس انتقام‌جویی آنان به نظام به سرکشی مداوم از این خانواده‌ها برآمد تا تصویری مثبت از نظام در ذهن آنان به یادگار بگذارد و آنان را به نظام دلگرم نماید. این سرکشی به همراه رفع نیازهای ضروری آنان و ایجاد اشتغال برای سرپرستان خانواده‌ها سبب کاهش آسیب اجتماعی این قشر گردیده و سبب جذب آنان به نظام می‌گردید. این جذب سبب فاصله گرفتن این خانواده با اهداف گروهک‌های ضدانقلاب گردیده و اگر فردی از این خانواده در گروهک عضویت داشت، این جذب سبب انشقاق بین وی و خانواده می‌گردید و همین عدم پشتیبانی عاطفی از فرد شرور سبب مقدمه‌چینی جذب فرد به نظام و نیز کاهش جذب گروهک‌ها و در نهایت تضعیف آن گروه معاند می‌شد.

در قدم دیگر جهت اشتغال این قشر، شهید شوشتری به ایجاد کارگاه‌های کارآموزی در نقاط محروم استان پرداخت که در همین راستا تأسیس کارگاه کارآموزی ویژه زنان سرپرست خانوار و خانواده‌های اشرا و معدومین در حاشیه شهر زاهدان یعنی منطقه شیرآباد، جهت کارآموزی و اشتغال آنان، درآمدزایی، جلوگیری از آلودگی به مشاغل نامطلوب صورت گرفت. این علل سبب از بین رفتن پایگاه مردمی اشرا در یکی از مهمترین محورهای جذب گروهک بود که سبب کاهش اقبال به جذب در گروهک و در نتیجه تضعیف گروهک‌ها را در پی داشت. استخدام خانواده معدومین و اشرا در قالب طرح بسیجی امنیت در قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه نیز با این اهداف صورت گرفت.





شکل ۴-۶: مدل خطی - مدل منطقی: شمای نظریه برنامه کانون تمرکز خانواده اشرار و معدومین

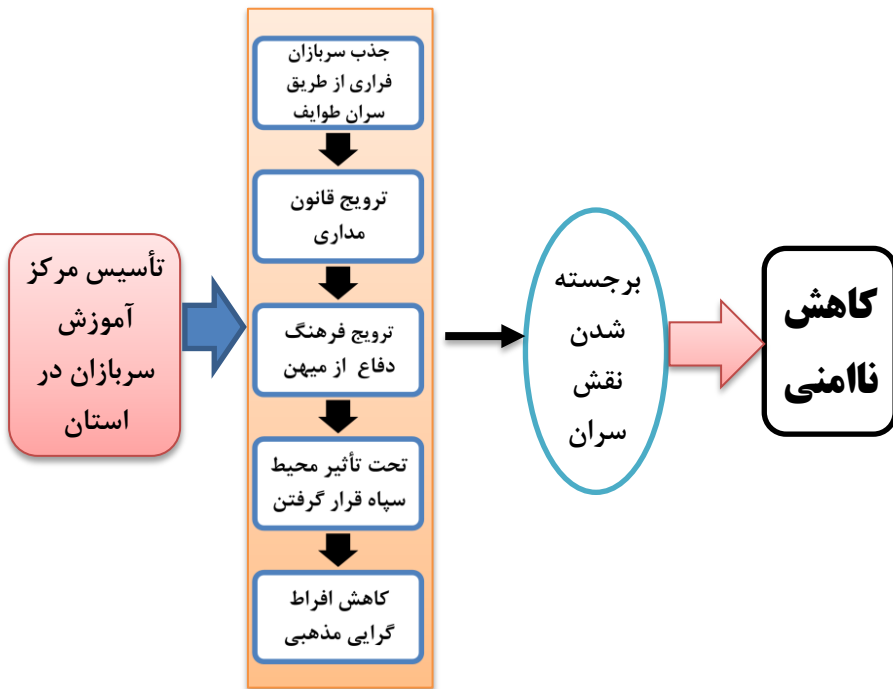
### اقدامات و زنجیره رهاورد کانون تمرکز سربازان فراری

جدول ۴-۷: مطالب دسته‌بندی شده کدگذاری شده کانون تمرکز سربازان فراری

اقدامات	رهاورد	کانون تمرکز
تأسیس مرکز آموزش سربازان در استان (39EAA)	جذب سربازان فراری از طریق سران طوایف (39EA)	سربازان فراری (39E)
	ترویج قانون مداری (39EB)	
	ترویج فرهنگ دفاع از میهن (39EC)	
	خدمت در سپاه (39ED)	
	تحت تأثیر محیط سپاه قرار گرفتن (39EE)	
	کاهش افراط‌گرایی مذهبی (39EF)	
	برجسته شدن نقش سران طوایف (39EG)	

با توجه به اینکه نزدیک به ۲۰۰۰ سرباز فراری در منطقه وجود داشت، شهید شوشتری جهت تمهید تسهیلات و کمک‌های ویژه جهت این افراد جهت استفاده از کارت پایان خدمت و نیز شناسایی این افراد که برخی از آنها به عضویت گروهک‌های معاند درآمده و بعداً به واسطه طرح ایشان به نظام جذب شده بودند و سربازی خدمت نکرده بودند، سردار شوشتری با اخذ مجوز از مراجع مربوطه اقدام به تأسیس مرکز آموزش ویژه مشمولان در شهر زاهدان کرده و از

این طریق این افراد در این مرکز آموزش می‌دیدند. منوط به اینکه این افراد از طریق سران طوایف معرفی شوند. این طرح با هدف این صورت گرفت تا این افراد قانون‌مدار شده و تحت تأثیر محیط عقیدتی و سیاسی سپاه قرار گرفته و از نزدیک با اهداف و سیاستهای انقلاب آشنا شده تا ذهنیت منفی ساخته شده در ذهن آنها پاک شده و از میزان افراط‌گرایی مذهبی در آنها کاسته شود. البته ناگفته نماند به واسطه معرف بودن نقش سران طوایف در معرفی این افراد، این طرح سبب افزایش منزلت و شأن اجتماعی سران طوایف می‌گردد.



شکل ۴-۷: مدل خطی - مدل منطقی: شمای نظریه برنامه کانون تمرکز سربازان فراری

## اقدامات و زنجیره رهاوردهای کانون تمرکز سردار شوشتری

جدول ۴-۸: مطالب دسته‌بندی شده کدگذاری شده کانون تمرکز سردار شوشتری

رهاوردها	اقدامات
دوست داشتنی شدن شهید در بین مردم (11AA)	داشتن علاقه به مردم (11BAA) و ابستگی عاطفی به قوم بلوچ (9EAA) تأکید بر محبت حداکثری از سوی سپاه به مردم
جذب مردم به شخصیت ایشان- (38NA-11AA)	(33ACC) تواضع و فروتنی با مردم عادی (10AAA) خوش اخلاقی و خوش برخوردی با مردم (11AAA-38NAA-32AAB-38DAB-38DAC-29AAA ) دلسوز انسانها بودن (4BAA)
افزایش نفوذ معنوی و عاطفی در قوم بلوچ و نیروها (10AA-38DB-4BA-11AB)	اعتقاد به عدم تبعیض بین این مردم و مردم سایر شهرها، (13AAC)
ایجاد علاقه متقابل در درون لایه‌های مردم و محرومان (11BA)	اعتماد شخصی به مردم عادی و بلوچ حتی در بدترین شرایط امنیتی و نقطه صفر مرزی (40DAB)
ایجاد اعتماد در درون لایه‌های مردم نسبت به نظام (12AD-38NC-38DC)	اعتقاد به عوض شدن نگاه و طرز برخورد دولت با مردم استان بر مبنای مهربانی و اقناع (12AAA)
پاک کردن ذهنیت منفی مردم نسبت به مسئولان نظام (16AA)	
جذب مردم به نظام (38NB)	
ایجاد سرمایه اجتماعی نظام (38NC)	خوش بینی به قوم بلوچ (9EAA)
	حضور در میان آحاد مردم و ارتباط صمیمی و نزدیک با آنان تا حد عدم رعایت مقررات سازمانی و امنیتی - (27BAB-16AAA-34AAB-16AAB-14AAA)
افزایش نفوذ معنوی در مردم (3AA)	دغدغه برای حل مشکلات منطقه تا سرحد جان (3AAA)
طرح ریزی برای حل این دو معضل (6CA)	اعتقاد به فقر فرهنگی و اقتصادی عمیق بعنوان معضلات اصلی و کلیدی (6CAA)
افزایش فعالیت‌های نظام حول معاضل اقتصادی و فرهنگی (6CB)	
ایجاد سرمایه اجتماعی نظام (6CC)	تقید به کار فرهنگی در منطقه تا کار نظامی (11AAA)
	اعتقاد به نفوذ فکری و معنوی بیشتر تا نفوذ نظامی (11AA)
	اعتقاد به حل معضل ناامنی از طریق فکری فرهنگی تا نظامی (11AB)
حضور مردم در تصمیم‌گیری‌های استان و منطقه محل زندگی خود (13AA)	اعتقاد به مشارکت همه جانبه مردم استان در مسائل اجتماعی و فرهنگی خودشان، (13AAA-12AAE-33AAA)
ایجاد اعتماد متقابل بین مردم و نظام (13AB)	اعتقاد به مشارکت مردم در تصمیم‌گیریها (13AAB)
ایجاد دغدغه در مردم در مورد موضوعات مختلف (13AC)	استفاده از ایده‌ها و طرحهای مردم (33ACF)
ایجاد و افزایش حس مسئولیت‌پذیری و تعهد	تأکید بر استفاده از نظرات طوایف در طرحها (33ACE)

رهاوردها	اقدامات
در مردم در مورد موضوعات مختلف (13AD)	
برجا گذاشتن چهره مردم دار از سپاه نه	
خشن در اذهان عمومی در بدوکار (33AA)	
ایجاد سرمایه اجتماعی نظام (33AB)	
همراه ساختن مردم با نظام و انقلاب (33AB)	تأکید بر محبت حداکثری از سوی سپاه به مردم (33ACC) تأکید بر عمل در چارچوب محبت و راه انسانیت (33ACD)
ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی نظام (33AC)	تأکید بر خدمت رسانی بیشتر سپاه به مردم و برخورد صمیمانه با مردم از سوی سپاه (33AAA- 33ABA)
آینده‌سازی برای نظام (33AD)	
انجام طرح‌های زیر بنایی در منطقه جنوب شرق (11AL)	اعتقاد به اجرای طرح زیربنایی در منطقه جنوب شرق (11ALA)
برنامه ریزی برای حل معضلات فقر، جهل و احساس بی عدالتی و کم عدالتی به عنوان معاضل کلیدی شناسایی شده توسط ایشان (11AM)	
ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی نظام (11AN)	
آینده‌سازی برای نظام (11AP)	
ایجاد قرابت و محبت (38MA)	احترام به آداب و رسوم مردم منطقه (38MAA)
افزایش اعتماد بین مردم و نظام (38MB)	
ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی نظام (38MC)	
آینده سازی برای نظام (38MD)	
ایجاد تصویر مثبت از خود و نظام در ذهن کودک (40BB)	حساب باز کردن روی رفت و آمد بین مردم (30AAA)
ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی نظام (40BC)	
آینده سازی نظام (40BD)	

سردار شهید شوشتری به واسطه داشتن علاقه ذاتی به مردم کشور علی‌الخصوص به مردم استان سیستان و بلوچستان، از معدود مسئولانی بود که در بین مردم حضور پررنگی داشت. این حضور که به واسطه خوش برخوردی و خوش اخلاقی با قوم بلوچ رخ می‌داد همراه با چاشنی تواضع و فروتنی در زمانیکه یک فرمانده عالی رتبه نظامی در منطقه حضور می‌یافت و متأثر از خوش بینی به قوم بلوچ بود سبب دوست داشتنی شدن ایشان در بین مردم، جذب مردم به شخصیت وی و افزایش نفوذ معنوی و عاطفی وی در قلوب و اذهان مردم شده بود. این علل سبب ایجاد علاقه متقابل بین سردار و مردم و نیز این علاقه، سبب اعتماد بین وی و مردم شده بود. این علل سبب از بین رفتن نگاه منفی مردم نسبت به مسئولان شده بود. چرا

که کمتر مسئولی بین مردم حضور یافته و از نزدیک مشکلات، دردها و حرفهای آنان را لمس می‌کرد. اعتماد به وجود آمده سبب ایجاد سرمایه اجتماعی برای نظام شده بود. اعتقاد به عدم تبعیض بین مردم این استان و سایر شهرها در کنار اعتماد شخصی به مردم بومی سبب افزایش محبوبیت سردار و تکرار شدن این چرخه شده بود.

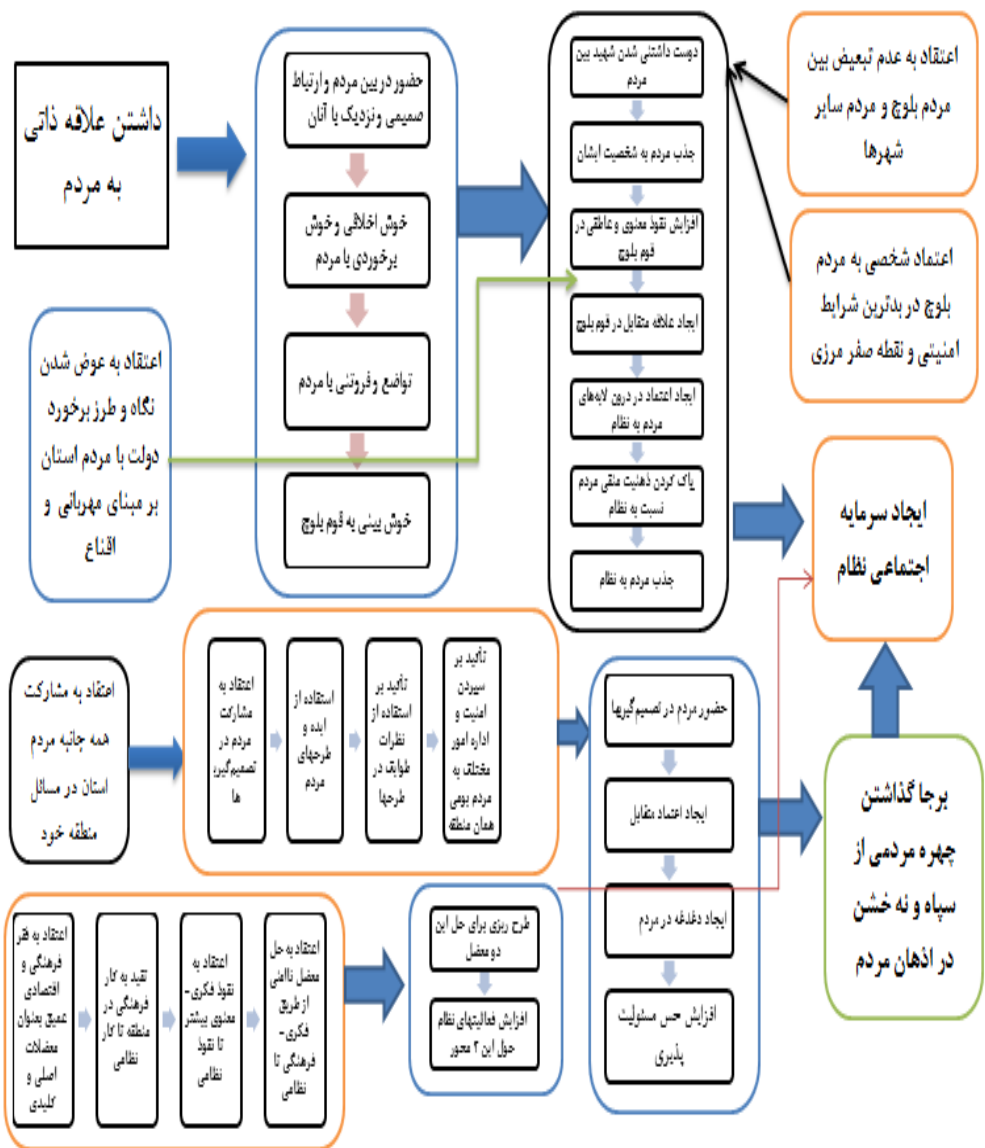
از جمله روحيات و اعتقادات سردار شوشتری جهت حل معضل ناامنی، دخیل کردن مردم در تصمیم‌گیری‌ها بود که از اماره‌های آن می‌توان به اعتقاد به مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها، استفاده از ایده و طرحهای مردم به اندازه طرحهای خود، تأکید بر استفاده از نظرات سران طوایف در طرح‌ها و تأکید بر سپردن امنیت و اداره امور مختلف به مردم همان منطقه اشاره کرد. این خود سبب حضور مردم در تصمیم‌گیری‌ها، ایجاد اعتماد متقابل بین مردم و نظام، ایجاد دغدغه در مردم در مورد موضوعات مختلف محل زندگی و افزایش حسّ تعهد و مسئولیت‌پذیری در مردم شده بود. این نوع اعتقادات و عمل کردن بر مبنای آن سبب به جای گذاشتن چهره مردم‌دار از سپاه به جای چهره خشن شده بود و این نیز به نوبه خود، بالا رفتن سرمایه اجتماعی برای نظام را در پی داشت.

از دیگر اعتقادات این سردار بزرگوار، اعتقاد به فقر اقتصادی و فرهنگی به عنوان معضلات اصلی و کلیدی، تقید به کار فرهنگی تا کار نظامی (استراتژی محبت به جای گلوله)، اعتقاد به نفوذ فکری- معنوی تا نفوذ نظامی و اعتقاد به حل معضل ناامنی از طریق فرهنگی و اقتصادی به جای کار نظامی بود. این نوع اعتقادات طبعاً سبب طرح ریزی و سپس افزایش فعالیتهای نظام حول محورهای اقتصادی و فرهنگی شده و این جنس برخورد سبب افزایش سرمایه اجتماعی نظام گردیده بود.

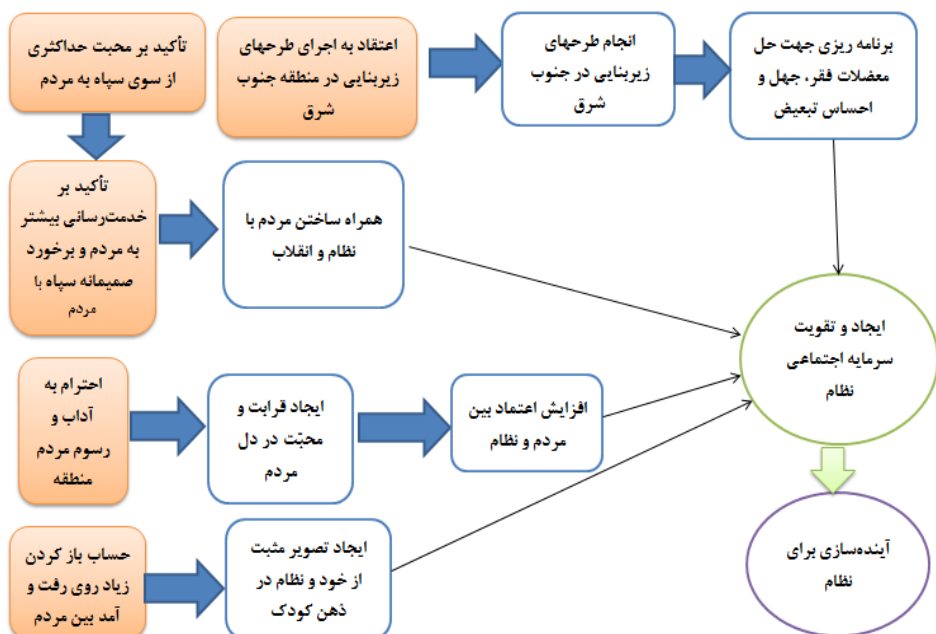
تأکید بر محبت حداکثری و تأکید بر خدمت‌رسانی بیشتر به مردم و برخورد صمیمانه سپاه با مردم، سبب همراه سازی مردم با انقلاب و ایجاد یا تقویت سرمایه اجتماعی نظام و آینده‌سازی برای نظام شده بود.

احترام به آداب و رسوم مردم منطقه سبب ایجاد قرابت و محبت در دل مردم و نیز افزایش اعتماد بین مردم و نظام شده و ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی را به دنبال داشته و این نیز سبب آینده‌سازی برای نظام می‌گردد. حساب باز کردن زیاد روی رفت و آمد بین مردم سبب ایجاد تصویر مثبت در ذهن کودکان و مردم شده و سبب تقویت و ایجاد سرمایه اجتماعی برای مردم و آینده‌سازی برای نظام می‌گردد.

اعتقاد به اجرای طرح‌های زیربنایی در منطقه جنوب شرق، سبب انجام این طرح‌ها و برنامه‌ریزی برای حل سه معضل کلیدی شناسایی شده یعنی فقر، جهل و حس تبعیض شده و سبب می‌گردد تا سرمایه اجتماعی نظام ایجاد یا تقویت گشته و آینده نظام ساخته شود.



شکل ۴-۸: مدل خطی - مدل منطقی: شمای نظریه برنامه کانون تمرکز سردار





## اقدامات و زنجیره رهاوردهای کانون تمرکز کودکان و دانش آموزان

جدول ۴-۹: مطالب دسته‌بندی شده کدگذاری شده کانون تمرکز کودکان و دانش آموزان

کانون تمرکز	رهاوردها	اقدامات
کودکان و دانش آموزان (26A-40A-40B-39L-42K)	ایجاد الفت و دوستی متقابل (40BA)	خاکی بودن و ساده بودن علی رغم درجه نظامی بالا (40BAA)
	ایجاد تصویر مثبت از خود و نظام در ذهن کودک (40BB)	لطف و ملاحظت با مردم عادی حتی بچه ساده روستایی (40BAB)
	از بین بردن جهل بعنوان اصلی ترین معضل استان (40BC)	
	نیروسازی برای نظام (40BD)	
	ایجاد الفت و دوستی (26AA)	ایجاد رابطه گرم و صمیمی با کودکان منطقه (26AAA)
	ایجاد تصویر مثبت از خود و نظام در ذهن کودک (26AB)	
	از بین بردن جهل بعنوان اصلی ترین معضل استان (26AC)	
	نیروسازی برای نظام (26AD)	تهیه لوازم التحریر برای دانش آموزان (39LAA)
	ایجاد الفت و دوستی (39LA)	
	ایجاد تصویر مثبت از خود و نظام در ذهن کودک (39LB)	
	از بین بردن جهل بعنوان اصلی ترین معضل استان (39LC)	
	نیروسازی برای نظام (39LD)	دعوت دانش آموزان مبنی بر مطالبه حق و عدالت از راه قلم و زبان (42KAA)
	تصویرسازی راه مطالبه صحیح برای کودکان و دانش آموزان (42KA)	
	از بین بردن جهل بعنوان اصلی ترین معضل (42KC)	
	نیروسازی برای نظام (42KD)	

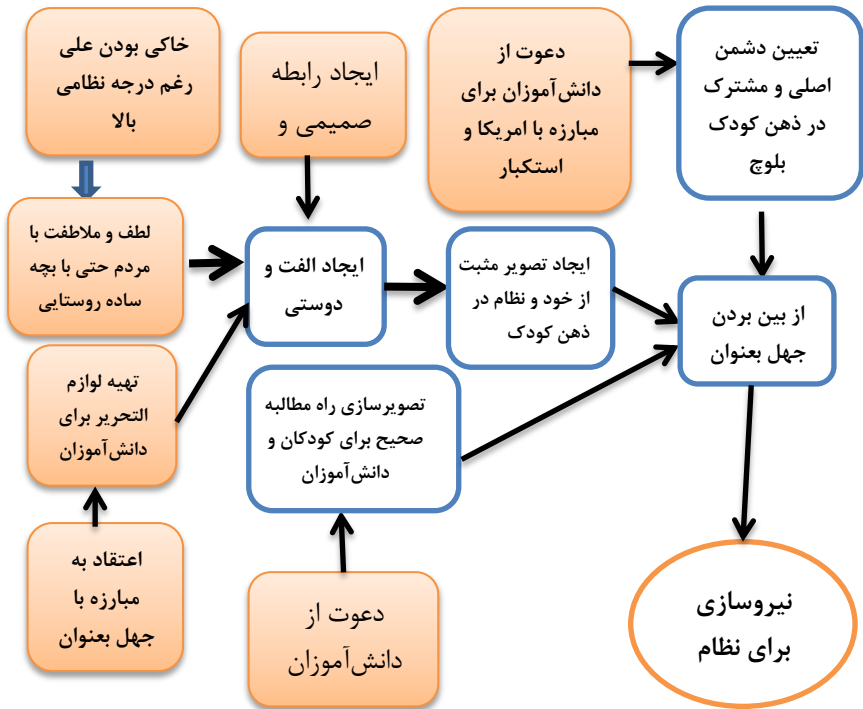
کودکان و دانش آموزان از جمله اقشار مهمی بوده‌اند که شهید شوشتری با هدف تصویرسازی مثبت از نظام در ذهن آنان و نیز از بین بردن جهل به عنوان کلیدی ترین معضل استان با آنان ارتباط برقرار کرده بود. ایشان علیرغم درجه نظامی بالا با ایجاد مهر و محبت با کودکان و دانش آموزان، تهیه لوازم التحریر و اهدای آن به کودکان، ایجاد رابطه صمیمی و گرم با آنان لطف و ملاحظتی در دل آنان به وجود آورده و این به نوبه خود سبب ایجاد تصویر

مثبت از نظام در ذهن کودک شده و جهل ناشی از تعصب را در وجود وی به عنوان کلیدی‌ترین معضل از بین برده و جهت آینده نظام نیروسازی می‌کند. نکته جالب توجه در این قسمت اینست که ایشان به نیروهای تحت امر خود فرمان داده بود تا با لباس کامل نظامی، جیب خشاب بسته، اسلحه به دست و دوشیکا بر روی ماشین بسته به سراغ مردم خصوصاً کودکان بروند و کمکهای خدماتی خود از قبیل بسته غذایی، لوازم التحریر و... را اینگونه به کودک تحویل دهند. چرا که تصویری که از یک نظامی در ذهن کودک تولید می‌شود ماندگار است و در آینده چنین کودکی که بزرگ شده اسلحه بر روی مأمور نظامی نمی‌کشد.

از طرف دیگر با دعوت از دانش‌آموزان مبنی بر مبارزه با امریکا این دشمن را به عنوان دشمن مشترک و اصلی در ذهن آنان تصویرسازی کرده و جهل در رابطه با دشمن انگاشتن نظام را در ذهن آنان از بین می‌برد و این به نوبه خود برای آینده نظام نیروسازی می‌کند.

از طرف دیگر با دعوت از دانش‌آموزان مبنی بر مطالبه عدالت با زبان و قلم به تصویرسازی مطالبه مثبت از نظام در ذهن آنان کمک کرده و از این طریق جهل ناشی از مطالبه عدالت با سلاح و خشم را در وجود آنان از بین برده است و این به نوبه خود جهت آینده نظام نیروسازی می‌کند.

در ادامه تصویر شماتیک و نمودار این کانون تمرکز می‌آید:



شکل ۴-۹: مدل خطی - مدل منطقی: شمای نظریه برنامه کانون تمرکز کودکان و دانش آموزان



## فصل پنجم

### برنامه امنیت مردم نهاد مبتنی بر سیره شهید شوشتری

شهید شوشتری با توجه به مسائل موجود در استان شناسایی گسترده‌ای از قدرتهای موجود در استان سیستان و بلوچستان کرد. بعد از این شناسایی به این نتیجه رسید که برای تولید امنیت و کاهش ناامنی برای هرکدام از کانونهای تمرکز باید برنامه خاصی داشته باشد. طبق داده‌های جمع‌آوری شده برای کانون تمرکز مولویها باید ارتباط مالی، فرهنگی و فکری آنان با خارج از کشور خصوصاً کانونهای افراط‌گرایی مذهبی در کشورهای همسایه کاهش یافته و قطع گردد تا نیروی افراطی کمتری در حوزه‌های علمیه و مدارس و مکاتب ساخته شود تا ازین رهگذر جهل مردم و نخبگان منطقه که قسمت زیادی از آن ماحصل مدارس دینی است کاهش یابد.

سردار شوشتری جهت کانون تمرکز سران طوایف نیز شناسایی گسترده‌ای از وضعیت سران طوایف انجام داده تا آنانی را که از نظام بریده‌اند به دامن نظام برگردانده و آنانی را که در دامن نظام هستند به کار و تلاش در راستای اهداف انقلاب ترغیب نموده و مسئولیت تأمین امنیت نقاط استحقاظی و محل زندگی آنان را به خودشان بسپارد البته با راهنمایی،

هدایت و پشتیبانی مجموعه سپاه. در این کانون تمرکز سردار شوشتری به دنبال برجسته کردن سران طوایف جهت کاهش نفوذ مولویها در منطقه بوده است. البته از آنان جهت شناسایی اشرار و گروهکی‌های موجود در منطقه، با هدف ارتباط‌گیری با آنان و جذب آنان به دامن نظام استفاده کرده و از طرفی خدمت‌رسانی به مردم و ارتباط با آنان را از کانال همین سران طوایف پیگیری می‌نموده است.

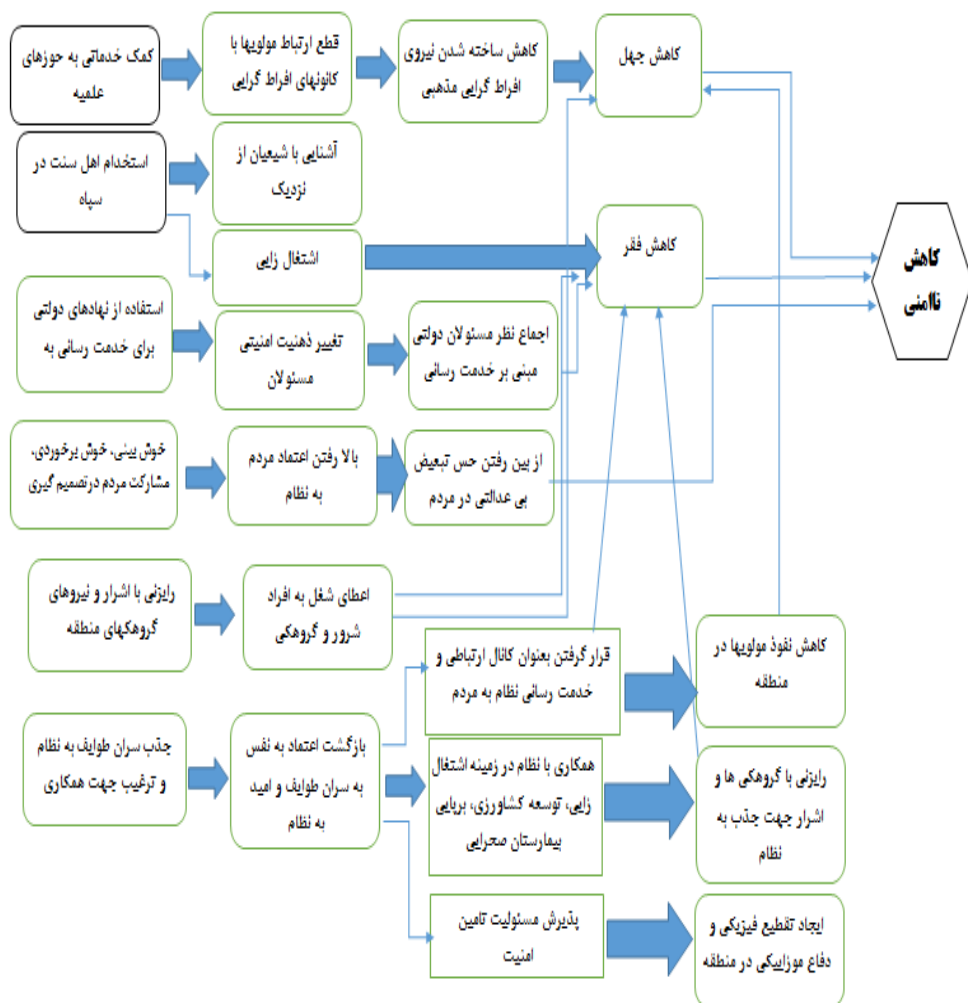
سردار شوشتری نیز با توجه به شأن نهادهای دولتی در خدمت‌رسانی به دنبال استفاده از توان و ظرفیت دستگاه‌های دولتی که موظف به خدمت‌رسانی در حوزه‌ها و موضوعات گوناگون هستند بوده است تا از این طریق محورهای گوناگون اقتصادی و فرهنگی را در منطقه دنبال کرده تا اعتماد متقابل درون مردم منطقه نسبت به نظام بوجود آورد. البته از این طریق به دنبال درگیر کردن مسئولان با مشکلات مردم و از بین بردن نگاه منفی و امنیتی آنان نیز بوده است و هدف وی در این کانون تمرکز خدمت‌رسانی به مردم جهت کاهش فقر در منطقه بوده است.

از طرفی دیگر سردار شوشتری، نگاه ویژه‌ای به اشرار و گروهکی‌های موجود در گروهک داشته است و کار جذب آنان را از طریق سران طوایف دنبال می‌نموده است تا بعد از جذب آنان به نظام شغل و منبع درآمدی به آنان واگذار شود تا علتی چون فقر که موجب جذب آنان به گروهک شده از بین رفته و از طرفی با دیدن برخورد نظام با آنها و بودن در کنار ارگانهای نظام جهل آنان نسبت به نظام و مذهب شیعه از بین می‌رود.

سردار شوشتری به اصلی‌ترین محور جذب گروهک یعنی خانواده اشرار و معدومین نیز نگاه ویژه‌ای داشته و در خدمت‌رسانی و سرکشی از آنان نگاه ویژه‌ای داشته و این کار را به صورت مستقیم شخصاً یا از طریق همراهی یک پاسدار با یک بزرگ طایفه پیگیری می‌نموده است تا از این رهگذر فقر و جهل و حس تبعیض و بی‌عدالتی را در مردم و سران طوایف بلوچ از بین ببرد.

ایشان در زمینه کانون تمرکز بلوچهای بسیجی و جذب آنان به خدمت در نظام نیز کارهای اقناعی خوبی انجام داده و به دنبال احیای هویت بلوچی آنان در مقابل هویت مذهبی آنان بوده است تا از این رهگذر ضداجنبی بودن را در آنان تقویت کند. از طرفی با استخدام آنان در سپاه، در زمینه اشتغال منطقه گام مهمی برداشته و از ورود آنان به مشاغل کاذب جلوگیری کند.

از طرفی دیگر اعتقاد ایشان به مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها، عدم تبعیض بین مردم منطقه و مردم سایر منطقه، خوش‌برخوردی و خوش‌اخلاقی با کلیه مردم و تلاش اصلی جهت حل سه معضل کلیدی فقر، جهل و حس تبعیض و بی‌عدالتی سبب بالا رفتن اعتماد مردم بومی منطقه به شخص ایشان و نظام گردیده بود و حس تبعیض و بی‌عدالتی در مردم تقلیل یابد.



شکل ۵-۱: مدل منطقی نظریه برنامه امنیت مردم‌نهاد



## فصل ششم

# مقایسه نظریه بر نامه امنیت مردم نهاد و امنیت اجتماعی شده (از دیدگاه شهید شوشتری)

### مقایسه نظریه بر نامه امنیت مردم نهاد و امنیت اجتماعی شده

عملیاتی بودن مدل امنیت مردم نهاد و تئوریک بودن مدل امنیت اجتماعی شده در مقام مقایسه بین مدل نظریه اسلامی امنیت اجتماعی شده و مدل به دست آمده در مدل امنیت مردم نهاد مبتنی بر عملکرد شهید شوشتری به این گزاره می‌رسیم که بر مبنای تئوریک و حاصل انتزاع مبتنی بر داده‌های جمع آوری شده براساس آیات قرآن کریم به بیان اصول، مبانی و کلیات می‌پردازد. بدون اشراف سیاستگذار، تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر بر کلیات، اصول و مبانی نظریه اسلامی امنیت اجتماعی شده امکان حرکت در خارج از چارچوب شرع و عقل وجود داشته و براساس آنچه مولف این نظریه می‌گوید این حرکت خارج از چارچوب منجر به تولید تعارض و ناامنی در جامعه می‌گردد. اما با نگرش به عملکرد شهید شوشتری در منطقه بلوچستان به این نکته می‌رسیم که مدل پیاده شده توسط ایشان کاملاً عملیاتی بوده ولی مبتنی بر اصولی می‌باشد که در فصل گذشته به توضیح و تدوین کامل آن

پرداختیم. این مدل، در برخی نقاط با نظریه اسلامی امنیت اجتماعی شده تعارض داشته در برخی جاها با این مدل تشابه، در برخی نقاط آن را تکمیل کرده و در برخی نقاط نظریه اسلامی امنیت اجتماعی شده آنرا تکمیل می‌کند.

### تشابه عملکرد سردار شوشتری با ارزش امنیتی توحید و انسجام

مطابق با نظریه اسلامی امنیت اجتماعی شده، توحید سبب انسجام فکری و عملی افراد وجوامع گشته و مایه‌رهایی انسان از آشفتگی است. دلیل این امر به قبول محوری واحد و کانونی منحصر به فرد برای تمامی آفرینش باز می‌گردد که به واسطه آن تمامی کثرت‌ها پیرامون ایده‌ای واحد قرار گرفته و معنا می‌شود.

آنجا که دل در گرو الله نهادن را مایه انسجام خاطر و آرامش دل و اقبال به دنیا را موجب پراکندگی دانسته که امنیت فرد را به مخاطره می‌افکند.

براساس مطالعه مصاحبه‌های افراد در مورد شهید شوشتری به وفور شخصیت این سردار به عنوان کسی که دارای نیت خالص و انگیزه‌های کاملاً الهی در زندگی و کار خود بود برجسته می‌شود. چنانکه در مصاحبه‌ای ایشان را دارای اخلاص در عمل دانسته و همین نکته را مبنای ماندگاری و محبوبیت ایشان دانسته است. (35AAA). این نکته یکی از اماره‌های اتصال ایشان به وحدانیت الهی می‌باشد از سایر اماره‌هایی که می‌توان گفت ایشان شخصیت توحیدی بوده است به استمداد از خدا جهت حل مسائل مجموعه کاری اشاره کرد. (9CAA). چنانکه اشاره شد این اتصال به منبع الهی سبب شده تا از تولید تعارض و ناامنی جلوگیری کرده، چرا که اعتقاد داریم نگرش، بینش و دانش سیاستگذار و تصمیم‌گیر مبنای عملکرد و رفتار وی هست. این اتصال نیز سبب جلوگیری از پراکندگی و آشفتگی در عملکرد وی در منطقه شده در نتیجه همه چیز را به یک جهت و نقطه سوق داده و از تعارض و ناامنی که از عملکرد آشفتنه و غیر منسجم حاصل می‌شود جلوگیری می‌کند.

نظریه اسلامی بر اینکه الله به فرد اطمینان خاطر می‌دهد اشاره می‌کنند که عالی‌ترین سطح امنیت است. براساس مصاحبه‌ها، غالب افراد در گفتار خود به این نکته اشاره می‌کنند

.....فصل ششم: مقایسه نظریه برنامه امنیت مردم نهاد و امنیت اجتماعی شده > ۸۳

که شهید شوشتری در عملکرد و سیره خود از یک صلابت و استواری برخوردار بود و اطمینان خاطری که شاید هیچ کس دیگری از آن به این اندازه برخوردار نبود را دارا بود. چنانکه وی در مورد طرح اجرا شده در منطقه سیستان و بلوچستان یک اطمینان خاطر بالایی برخوردار بود.

### **تعارض‌ها و تشابه‌های حقیقت‌طلبی در نظریه اسلامی با عملکرد شهید شوشتری**

مبتنی بر نظریه اسلامی، حقیقت‌طلبی در مقابل منفعت‌طلبی و جانب‌داری تعریف می‌شود. نیک می‌دانیم منفعت‌طلبی در جامعه سبب تولید تعارض و ناامنی می‌شود. چرا که منافع مختلف در اذهان، نیت و رفتار افراد مختلف وجود دارد که در صورتی که هر کدام از افراد جامعه دنبال منافع خود باشد این منافع در نقاط زیادی با منافع اشخاص دیگری تعارض پیدا می‌کند. تعارض به تعبیر نظریه اسلامی منجر به ناامنی می‌گردد. بنا بر قرائت عملکرد شهید شوشتری در منطقه، نه سیاستگذار دارای ویژگی امنیت سوز منفعت‌طلبی بوده است و نه مردم را به این ویژگی سوق می‌داده است. از اماره‌های نبود رذیله منفعت‌طلبی در سیره شهید شوشتری می‌توان به حضور وی در استان اشاره کرد. چنانکه می‌دانیم یکی از منافع پیش روی کارکنان لشکری و کشوری، ارتقا مسئولیت آنان است ولی سردار شوشتری دلیل منفعت‌طلبانه‌ای جهت پذیرش فرماندهی قرارگاه قدس جنوب شرق نداشته است. چرا که وی جانشین فرماندهی نیروی زمینی سپاه بوده است. از طرفی دیگر، گفتیم سردار شوشتری مردم را نیز به سمت منفعت‌طلبی سوق نمی‌داده است. سخنان وی در جمع سران طوایف و معتمدین منطقه، آنها را به سمت احساس تعهد و مسئولیت‌پذیری نسبت به زیرمجموعه آنها در طوایف سوق می‌داده و از دادن مزایا و ... به عنوان انگیزاننده و محرک استفاده می‌نموده است زیرا این انگیزاننده هیچکدام اصالتی نداشته و مهم ایجاد دغدغه و مسئولیت‌پذیری بوده است.

چنانکه متأسفانه بعد از شهادت سردار شوشتری، تصمیم‌گیران و فرماندهان قرارگاه قدس در قرائتی نادرست از این طرح، سران طوایف را به سمت منفعت‌طلبی سوق داده و این خود سبب تعارض و تولید ناامنی گردید و این از نتایج عدول از طرح سردار شوشتری می‌باشد.

مطابق نظریه اسلامی حقیقت به علت اصلاتی که دارد منجر به تولید رضایت می‌گردد. چنانکه منافع از تأمین رضایت افراد و جوامع عاجزند و هرگاه که هزینه‌ها فزونی یابد سطح مطلوبیت منافع کاهش می‌یابد. اعتقاد داریم با بالا رفتن منافع، رضایت همه تأمین نمی‌گردد و منافع قشر و طیف خاصی مدت‌نظر قرار می‌گیرد. به زعم مصاحبه‌شوندگان، هدف سردار شوشتری تأمین امنیت از مجرای سران طوایف بوده است و به سران طوایف به دید یک ابزار نگریسته می‌شده و نه کسانی که اصالت داشته و هدف هستند. متأسفانه بعد از شهادت ایشان، تصمیم‌گیران در قرائتی اشتباه از سیره سردار به این نتیجه رسیدند که منافع سران طوایف به هر شکل باید تأمین شود تا امنیت برقرار گردد. در حالیکه که اصالت حقیقت است که منجر به تولید رضایت در جامعه می‌گردد. اگر کسی جرمی مرتکب شده، قتلی انجام داده باید حکم خدا در مورد وی اجرا گردد. اگر به قاچاق مواد مخدر می‌پردازد به همین شکل باید محاکمه گردد. ایجاد حاشیه امنیت غیر اصولی و غیرشرعی برای افراد خاصی آن هم خارج از چارچوب شرع و قانون منجر به تولید تعارض و ناامنی گردیده است. چنانکه یک محموله مواد منفجره در تیرماه ۱۳۹۵ تا ۲۰۰ کیلومتری زاهدان وارد خاک کشور می‌گردد. از مرزی که توسط کارگزاران همین طرح و افرادی که در قالب همین طرح جذب گردیده‌اند کنترل می‌شود، عبور کرده و وارد خاک ایران شده که نصرت و امداد غیبی الهی سبب انهدام آن می‌گردد. تکثر ضدارزشی به نام منفعت‌طلبی سبب می‌گردد تا افراد و کارگزاران طرح در مقابل منفعتی بالاتر از آنچه کارگزاران نظام اعطا می‌کنند سر فرود آورند حتی اگر منجر به ناامنی گردد. لذا می‌بایست متناسب با حقیقت با افراد رفتار شود تا نگاه عامه جامعه نسبت به این طرح اصلاح گردد و رضایت و حمایت عیال نظام تأمین گردد.

بررسی محتوایی سوره نوح در مدل اسلامی امنیت‌اجتماعی شده نشان می‌دهد که اصالت اجتماعی امنیت نقد و نفی شده و به جای آن حقایق توحیدی اصالت می‌یابند. واکاوی

..... فصل ششم: مقایسه نظریه برنامه امنیت مردم نهاد و امنیت اجتماعی شده > ۸۵

عملکرد سردار شوشتری نشان می‌دهد اگرچه ایشان در ظاهر کاری به پذیرش حقایق توحیدی نداشته ولی به دنبال ایجاد بستر پذیرش در جامعه برای این مهم بوده است.

به تعبیر نظریه اسلامی محور تمام ویژگیهای راهبرد ضلالت، مخالفت و تعارض آن با حقیقت الهی است. طرح سردار شوشتری در بسیاری جهات اینگونه نبوده است ولی در جذب اشرار و سران طوایف، ناحقیقت‌هایی دیده می‌شود.

از طرفی دیگر، خداوند متعال در قالب حدود، انسان را نسبت به حقایقی ملزم نموده که التزام به آنها، جهت ایمن ماندن ضروری است. تعرض به این حدود چیزی جزء ناامنی را در پی ندارد.

«تلك حدودالله فلا تعتدوها و من يعتدّ حدود الله فأولئك هم الظالمون» (قرآن کریم، سوره مبارکه بقره (۲)، ۲۲۹)

تأکید قرآن کریم مبنی بر نزدیک نشدن به حدود (اعتداء به معنای تجاوز از مرز) حاکی از شدت خطر و ریسک بالای آن دارد که انسان را به التزام به حدود به منظور سالم‌سازی ارتباطات و تأمین امنیت خود و جامعه رهنمون می‌سازد.

چنانکه می‌دانیم یکی دیگر از اشکالات عمده این طرح، امان‌نامه دادن به افرادی بوده که در گذشته مرتکب قتل برخی نیروهای نظامی گشته‌اند. این مورد به تعبیر قرآن بالذات ناامنی‌ساز می‌باشد.

### تعارضات اصل ولایت در نظریه اسلامی با عملکرد شهید شوشتری

مطابق نظریه اسلامی گفتمان سیاسی اسلام با طرح ایده «ولایت» دو بُعد مهم از قدرت را مورد توجه قرار داده و برای آن پاسخی شایسته ارائه داده است: «چه کسی باید حکومت کند؟» «چگونه باید حکومت کرد؟»

اول. ظرفیت اخلاقی ولایت مبین مجموعه‌ای از شروط قانونی، هنجاری و اخلاقی را مطرح کرده که صاحبان قدرت را مهار می‌کند.

دوم. ظرفیت تربیتی ولایت که افزون بر شرایط بوده و از تحقق ملکه عدالت و انصاف در افراد حکایت دارد که به او امکان قرار گرفتن در ساختار قدرت را می‌دهد. ولایت در این سطح به تهذیب نظر دارد که نمودی عینی داشته و تحقق عملی ویژگی‌های تعریف‌شده در ظرفیت نخست را تأمین می‌کند.

سوم. ظرفیت سازمانی ولایت که معرف یک سازمان رفتاری متمایز در جامعه می‌گردد. معنای این گزاره‌ها اینست که «ولایت» از چند جهت به اصلاح الگوی روابط بین دولت-ملت پرداخته و در نتیجه کانون اصلی بروز بی‌ثباتی و ناامنی در هر جامعه‌ای را مدیریت می‌کند. نگارنده از این کارکرد، به فرآیند پالایش و سالم‌سازی رابطه دولت-ملت تعبیر نموده و بر این باور است که چنین فرآیندی، خاستگاه تکوین و بروز بسیاری از ناامنی‌ها را از بین می‌برد.

از طرفی بررسی داستان حضرت نوح در قرآن کریم که مدل اسلامی از آن مستنبط شده است نشان می‌دهد که حتی پسر نوح جز استثنائات در زمینه برخورد نبوده و می‌بایست مثل سایر گناهکاران عذاب شود. در این زمینه با تطبیق این موضوع در منطقه، متأسفانه صرف تعلق به سرطایفه می‌تواند بسیاری از مجرمان و مخلّان امنیتی را مصون از مجازات کند و این خود یک نقص در مدل امنیت مردم‌نهاد محسوب می‌گردد.

نگارنده معتقد است نقش کلیدی در تأمین امنیت را مجریان امنیتی دارند. خوبی و بدی آنها به صورت مستقیم بر عملکرد و تأمین امنیت یا ایجاد ناامنی مرتبط است و شاید کلیدی‌ترین عامل در امنیت همین افراد باشند. لذا باید در انتخاب و گزینش این افراد دقت گردد.

متأسفانه علی‌رغم تمامی مزایا و ویژگی‌های طرح امنیت مردم‌نهاد سردار شوشتری هیچکدام از گزاره‌های بالا در این طرح رعایت نشده است. چنانکه هیچکدام از کارگزاران طرح به این نکته اشاره نکرده‌اند که کسی که قرار است مقدار متناهی سلاح، تجهیزات، نیروی انسانی، وسیله نقلیه و در یک کلام قدرت و اختیار تأمین امنیت در محدوده خاصی

..... فصل ششم: مقایسه نظریه برنامه امنیت مردم نهاد و امنیت اجتماعی شده > ۸۷

باشد صاحب چه ویژگی‌هایی باشد؟ چه سوابق و برجستگی‌هایی برای وی متصور باشد. به زعم کارشناسان امنیتی سپاه، علیرغم خوبی‌های این طرح، نقطه ضعف اساسی آن عدم دقت در شناسایی و گزینش افراد بود. افراد زیادی بودند که در گذشته در خدمت انقلاب از بسیاری از مزایای خود چشم پوشیده و به نظام و سپاه از لحاظ مالی، جانی، آبرو و... کمک کرده بودند و بسیاری از آنها هم‌اکنون محتاج لقمه نانی هستند ولی متأسفانه هیچ جایگاهی در این طرح نداشته و در مقابل، افراد زیادی بوده‌اند که در مقابل نظام و نیروهای نظامی اقدام مسلحانه داشته، در امر قاچاق مواد مخدر فعالیت داشته و دارند به علت اینکه جز خوانین و سران طوایف بوده‌اند به مهره نظام تبدیل گشته و متأسفانه از این طرح در راستای منافع نامشروع خود استفاده می‌کنند.

به تعبیر نظریه اسلامی، منتج از نظریه ولایت فقیه به این نکته دست می‌یابیم که کسیکه ولایت امنیتی را بر عهده دارد می‌بایست دارای دو ویژگی اثبات دینی و مقبولیت مردمی باشد. نکته مدنظر در این کتاب اینجاست که آیا افراد منتخب جهت تأمین امنیت آیا این دو ویژگی را دارند. بر فرض تحقق ویژگی دوم (مقبولیت مردمی) آیا اثبات دینی آنها ولو حداقل در بُعد اخلاقی - رفتاری تحقق پیدا کرده است؟

از طرفی در گفتمان اسلامی به جهت آنکه «قدرت» امنیت‌ساز بوده و نه امنیت‌سوز، می‌بایست اخلاقی و معنوی باشد. معنوی شدن قدرت، آن را از اصول اجبارآمیز پالایش کرده، به جذابیت و مقبولیت آن می‌افزاید به گونه‌ای که موضوع «پذیرش» تا تحمیل قرار خواهد گرفت. در این زمینه عملکرد سردار شوشتری به همایش سران طوایف جهت پذیرش قدرت نظام در منطقه از سوی طوایف منحصر شده و علاوه بر بُعد مادی و مالی قدرت (پول، تجهیزات، اسلحه و...) از طریق تحریک حسّ ملی و نیز عرق طایفه‌ای و مسئولیت در برابر طوایف، سران آن را تحریک به همکاری می‌کند. به تعبیری دیگر هیچ اماره دیگری در این زمینه مبنی بر تقید سردار شوشتری به این راهبرد در منطقه سیستان و بلوچستان وجود ندارد. شاید در توجیه این موضوع بتوان به این موضوع اشاره کرد که عمر ایشان در منطقه

کفاف اجرای این راهبرد را نمی‌داده و سردار تا زمان شهادتش به دنبال مقدمات این قضیه بوده است.

به تعبیر نظریه اسلامی، نادیده گرفتن نقش مؤثر و محوری «پاک‌دینان»- آنان که به دلیل التزام به احکام الهی منعکس‌کننده‌ی رحمت الهی و مجرای وصول نعمت‌های خدادادی به جامعه هستند- منجر به فعال شدن کانون‌های ناامنی در جامعه می‌شود که لازم است در «امنیت اجتماعی‌شده» برای آن مجال و مقامی خاص اندیشیده شود. ملاحظه نکردن نقش پاک‌دینان و افراد متدین و مقید در راهبرد سردار شوشتری یکی از اصلی‌ترین کاستی‌های این طرح می‌باشد که به نظر می‌رسد که باید از درون جامعه، افرادی مقید به قیود الهی و متشرع به عنوان مسئول انتخاب گردند که همین تقید آنان سبب قوام این طرح و پایداری امنیت در جامعه می‌گردد و ارزشها را به نیروهای‌شان منتقل می‌کنند..

### **تشابهات و تعارضات رکن امنیتی سعادت در نظریه اسلامی امنیت اجتماعی شده با عملکرد شهید شوشتری**

گفتمان اسلامی حیطة مسئولیت‌های فردی، اجتماعی و سیاسی را متحول ساخته و تلقی نوینی را ارائه می‌دهد که بر ارزش بی‌بدیل انسان دلالت دارد. به تعبیری دیگر در این موضوع، حکومت به دنبال تأمین سعادت دنیوی و اخروی مردم بوده تا از این رهگذر امنیت هم که طریقی برای رسیدن به امنیت هست را تأمین نماید.

در این موضوع، انسان و سعادت‌مندی وی دارای ارزش بوده و بنابراین پاسداشت حرمت هر فرد، بنیاد «امنیت انسانی» را شکل می‌دهد. در این زمینه سردار شوشتری حریم و حرمت هر فرد را حفظ می‌کرد و حتی به بچه‌ها احترام می‌گذاشت. از طرفی حکومت برای تأمین سعادت شهروندان باید حقوق آنها را تأمین کند. نظام سیاسی فارغ از کلیه مسئولیت‌های نژادی، زبانی، اعتقادی و ... در قبال امنیت کلیه افراد تحت حاکمیتش مسئولیت دارد. سردار شوشتری نیز مسئولیت داشته تا در راستای حفظ حریم شهروندی افراد، امنیت منطقه را حفظ کند. چنانکه نیک می‌دانیم، نبود امنیت تمامی آحاد جامعه را



.....فصل ششم: مقایسه نظریه برنامه امنیت مردم نهاد و امنیت اجتماعی شده > ۸۹

تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنانکه اگرچه گروهک تروریستی جنرالشیطان در ادعاهایش خود را حامی قوم بلوچ معرفی کرده ولی نبود امنیت بیشترین صدمه و آسیب را به همین قوم وارد کرده است. چرا که نبود امنیت سبب فرار سرمایه و هوشیاری بالای مأموران در امر قاچاق گردیده و از این حیث منبع ارتزاق مردم با خطر جدی مواجه گردیده بود. این تأثیرات در کنار کشتار عده‌ای از قوم بلوچ در کنار سردار شوشتری در پیشین سرباز، به وضوح بسیاری انسان را به این نتیجه می‌رساند که نبود امنیت خشک و تر را با هم می‌سوزاند. لذا حضور سردار شوشتری برای تأمین امنیت شهروندان بلوچ بوده است. همچنانکه ایشان توجه زیادی به مولدهای امنیت مثل معیشت داشته است.

به تعبیر نظریه اسلامی، امنیت در درجه اول ویژه تمامی شهروندان بوده و در درجه دوم ویژه آن گروه پایدار می‌باشد.

گستره امنیت در گفتمان اسلامی وسیع‌تر از نیازمندی‌های دنیوی است و تأمین نیازهای معنوی و مادی افراد را به صورت توأمان در بر می‌گیرد. به نظر می‌رسد، شهید شوشتری در راه بالا بردن معنویت، زمانی نداشته است. چرا که اگر جلوتر می‌رفت احتمالاً به فکر سعادت معنوی و اخروی مردم بلوچ سنی مذهب هم بوده است. البته ناگفته نماند مردم منطقه و جریان مکی به طرح‌های مذهبی حساسیت داشته و شاید اقدام مذهبی شهید منجر به باطل شدن تمامی زحمات دیگر ایشان می‌گردیده است. اگرچه از اشکالات عمده این طرح عدم داشتن نگاه فرهنگی به شیعیان و تقویت آنان می‌باشد که خود مبحثی دیگر را می‌طلبد. به تعبیر نظریه اسلامی، گفتمان جاهلی غایت امنیت را تأمین منفعت و سازوکار آن را تأمین اجتماعی (ایجاد رفاه و گشایش در معیشت و...) می‌داند در حالیکه نظریه اسلامی علاوه بر این مقوله بر سعادت اخروی نیز تأکید دارد. در این تصویر امنیت در گرو مشارکت جمعی، دلسوزی نسبت به سرنوشت تک‌تک آحاد جامعه از سوی دیگران و در نهایت التزام به راهبردهای مشارکت‌جویانه‌ای چون امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد.

در این تعریف سعادت در مقابل منفعت قرار می‌گیرد. نظر به عملکرد سردار شوشتری در منطقه نشان می‌دهد، ایشان دلسوزی خود را نسبت به جامعه بلوچ به سران طوایف و مسئولان منتقل کرده و از طرفی با سازوکار واگذاری امنیت به طایفه راهبرد مشارکت جویانه امر به معروف و نهی از منکر را دنبال کرده تا ارزشها و هنجارهای ناامنی ساز نظیر همکاری با گروهک‌ها را تغییر دهد.

### تشابهات و تعارضات تعهد در نظریه اسلامی و عملکرد شهید شوشتری

تعهد عامل انسجام‌بخش میان اجزای مختلف جامعه است. آنچه تعهد را از حمیت جدا می‌کند التزام، آگاهی و سلامت رفتار است که به عنوان عناصر اصلی تعهد در گفتمان اسلامی بر آنها تأکید شده است.

تعهد باید سبب التزام دینی در افراد گردد. سردار شوشتری این کار را از طریق گفت و گو و ایجاد دغدغه در سران طوایف انجام می‌داده است. چیزی که پس از ایشان به ورطه فراموشی رفت و اصلاً التزام دینی در سران طوایف شکل نگرفت که منتظر نتایج آن باشیم و این گزاره‌ها در حد شعار باقی ماند. لذا می‌توان گفت اصلاً به عنوان التزام دینی در طرح توجهی نشده است.

تعهد باید منجر به التزام عقلانی می‌شد. این التزام عقلانی می‌بایست هم به صورت شفاهی و هم به صورت رفتاری در منش متولیان امر به سران طوایف باید منتقل گردد. همچنان که گفته شد سردار شوشتری این التزام را از راه صحبت با سران طوایف منتقل می‌کرد. در زمینه رفتاری نیز از آنها در زمینه مسئولیتی که داده بود بازخواست می‌کرد. ولی بعد از ایشان این التزام عقلانی به ورطه فراموشی رفت و به زعم یکی از مسئولان اطلاعاتی سپاه هیچ بازخواستی در زمینه امنیت از سران طوایف نمی‌شد. ناگفته نماند، سردار شوشتری از طریق سران طوایف ارتباطی با اشرار و اعضای گروهکهای معاند برقرار کرده بود و این نیز منجر به مفاهمه‌ای بین نظام و اعضای نامطلوب شده بود که در ازای دریافت امان

.....فصل ششم: مقایسه نظریه برنامه امنیت مردم نهاد و امنیت اجتماعی شده > ۹۱

نامه از سوی نظام به دامن نظام برگشته و حتی در بسیاری موارد، سبب همکاری فرد گروهکی با نظام می‌شده و از این حیث نیاز مالی فرد نیز برطرف می‌شده است.

نظریه اسلامی از تعهد به عنوان عاملی دوسویه که منجر به تعامل نظام با مردم شده نام برده که در داخل به تولید سرمایه اجتماعی منجر می‌گردد. چنانکه می‌دانیم تعهد اگر با تمام لوازمش اجرایی گردد سبب تولید سرمایه اجتماعی می‌گردد چنانکه متأسفانه با اجرای این طرح بعد از شهید شوشتری آنچنان که باید به لوازم این مهم توجه نشد و این خود سبب ریزش زیاد پایگاه مردمی در بین قوم بلوچ شد. چنانکه بر بعد نرم‌افزاری تعهد تأکید نشد و فقط به این مقوله به عنوان یک معامله نامشروع نگریسته شد. در ازای همکاری سرطایفه با نظام به وی کمک مالی و اقتصادی شده و یا از کاروان قاجاق سران طوایف و سایر جرایم وی در محاکم قضایی چشم‌پوشی شده و می‌شود و این خود سبب داستان دیگری در تولید ناامنی گردیده و می‌گردد.

### ایجاد هویت مستقل در الگوی اسلامی و عملکرد شهید شوشتری

شهید شوشتری به تعبیر مصاحبه‌شوندگان دنبال برجسته کردن هویت بلوچی بود. به تعبیری دیگر، می‌خواست هویت مردم بلوچ سنی مذهب با قومیت آنها تعریف گردد تا مذهب آنها. چرا که قومیت آنها لوازمی همچون ملی‌گرایی شدید در خود دارد، در حالیکه مذهب آنها فاقد این لوازم و دربردارنده لوازم عمدتاً منفی می‌باشد که در جای خود باید بحث گردد.

البته قرآن کریم از اختلاف هم به عنوان وصفی منفی، وصفی طبیعی و هم به عنوان وصفی مثبت یاد کرده است. اختلاف جزء لاینفک اجتماع بشری است و علایق، سلیق، زبان، آداب و رسوم و... مردم را به سمت اختلاف سوق می‌دهد. اختلاف مثبت سبب رقابت مثبت، تلاش، رشد و تعالی می‌گردد. به تعبیری دیگر سردار شوشتری با اجرای این طرح رقابت بین طوایف بر سر ارتباط‌گیری با نظام و سپاه راه انداخت. این رقابت و چنددستگی به طوایف در راستای یک هدف، امنیت ساز خواهد بود.

به تعبیر نظریه اسلامی، در حالیکه اختلاف به مثابه وضعیت منفی، در یک الگو به خاطر اعتباربخشی به منافع جزئی و خُرد، شاهد تبدیل اختلافات اجتماعی به «تعارضات اجتماعی» بوده و در نتیجه امنیت جامعه حاصل نمی‌شود، مگر از طریق اعمال سیاست‌های سرکوب و شکل‌گیری یک عامل مسلط که از توان لازم برای تحت فشار قرار دادن سایر نیروهای معارض برخوردار باشد.

در این زمینه شاهد این هستیم که به خاطر برجسته‌کردن تقسیم‌بندی طوایف، شاهد اختلاف بین طوایف می‌باشیم. اگرچه بالارفتن این اختلاف دارای زمینه‌های قبلی بوده ولی ناگفته نماند طرح امنیت‌مردم‌نهاد که مبتنی بر تقسیم وظایف و تحدید اراضی حوزه استحفاظی برای طوایف می‌باشد می‌توانست با بکارگیری لوازم و ملزوماتی نظیر اخلاق‌مدار کردن سران و ... این تعصبات جاهلی گذشته را از بین ببرد. چرا که یکی از دلایل دشمن برای زیر سوال بردن این طرح، برجسته شدن اختلاف بین طوایف است. در ادامه الگوی اسلامی سخنی از امام خمینی در مورد جامعه ایمانی و جامعه جاهلی می‌آورد که در آن نزاع موضوعیت نداشته و امنیت جامعه به واسطه نفی خودخواهی‌ها و عدم مرجعیت منافع شخصی، مدیریت می‌شود. در این زمینه، سردار شوشتری با عملکرد خویش در منطقه به دنبال برجسته کردن خصوصیات ضداجنبی در قوم بلوچ و نیز ایجاد دغدغه در رابطه با محیط پیرامونی و مردم منطقه در ذهن سران طوایف بود تا ازین رهگذر هم خودخواهی و مرجعیت منافع شخصی آنها را از بین برده و هم از ظرفیت آنها در راستای ایجاد امنیت استفاده کند. البته پس از سردار شوشتری با برجسته کردن امور مالی و منافع پشت پرده این طرح برای سران طوایف، سبب دمیده شدن در روح خودخواهی سران طوایف گردید.

در زمینه ایجاد هویت مستقل، باید خاطر نشان کرد که سردار با عملکرد خویش دنبال استفاده از سران طوایف در راستای ایجاد هویت مستقل برای قوم بلوچ بود. هویتی که در سطرهای بالا به آن اشاره شد. اما پس از ایشان با قرائت سطحی از این طرح، متولیان طرح به دنبال تأمین منافع سران طوایف جهت نیل به تأمین امنیت بودند. درست نقطه مقابل خواست و هدف سردار شوشتری که به دنبال تأمین هویت مستقل، تأمین نیازهای قوم بلوچ و... از طریق سران طوایف بود.

## الگوی تعامل اجتماعی در نظریه اسلامی و عملکرد سردار شوشتری

به تعبیر نظریه امنیتی، تعامل سخت، حاوی تعامل بین دو عنصر بر سر منفعت خاصی می باشد. در قسمت‌های گذشته، گفته شد که منفعت و منفعت گرایی خود منجر به تعارض می گردد. چرا که منافع انسانها در نقاط زیادی به تعارض با یکدیگر تبدیل می گردد که از این الگو به اسم الگوی تعاملی سخت یا به تعبیر نظریه اسلامی (الگوی تعاملی جاهلی) یاد می گردد. اما الگوی تعاملی نرم که نظریه اسلامی آن را تأیید می کند حاوی تعامل بین دو عنصر، تعدیل شده و در کنار اصل «منافع» دو اصل دیگر فعال می شود که منفعت طلبی را تعدیل می کند: اولویت ارزشها که مناسبات اجتماعی بین دو عنصر را از ناحیه التزام به احکام شرعی تحت تأثیر قرار داده و عواطف و هنجارهایی که «خودخواهی» را به «دگرخواهی» تبدیل می کند. در این زمینه به تفصیل در قسمت‌های قبلی بحث شده است.

## افزایش علم در الگوی اسلامی و عملکرد سردار شوشتری

به تعبیر نظریه اسلامی، امنیت جوامع بر افزایش معرفت و آگاهی آنها استوار است. اگرچه این افزایش معرفت و آگاهی سبب افزایش توقعات و خواسته‌ها می گردد ولی پایداری امنیت با افزایش معرفت بسیار بالاتر از وقتی است که مردم در جهل قرار بگیرند. به تعبیری دیگر هرچه میزان شناخت و آگاهی جوامع افزایش یابد، امکان امنیت سازی در آن دشوارتر می شود. اما امنیت سازی در آن پایدارتر است. مخاطبان قدرت دیرتر ولی اصولی تر به پذیرش و تبعیت از قدرت می پردازند. الگوی اسلامی امنیت اجتماعی شده به آگاهی و معرفت و الگوی جاهلی بر ناآگاهی و جهل استوار است.

در گفتمان اسلامی، مبنای امنیت «آگاهی و معرفت» بوده و به همین خاطر به منابع نرم قدرت و استفاده از سیاست‌هایی چون پرورش و تربیت اجتماعی، تعمیق گرایشهای ایمانی با هدف اخلاقی کردن فضای اجتماعی و پرهیز از زور و اقبال به پذیرش و اقبال جمعی در اولویت قرار می گیرند.

در زمینه عملکرد سردار شوشتری می‌توان گفت به تعبیر سردار مرتضوی، یکی از اصول سه‌گانه سردار شوشتری، حذف و مبارزه با جهل مردم منطقه به عنوان یکی از ریشه‌ای‌ترین دلایل ناامنی در منطقه بود. در این زمینه می‌توان به تلاش ایشان جهت بالابردن سطح علمی منطقه و نیز تهیه لوازم‌التحریر دانش‌آموزان اشاره کرد. ناگفته نماند در کنار سران طوایف، سردار شوشتری کار شناسایی نخبگان درون هر طایفه را نیز انجام می‌داد تا گوشه‌ای از وظیفه امنیت‌سازی را به آنان بسپارد. ایشان همچنین در زمینه اقناع به جای اجبار گام‌های مهمی نیز برداشته بود. چرا که به تعبیر مصاحبه‌شوندگان به استراتژی محبت به جای گلوله معتقد بود و با محبت کردن به مردم و تمهید سازوکارهایی جهت حل مسئله معیشت آنها، به دنبال این بود تا خودشان به این نتیجه برسند که در راه دفاع از نظام ایثار و فداکاری کنند. البته در این زمینه از تمهید سازوکارهای سخت‌افزارانه غافل نبوده است.

### **الگوی انحصار امنیت در دست دولت یا واگذاری آن به جامعه در نظریه اسلامی و عملکرد سردار شوشتری**

اندیشه‌گرانی قائل به مرجعیت قدرت سیاسی در تأمین امنیت هستند. در مقابل اندیشه‌گرانی قائل به مرجعیت جامعه در تأمین امنیت هستند. اگر چه در عالم واقعی ترکیبی از این دو اتفاق می‌افتد ولی دولت‌گرایان معتقدند که امنیت‌سازی شأن انحصاری دولت است (اندیشه‌گران دیدگاه اول) در مقابل جامعه‌گرایان بلوغ اجتماعی را عامل واگذاری تأمین امنیت به نهادهای اجتماعی می‌دانند. منطق عمومی اسلام مؤید دیدگاه دوم بوده و از نقش فعال جامعه در تعریف و تأمین امنیت حکایت دارد.

در یک تقسیم‌بندی کلان و از حیث منطقی می‌توان سه نقش اصلی برای اجتماع در امنیت‌سازی تصویر کرد که عبارتند از:

۱. اجتماع به مثابه کانون امنیت (نقش کانونی)
۲. اجتماع به مثابه زمینه امنیت (نقش زمینه‌ای)
۳. اجتماع به مثابه محور امنیت (نقش محوری)

در نقش اول صرفاً جامعه نقش مخاطب و مرجع پیامهای امنیتی را دارد.

در نقش دوم اجتماع ابزاری جهت امنیت‌سازی تصویر می‌گردد و موظف به تبعیت از اجبار قدرت و یا نفوذ گروه‌های مرجعی است که نقش مسلط یافته‌اند.

در نقش سوم در میانه این دو تغییر افراطی و تفریطی در دو نقش قبلی، مدعی ترکیب «مردم، قدرت و گروه‌های مرجع صاحب نفوذ» در امنیت‌سازی است.

عملکرد سردار شوشتری با اندکی جرح و تعدیل مؤید نقش سوم برای جامعه می‌باشد. ولی همه می‌دانیم جامعه نیز باید به صورت هدایت شده به اهداف الهی نزدیک گردد. جامعه در فضای خلأ رشد نمی‌کند که انتظار داشته باشیم در راه اهداف نظام الهی گام برداشته، بلکه جامعه ایرانی به علت ضدیت انقلاب اسلامی با نظام سلطه همواره مورد توجه نظام سلطه جهت ابزاری جهت استحاله نظام بوده است، لذا متولیان امر می‌بایست در راه زمینه‌سازی تمایل به خیر و معروف و دوری از شر با ابزارهای توأم نرم و سخت گام بردارند. در این زمینه می‌توان گفت سردار شوشتری مدل اسلامی ارائه شده توسط دکتر افتخاری را کامل می‌کند، چرا که ایشان اگرچه نقش سوم را قبول داشت ولی به دنبال این بود که پیام انقلاب در ذهن و قلب مردم منطقه و سران طوایف جای گیرد تا از این نظر آنچه را که انقلاب الهی به دنبال آنست بخواهند. از این منظر ایشان از ابزارهای عمدتاً نرم زیادی استفاده نمود.

عملکرد سردار شوشتری در زمینه امنیت‌سازی معرف دیدگاه دوم است و ایشان اعتقاد داشته است که خود مردم باید به این نتیجه برسند که به دنبال امنیت‌سازی باشند و امنیت جامعه را خودشان تأمین کنند.

عمده جوامع پیشرفته نیز به این الگو تمایل دارند. سردار شوشتری نیز معتقد بود امنیت برخاسته از مردم پایدار بوده و این نوع امنیت، علاج ناامنی منطقه می‌باشد. به جای گلوله باید هزینه را خرج امور اقتصادی و فرهنگی نمود. امنیت باید به زندگی مردم بومی گره

بخورد تا آنها وادار به هزینه کرد در راه امنیت شده و در نتیجه امنیت را تأمین نمایند. اینها گوشه‌ای از اعتقادات سردار بوده است.

### امر به معروف و نهی از منکر در الگوی اسلامی و عملکرد سردار شوشتری

بنا بر نظریه اسلامی امنیت، زوال امت‌ها و گرفتار شدن ایشان در هلاکت و بدبختی، به فراموش شدن وظیفه عمومی امر به معروف و نهی از منکر نزد «امت» برمی‌گردد. به تعبیر این نظریه مصداق امر به معروف و نهی از منکر بسته به مصادیق خاصی نبوده و هر امر ناشایست بنا به عرف و ساخت هر جامعه‌ای باید نهی شود. با نگرشی کوتاه به سیستم طایفه‌مداری و تأکید سردار شوشتری بر برجسته‌شدن این سیستم به جای سیستم مولوی‌مداری به شباهت آن با سیستم کنترل محله‌ای در نظریات علوم اجتماعی می‌رسیم. سیستم کنترل محله‌ای می‌گوید در محله‌ها افراد آن جرم مرتکب نمی‌شوند. چرا که شناخت افراد محله از هم سبب می‌شود در حضور آنان از هر کاری که به حیثیت خانواده آنان لطمه بزند بر حذر باشند. سیستم طایفه‌مداری نیز سبب شده تا افراد در مقابل طوایف دیگر و نیز در درون طایفه خود جرمی مرتکب نشوند تا از این جهت مورد شماتت افراد طایفه خود یا طایفه دیگر قرار گیرند. سردار شوشتری با اجرای طرح طایفه‌مداری به دنبال این مهم در جامعه بود تا افراد به سمت کارهای ناامنی نرفته، چرا که خانواده یا طایفه آنها رسوا می‌گردند.

از طرفی سردار شوشتری به دنبال تغییر هنجارها و ارزشهای سیستم طایفه‌ای بوده است تا همکاری با اشرار و ایجاد ناامنی ضدارزش و ضدهنجار تلقی گردد. از طرفی در نظریه اسلامی، انس با گناهکاران، نوعی منکر و همکاری با گناهکار تلقی می‌گردد و از آسیبهای منکر نیز سایر افراد جامعه که در مقابل منکر عکس‌العملی نشان نمی‌دهند ضربه می‌بینند. چنانکه سردار شوشتری نیز با رایزنی با سران طوایف، آنها را متقاعد می‌کرد تا ضمن شناسایی اشرار طایفه خود، آنها را ارشاد کرده و مقدمات و زمینه‌های حذف آنها را از گروهک یا کارهای نامطلوب به وجود آورند. چرا که این تذکر را به طوایف داده بود که در



.....فصل ششم: مقایسه نظریه برنامه امنیت مردم نهاد و امنیت اجتماعی شده > ۹۷

صورتی که اعضای گروه‌ها در منطقه‌ای حضور داشته باشند، ساکنین دیگر منطقه نیز به علت پناه دادن به آنها از اقدامات سخت نظام مصون نخواهند بود. منطق قرآنی بر این استوار است که راهبرد مذکور، بر شکل‌گیری یک هویت اجتماعی دلالت دارد که در آن افراد نسبت به سرنوشت یکدیگر حساس باشند. حساسیتی که مبنایش اینست که سرنوشت تمام ما با یکدیگر گره خورده است. در این صورت است که هلاکت و یا نجات یک فرد در ارتباط با رستگاری و نجات کل جامعه دانسته می‌شود. این عالی‌ترین نوع تلقی از امنیت اجتماعی شده ارزیابی می‌شود که بر بنیاد مفهوم «هویت مشترک جمعی» قابل فهم می‌باشد. نگرشی بر عملکرد سردار شوشتری نیز، نگارنده را به این قضیه می‌رساند که نعل به نعل سردار شوشتری در منطقه سیستان و بلوچستان چنین راهبردی را در نظر داشته است. راهبردی که بعد از شهادت ایشان، رفته رفته فراموش گشت. از طرفی هویت مشترک جمعی، متضمن مسئولیت‌پذیری عمومی می‌باشد. چنانکه سردار شوشتری نیز در گام اول با واگذاری امنیت به طوایف، آنها را نسبت به تأمین امنیت مسئولیت‌پذیر نمود. چنانکه با واگذاری امنیت به هر طایفه، آنها در قبال تأمین امنیت و جلوگیری از ایجاد آسیب و تهدید از سوی تک افراد طایفه خود برای نظام یا سایر افراد مسئول می‌باشند و بایستی زمینه‌های میل به ایجاد ناامنی را در وجود افراد طایفه خود از بین ببرند. از جمله مصادیق موفقیت در این زمینه می‌توان به گفتگوی بین معدوم عبدالمالک ریگی و پدرزنش اشاره کرد که منبعث از راهبردهای سردار شوشتری نه تنها از عبدالمالک جدا شده بود بلکه به وی توصیه و سفارش می‌کرد تا از شرارت و ناامنی دست بردارد که این باعث جدل لفظی بین آنها و قطع ارتباط پدرزن عبدالمالک با وی شده بود.

در پایان، نظریه اسلامی مدعی اینست که امنیت اجتماعی شده از ناحیه مشارکت جمعی کلیه افراد و نهادهای اجتماعی حاصل شده و کاهش قلمرو امر به معروف و نهی از منکر عملی و محتوای فرضیه (کاهش حساسیت جمعی به ارزش آن) می‌تواند مولد تکوین و خیزش پدیده‌های ناامنی ساز در جامعه - تا حد هلاکت و نابودی آن - باشد.

نظریه امنیت بر وجود ۲ نوع اجتماع تأکید دارد:

اجتماع ارگانیک و اجتماع مکانیکی.

اجتماع ارگانیک ساخت روابط و مناسبات بین فردی را مبتنی بر «دغدغه نسبت به سرنوشت دیگران»، «وابستگی جمعی از حیث رستگاری یا زوال اجتماعی» و در نهایت «مسئولیت فرد بنیاد» برای اصلاح امور می‌داند. در حالیکه اجتماع مکانیکی صرفاً عدم دخالت را در حوزه شخصی دیگران مبنای ساخت روابط و مناسبات بین فردی می‌داند.

اجتماع ارگانیک در اسلام بر نظریه امر به معروف و نهی از منکر استوار می‌باشد. با توجه به عملکرد سردار شوشتری همچنانکه قبلاً گفته شد این ابتدا کاملاً با عملکرد و مدل ذهنی ایشان تطابق دارد.

به تعبیر نظریه اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر سه سطح دارد:

۱. عرف
۲. مسئولیت جمعی
۳. رسالت نخبگان

عُرف واژه‌ای مهم و محوری در حوزه جامعه‌شناسی و به تبع آن امنیت می‌باشد. دو عنصر اصلی در عُرف لحاظ شده که عبارتند از: عنصری مادی که بر تکرار پیوسته مقوله و عنصری معنوی که بر پذیرش عمومی آن اقدام از سوی جامعه دلالت دارد. عرفها می‌توانند خوب یا بد و از حیث هنجاری مثبت و یا منفی باشند. اما تلقی عمومی از آنها مثبت است و برای همین تأثیرات عُرف را می‌پذیرند.

بنای امنیت در جوامع منوط به آنست که معنای مسئولیت جمعی اصلاح شود و از «هلاکت جمعی» به «رستگاری جمعی» تغییر یابد. در این صورت خواهد بود که بنای نظم عمومی بر پایه ارزشها ممکن می‌گردد.

در سومین سطح امنیت بر دوش نخبگان و آگاهان سپرده شده تا وظایف دو سطح قبلی توسط این افراد انجام گردد.

با توجه به مدل عملکردی سردار شوشتری در منطقه، چنین به نظر می‌رسد که ایشان از مجرای سران طوایف به دنبال تغییر هنجارها و ارزشها(عُرف) جامعه به سمت خوبی و نیکی و معروف بوده تا ارزشهای امنیت سازی چون احساس تعهد و مسئولیت جمعی نسبت به امنیت منطقه و اصلاح اشرار منطقه، کانون توجه قرار گیرد و هر حرکت امنیت سوزی توسط عُرف محکوم گردد. با نگاه به خلاصه وضعیتی از عملکرد سردار، می‌توان به این نتیجه رسید که هر ۳ سطح راهبرد امر به معروف و نهی از منکر یعنی عُرف و عُرف‌سازی، مسئولیت جمعی و رسالت نخبگان در این حرکت دیده شده است. چنانکه در مدل عملکردی ایشان دیده می‌شود و در مدل اسلامی نیز گفته شده، نخبگان جامعه باید دوسطح دیگر را پوشش دهند و سردار شوشتری نیز از این نخبگان در راستای این دو مهم امنیت‌ساز استفاده می‌کرده است.

### اطمینان در مقابل صیانت در مدل اسلامی و عملکرد سردار شوشتری

امنیت اجتماعی شده محصول شکل‌گیری و تقویت «احساس امنیت خاطر در جامعه» تا تمهید سازوکارهای سخت‌افزارانه صرف برای «صیانت» از جامعه است. مطالعه دقیق عملکرد سردار شوشتری نشان می‌دهد، وی دنبال فراهم آوردن مقدمات این راهبرد بوده و از طرفی نیز به دنبال فراهم آوردن سازوکارهای نرم‌افزارانه برای صیانت از جامعه بوده است. احساس امنیت خاطر بدون توجه به مقدمه و زمینه آن به دست نمی‌آید. زمینه این احساس، شکل‌گیری هویت جمعی برای امنیت‌سازی می‌باشد که سردار شوشتری علاوه بر فراهم آوردن زمینه‌های میل به معروف در جامعه به دنبال این بوده است.

## پیام‌های تولیدی در مدل اسلامی و عملکرد سردار شوشتری

بر مبنای مدل پیام‌های جامعه‌محور در مدل اسلامی امنیت اجتماعی شده می‌توان گفت امنیت‌سازی تابع سه جریان و متفاوت از الگوهای پیشین است.

جریان اول که از ناحیه هر سه کانون اصلی (قدرت، گروه‌های اجتماعی و توده مردم) پدید آمده و آنها را خطاب قرار می‌دهد.

جریان دوم که به صورت همزمان و در داخل ساخت سیاسی- اجتماعی جامعه شکل گرفته و سه پدیده مهم (واگذاری قدرت از سوی صاحبان قبلی آن به متولیان جدید، تحوّل بینش اجتماعی از طریق تغییر ساخت اجتماعی و تحول نخبگان و بالاخره التزام عمومی جامعه از طریق پذیرش پیام و اطاعت از آن) را در پی دارد.

جریان سوم که دلالت بر تعامل سه کانون مذکور و شکل‌گیری مسئولیت جمعی در تحقق امنیت جامعه را دارد. در این الگو هیچ یک از بخش‌های اجتماع حذف نشده و پیام همه عناصر آن به صورت مستقیم مورد خطاب واقع می‌سازد.

نگاه به عملکرد سردار شوشتری، نیز مؤید اینست که ایشان مدل بالا را به درستی انجام داده است.

چرا که ایشان با ارتباط با گروه‌های اجتماعی متفاوت نظیر اشرار، سران طوایف، مولوی‌ها در جهت بازخوانی پیام‌های آنان در مدل خود برآمده و از طرفی دیگر نیز پیام نظام را با این رفت و آمد بین مردم و از طریق گفتار و رفتار خود منتقل کرده است. چرا که گفته شده ایشان، حساب گسترده‌ای در خصوص رفت و آمد بین مردم داشته است. با انتقال پیام نظام به نخبگان جامعه و از طریق سازوکارهای گوناگون روانی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی، مدیریتی و ... در پی ایجاد تحوّل در نخبگان برآمده و از طرفی با بسترسازی در جامعه به دنبال پذیرش پیام انقلاب در دل‌های مردم بوده است. این رفت و آمد بین مردم ابزاری جهت پذیرش مسئولیت اجتماعی امنیت‌سازی بوده است.

## تشابهات بازیگر مسلمان در نظریه امنیتی با شخصیت سردار شوشتری

بنا بر نظریه اسلامی ۴ محور اصلی، سبب به وجود آمدن و تقویت این شبکه ارتباطی می‌گردد: پیشه نمودن طاعت الهی، انجام امور خیر و معنوی، خشوع و تضرع در صورت فعال شدن شبکه ارتباطی انسان - خدا، بازیگر مسلمان حداقل از ۵ ناحیه مورد تأییدات الهی قرار می‌گیرد:

۱. تلاشهایش ثمربخش می‌شود.
۲. توانمندی‌اش دو چندان می‌شود.
۳. تهدیداتش به واسطه رحمت و حمایت الهی، کاهش می‌یابد.
۴. فرصتهایش از ناحیه لطف الهی افزون می‌شود. (یعنی حتی سختی‌ها و معایبش متضمن فرصت خواهد بود).
۵. مسائل لاینحل او حل می‌شود.

از اماره‌های فعال شدن شبکه ارتباطی انسان - خدا، توکل انسان به خدا می‌باشد که قدرت انسان را مضاعف می‌کند. بنا بر اظهارات مصاحبه‌شوندگان شهید شوشتری دارای رابطه خاصی با خدا بوده است. وی دارای خلوص فراوان، توکل زیاد و اهل عمل صالح و اطاعت از فرمان الهی بوده است که همین خصوصیات سبب این شده که نتایج بالا در کار وی پدیدار گشته و بین وی و سایر رزمندگان و مومنان، الفت قوی شکل بگیرد. از طرفی بنا بر آنچه این نظریه از آیات قرآن استنباط می‌کند هر چه تعداد مؤمنان واقعی افزایش یابد، ضریب ایمنی نیز زیاده‌تر می‌گردد، میتوان گفت سردار شوشتری هم دنبال کمیّت و هم کیفیت در نیروها بوده است. به طوری که منطقه به منطقه از سوی وی شناسایی شده و نیروهایی که به کار انقلاب می‌آمدند شناسایی گشته و بکارگیری می‌شدند. البته ناگفته نماند یکی از موارد نقص در مدل سردار شوشتری نیز این بوده که سردار شوشتری در زمینه سران طوایف نیز باید دنبال ازدیاد ایمان آنها بوده تا اثرگذاری آنها در منطقه افزایش یابد که متأسفانه طرحی در این زمینه دیده

نمی‌شود. شخصیت شهید شوشتری و ایمان قوی وی سبب نفوذ وی در اذهان و قلوب آحاد مردمی بوده که ایشان را از نزدیک درک کرده‌اند.

## ابتنای امنیت اجتماعی شده بر رضایت تا تحمل اجتماعی در مدل اسلامی و عملکرد سردار شوشتری

در بحث امنیت، می‌توان از نحوه مدیریت «مقاومت اجتماعی» به عنوان یک شاخص معنادار برای تمییز «امنیت اجتماعی شده» از غیر آن استفاده کرد. الگوهایی که قائل به حل مشکل از طریق اجرای سیاست‌های سخت‌افزاری نظیر سرکوب و یا اجبار هستند، قائل به نظریه‌های غیراجتماعی امنیت می‌باشند. ولی اندیشه‌ورزانی که از راهکارهای نرم افزارانه‌ای چون توسعه مشارکت مدنی در طراحی شرایط و موقعیت‌های جدید بهره می‌برند، پیرو الگوی امنیت اجتماعی شده به شمار می‌آیند.

معنای این تفکیک آنست که امنیت در هر جامعه‌ای از دو روش قابل تحصیل است:

روش اول. تولید رضایت اجتماعی

روش دوم. ایجاد تحمل اجتماعی

تحمل بر وضعیتی اشاره دارد که در آن به رغم نپذیرفتن شرایط تازه و نارضایتی از آن، افراد و گروههای اجتماعی بنا به دلایل متفاوتی چون ترس، اضطراب، ناچاری سیاسی و... شرایط موجود را تحمل نموده و از واکنش اعتراض آمیزی که تضعیف کننده امنیت جامعه باشد، احتراز می‌جویند.

رضایت اجتماعی وضعیتی را ترسیم می‌کند که در آن به دلیل توجه به خواسته‌های افراد و گروههای اجتماعی، مشارکت مؤثر جامعه در شکل‌گیری تأسیسات جدید و بالآخره تعریف سازوکارهای بازخوردی فعال که امکان اصلاح سیستم را طی فعالیت آن می‌دهد؛ شاهد پذیرش عمومی و فراگیر نظم حاکم از سوی جامعه می‌باشیم. این وضعیت منجر به بالا رفتن

..... فصل ششم: مقایسه نظریه برنامه امنیت مردم نهاد و امنیت اجتماعی شده > ۱۰۳

سرمایه اجتماعی نظام می‌گردد که معنای امنیتی آن «حمایت مؤثر جامعه از ساخت رسمی و تأسیسات حقوقی در جامعه» است.

نگاه اسلام بنا بر نظریه پرداز مدل اسلامی امنیت، بر نگاه تأمین رضایت اجتماعی می‌باشد تا ایجاد تحمّل اجتماعی

روح غالب بر عملکرد سردار شوشتری در منطقه، حاکی از نگاه ایشان بر تأمین رضایت اجتماعی می‌باشد تا ایجاد تحمل اجتماعی. چنانکه در فصل ۴ نیز گفته شده از طریق ایجاد سازوکارهای متفاوت مشارکت مردم در تصمیم‌گیریها، واگذاری امنیت به خود مردم، اشتغال زایی و درآمدافزایی، حل مشکلات معیشتی مردم و... دنبال ایجاد رضایت اجتماعی جهت بالا بردن حمایت مردمی از نظام (تأمین سرمایه اجتماعی) می‌باشد. اگرچه نقصان این قسمت در عملکرد سردار می‌توان به عدم پیگیری و ادامه نگاه ایشان بعد از شهادت او اشاره کرد که سبب شد تا به مقوله امنیت استان به دید سطحی و عارضه‌یابی نگریسته شود تا ریشه‌یابی. چرا که بعد از ایشان، راه علاج ناامنی در برجسته کردن بُعد نظامی در طرح امنیت مردم‌نهاد دیده شد. حال آنکه زیربنای این طرح در نگاه سردار شوشتری، ابتدای مقوله نرم بر سایر مقولات و ارجحیت آن بود. این نگاه سطحی به امنیت سبب شد تا از اقدامات نظام ایجاد و تقویت تحمّل اجتماعی استنباط گردد و این سبب ناپایداری امنیت شده و دیگر نمی‌توان اسم طرح امنیت پایدار را بر روی آن گذاشت.

چنانکه رادنیزکی در کتاب سیستمهای اجتماعی قوی بر این نکته تصریح می‌کند که ۲ نوع نظم در هر جامعه‌ای قابل تعریف است: نظمی که از درون جامعه نشأت گرفته و در نتیجه این نوع نظم تمامی پدیده‌ها را در چارچوب منافع و شرایط داخلی فهم، تحلیل و تجویز می‌کند و نظمی دیگر که نظمی خارجی بوده و بازیگران بیرونی آن را به جامعه تحمیل می‌کنند. این نوع نظم سبب شده تا حتی پدیده‌های داخلی سیستم نیز در چارچوب «شرایط و منافع خارجی» فهم شوند.

چنانکه دیده میشود، نظم برآمده از بیرون سبب موضع‌گیری و تقابل شده و ناپایدار نمی‌باشد و حتی ممکن است نتیجه عکس دهد. در حالیکه نظم برآمده از درون سبب شده تمامی پدیده‌ها متناسب به اینکه آیا این نظم به هم می‌خورد یا خیر تعریف شوند. به تعبیری دیگر سردار شوشتری به دنبال این بود که فهم مردم منطقه به این برسد که امنیت به تمامی زندگی و مناسبات اجتماعی آنها گره‌خورده و خود در پی ایجاد نظم برآیند. این سبب می‌گردد تا هرگونه ناامنی از درون ناحیه خود مردم سرکوب گردد، چراکه مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مردم را به هم می‌زند. این نظم بوجودآمده بسیار پایدارتر از نظم ناشی از فشار حاکمیت خواهد بود و هیچ تقابلی را از درون لایه‌های اجتماعی به دنبال ندارد. از طرفی سردار شوشتری به دنبال این بود که قابلیت و توانایی جامعه را در زمینه امنیت‌سازی گسترش دهد تا خودشان درگیر ناامنی گردند. مسلماً این نگاه آسیب‌های ناشی از حضور نیروی نظامی غیربومی در منطقه را ندارد. به تعبیر نظریه اسلامی امنیت اجتماعی‌شده، این نوع امنیت، محصول تعامل دولت-جامعه بوده و تأسیس نظام‌های جدید اجتماعی را در پی دارد. مسلماً سردار شوشتری نیز به دنبال تأسیس و تقویت نظام اجتماعی طایفه مدار در این منطقه بوده تا حداقل گسست مذهبی به وجود آمده را تقلیل دهد.

### شباهت‌ها و تفاوت‌های نگاه سردار شوشتری به ریشه‌های امنیت/ ناامنی با نظریه اسلامی

نظریه اسلامی در مقام تحلیل، بر اولویت مطلق شناخت ریشه‌های فرهنگی-اجتماعی بجای شناخت ریشه‌های مادی-ساختاری تأکید دارد. هم‌چنانکه بر اولویت نسبی کنترل مؤلفه‌های مادی بر مؤلفه‌های ذهنی-اداراکی-احساسی در مقام مدیریت امنیت تأکید می‌کند.

نگاه به سیره سردار شوشتری در منطقه، نشان می‌دهد ایشان پس از شناسایی گسترده محیطی به این نتیجه می‌رسد که سه مشکل عمده و ناامنی‌ساز منطقه عبارتند از: جهل، حس تبعیض و بی‌عدالتی و فقر. این سه مورد ریشه‌های ناامنی را در نگرش سردار به منطقه تشکیل می‌دهند. اما در مقام مدیریت امنیت استان در کنار کارهای عمدتاً اقتصادی-



..... فصل ششم: مقایسه نظریه برنامه امنیت مردم نهاد و امنیت اجتماعی شده > ۱۰۵

فرهنگی به نتایج عینی امنیت/ ناامنی نظیر جذب گروهک‌ها، انتحاری و... نگاهی دارد. به تعبیری دیگر، ایشان در مقام مدیریت امنیت و تجویز بر کارهای مادی و ملموس تأکید گسترده و خیلی بالایی بر کارهای ذهنی- قلبی و... داشته است.

## شباهت‌ها و تفاوت‌های نظریه تربیت امنیتی در نظریه اسلامی امنیت و عملکرد سردار

نظریه اسلامی تربیت حداقل در سه سطح فضای فردی را تحت تأثیر قرار داده که نتیجه آن ظهور انسانی مقید و متعادل برای ورود به فضای حیات جمعی است. از این سه سطح با ارزش امنیتی مثبت یاد می‌شود:

۱. تربیت نفس
۲. اصلاح قلب
۳. کمال عقل

بنا بر نظریه تربیت این سه مورد به وسیله شاخص‌های اخلاق و تقوا احراز می‌گردد. تقوا نیز با ایجاد نقش منع از معاصی، ترویج احتیاط‌ورزی و انجام امور خیر کارکرد مثبتی در زمینه امنیتی دارد. همچنانکه اخلاق منجر به کاهش زمینه تعارض اجتماعی، ایفای مسئولیت اجتماعی و سلامت رفتار اجتماعی گردیده و از این طریق زمینه کاهش تعارض و افزایش امنیت جامعه را تضمین می‌کند. با توجه به وضعیت منطقه، گروهک‌های تروریستی از افراد فاقد این دو خصوصیت (تقوا و اخلاق) در عملیتهای تروریستی خود در منطقه استفاده کرده و البته جهت توجیه این عملیات‌ها، در ذهن آن افراد و در راستای عملیات روانی، رنگ و لعاب مذهبی به آنها می‌دهند. با توجه به عملکرد سردار شوشتری در منطقه می‌توان گفت به عللی ایشان در این زمینه ورود چندانی نکرده است. به تعبیر نظریه اسلامی، حاکمیت می‌بایست جهت ایمن ساختن جامعه به سمت تربیت افراد با این ویژگی‌ها بپردازد. با توجه به تفاوت مذهبی حاکمیت و سردار شوشتری با جامعه هدف، این راهبرد باید با حساسیت

زیادی دنبال می‌گشت. اماره‌های اندکی در زمینه تربیت انسان متقی با توجه به این حساسیت و زمان اندک حضور ایشان در منطقه دیده می‌شود.

### سازوکارهای کنترل و نظارتی و عملکرد سردار شوشتری

از دیگر اشکالات ناظر به این مدل در این بخش، نبود نظارت کافی بر عملکرد متولیان و مجریان امنیتی طرح سردار شوشتری می‌باشد. چنانکه اگر ایشان در مدت زنده بودن خود، سازوکاری برای این نظارت می‌دید این مدل کمتر دچار اشکالات امروزی می‌گشت.

از طرفی دیگر، شورایی می‌بایست بر اجرای کلی این طرح نظارت می‌نمود تا از انحراف‌های کنونی آن که به وضوح دیده می‌شود و در رأس آن نظامی کردن این طرح می‌باشد جلوگیری می‌شد. اما از آنجا که این طرح نیز مانند بسیاری از طرح‌های نظام، قائم به شخص بوده و اصول، قواعد، هنجارها، راهبردها و سیاست‌های کلی برای آن تعریف نشده بود، به انحراف کشیده شد.

به تعبیر کلی‌تر اشکال عمده این طرح، عدم نظارت بر عملکرد متولیان پاسدار و بسیجی (سران طوایف) و نیز عملکرد کلی و سیاست‌های حاکم بر این طرح می‌باشد. چنانکه سیستم تشویق و تنبیه در این مدل معنای خاصی ندارد.

چنانکه در مدل اسلامی به این نکته تصریح شده که نظارت بین تکلیف و امنیت اجتماعی شده پیوند برقرار نموده و در اصل باید بین حق و تکلیف پیوند برقرار نمود. نبود نظارت‌های بیرونی و درونی (خودکنترلی، اخلاقی کردن سران و...) سبب شده تا این طرح از اهداف اصلی خود که در رأس آن امنیت مردم‌نهاد پایدار بوده دور شده و به مدلهای تحمل اجتماعی چنانکه در قبل توضیح داده شد نزدیک گردد. از طرفی میزان سلامت طرح تا حدی به سلامت مجریان بستگی دارد. نبود سازوکار پایش مجریان سبب شده تا این طرح نیز مانند بسیاری از طرح‌های دیگر، به قشر سطحی امنیت دلخوش شده و از درون تمام بسته امنیتی سردار، به طرح‌های نظامی - اطلاعاتی می‌پردازد. در حالی که مدلهای صرف

..... فصل ششم: مقایسه نظریه برنامه امنیت مردم نهاد و امنیت اجتماعی شده > ۱۰۷

نظامی برای امنیت استان، مدل‌های ناکارآمدی است که آزمون خود را مدتها قبل پس داده و در برخی موارد به امنیت سوزی پرداخته است.

در کنار این نظارت که بیشتر بر نظارت متولیان طرح پرداخته، مدل اسلامی بر ارزش دیگری به نام کنترل تأکید کرده که باعث شده تا منفعت طرح شده، از حیث محتوا سالم باشد نه فاسد. به تعبیر طبرسی، کنترل دلالت بر آن دارد که در صورت بروز تعارض بین منافع مورد طلب مردم با مصالح دینی، آنچه رسول خدا (ص) بیان می‌دارد، اولویت و اعتبار دارد.

چنانکه مشاهده می‌گردد مدل اسلامی دو سازوکار جهت جلوگیری از انحراف طرح بیان می‌دارد که اولی (نظارت) بر عملکرد متولیان و مجریان نظارت کرده تا بین حق و تکلیف تعادل بوجود آمده و متولیان از حقوق و تکالیف تعدی نکنند و دیگری (کنترل) بر اصول، سیاستها و راهبردهای کلی طرح نظارت کرده تا بسته مدّ نظر سردار شوشتری عملیاتی گردد نه اینکه به دلیل روحیه خاصّ فرماندهان نیروی زمینی سپاه که عمدتاً گرایش شدیدی به کارهای عملیاتی نظامی دارند، این کارها در صدر اولویت قرار گرفته و زیربنای کارهای دیگر محسوب گردد. نبود و عدم نگرش سردار شهید به تعبیه این دو سازوکار در سیستم عملکردی این طرح، باعث شد تا فرماندهان بعدی قرارگاه قدس نیروی زمینی، همچنان که گفت شد به کارهای نظامی پرداخته و از زیربنا قرار دادن کارهای نرم نظیر اقتصادی، مردم‌یاری، فرهنگی و از همه مهم‌تر، ارتباط با مردم، دست برداشته و علی‌رغم اسم این طرح، این مدل بعدی سبب ناپایدار بودن امنیت می‌گردد. به زعم سرهنگ اکبری، قبل از حضور سپاه در منطقه، قرارگاهی با نام مقدّس رسول اکرم(ص) در منطقه حضور داشت که بیشترین نیروی نظامی از بدو انقلاب تاکنون در اختیار وی بود. تأکید بالا بر کار نظامی سبب شده بود تا حتی حرکت‌های نظامی در برخی موارد تأثیر عکس بر روی امنیت و مردم منطقه بدهد. چه واگذاری امنیت به سپاه، به این دلیل بود که سپاه دید بازتری نسبت به تأمین امنیت منطقه داشته و ارگانی مردمی محسوب می‌گردد. متأسفانه بعد از شهادت

سردار، به کارهای اقتصادی، فرهنگی، مردم‌یاری و... به دید فرمایشی و تبلیغاتی نگریده شد و عملاً این کارها از صدر اولویت سپاه خارج شد.

از طرفی متأسفانه تعبیه نکردن سیستم پایش و بازخوردگیری در سیستم این طرح سبب شد تا فرصتهای زیادی مانند ابر بگذرد. این سیستم می‌بایست تمامی فرصتها، تهدیدات، نقاط ضعف و قوت سازمان موجود در منطقه را در سطوح فردی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی رصد کرده و برای هر یک راه‌حل و فاکتوری پیشنهاد دهد. متأسفانه نبود این سیستم سبب نگاه فله‌ای به امنیت منطقه شده و فرصتهایی نظیر برجسته‌کردن مولوی‌های همسو با نظام و نیز مولوی‌های فرصت‌طلب در مقابله با مولوی‌های غیرهمسو و ضدنظام را از دست دهیم. از طرفی نبود این سازوکار، سبب نادیده گرفتن نقش ضدامنیتی جماعت تبلیغی در منطقه گشته و چاره‌ای برای کنترل و مهار آن اندیشیده و اجرا نشده است. متأسفانه این سیستم ضدامنیتی تبدیل به سرپل گروه‌های تروریستی و تکفیری جهت شناسایی، جذب و اعزام نیرو شده و در یکی از عملیاتها، اصلی‌ترین مهره پیاده‌سازی امنیت مردم‌نهاد پایدار در استان، یعنی سردار شوشتری توسط اعضای سیستم ضدامنیتی به ظاهر تبلیغی - مذهبی جماعت تبلیغی به شهادت رسید.

از دیگر اماره‌های نبود این سازوکارها می‌توان به طرح بانک انصار وابسته به سپاه پاسداران مربوط به اعطای تسهیلات به اهل تسنن با ارائه معرفی‌نامه از سوی مولوی عبدالحمید اسماعیل‌زهی اشاره کرد. درست نقطه مقابل طرح سردار شوشتری در کاهش نفوذ مولوی‌ها، متأسفانه عده‌ای در صدد احیای مجدد مولویها هستند.

## سخن پایانی

### دلالت‌هایی برای سیاستگذاران، مدیران و کارگزاران

در این بخش می‌بایست ویژه مدیران، سیاستگذاران و کارگزاران راهنمایی‌هایی صورت پذیرد تا به حول قوه الهی در آینده مدنظر قرار گیرد:

۱) مرجعیت مذهب در جامعه اهل سنت به عللی افزایش یافته و سازمان مذهب، رتبه نخست در بین سایر سازمانها را شامل می‌شود. لذا به نظر می‌رسد جهت نیل به اهداف مطلوب در باب امنیت‌سازی، مهندسی مطلوب سازمان مذهبی تأثیرگذارتر از سایر راهکارهاست. ضمن آنکه نباید این سازمان را تضعیف یا از بین برد. تضعیف سازمان مذهب، تجربه ای تلخ در کردستان بود که منجر به جولان گروه‌های تکفیری در این خطه از سرزمین ایران شد. لذا می‌بایست این سازمان را حفظ کرد و با تدابیر مناسب آن را به سمت نظام چه از لحاظ اعتقادی و چه از لحاظ سیاسی سوق داد. از بین بردن سازمان مذهب در منطقه، منجر به باقی ماندن اهرم اصلی ناامنی در جنوب شرق یعنی عقلانیت دگم خواهد شد که اثرات ناامنی آن بسیار بیشتر از حال خواهد بود. ضمن آنکه، نسخه شیعه کردن اهل سنت در منطقه نه از سوی نظام اجرا می‌شود و نباید اجرا گردد.

۲) استفاده از تمامی ظرفیتهای قانونی پیش‌بینی شده برای مصوبه شورای عالی امنیت ملی در خصوص اختیارات و قدرت قرارگاه قدس بالأخص هماهنگی کلیه رده‌های امنیتی،

نظامی، انتظامی، اطلاعاتی، متأسفانه مشاهده شده است با تغییر دولتها یا تغییر فرمانده قرارگاه قدس یا تغییر مدیر کل اداره اطلاعات استان سیستان و بلوچستان، اطاعت‌پذیری مدیر کل اداره اطلاعات استان از فرماندهی قرارگاه قدس علیرغم تصریح قانون، کاهش پیدا کرده است. در برخی موارد بدون اطلاع قرارگاه، دست به اقدامی زده می‌شود و منطقه ملتهب می‌گردد. مثلاً در قضیه دستگیری مولوی فضل الرحمن کوهی و آزادی وی چنین اتفاقی افتاده است. البته اقتدار فرمانده قرارگاه در این زمینه تعیین کننده است که در این زمینه و بسیاری از زمینه‌ها اقتداری از ایشان دیده نمی‌شود.

۳) یکی از سران طوایف مطرح منطقه در مورد سازوکار قرارگیری نیروها در پایگاهها مطلبی مورد توجه گفته بود که شایان توجه می‌باشد. بشیر احمد ریگی در خصوص محورهای عملیاتی گفته بود این طرح خوب است اما ما بلوچها، به دزدی، شرارت و قاچاق عادت کرده‌ایم. در کنار ۱۰ نفر بلوچ بسیجی طرح امنیت، ۵ نفر از پاسدارها قرار بگیرند تا مراقبت کافی صورت گیرد. متأسفانه هم اکنون یک نفر پاسدار در کنار بقیه قرار می‌گیرد.

۴) استفاده از انگیزاننده‌های غیرمادی نظیر ایجاد دغدغه و تعهد در کارگزاران و مجریان طرح، تحریک حسّ میهن‌پرستی و انگیزه‌های الهی جهت بکارگیری افراد و سران طوایف در کنار انگیزاننده‌های مادی و نیز استفاده از انگیزاننده‌های مادی غیرپولی نظیر حل مشکلات گوناگون کارگزاران و مجریان طرح

۵) مردم محوری به جای سرطایفه محوری در تولید امنیت.

۶) حق محوری در مجازات افراد و عدم توجه به اینکه وابسته به سرطایفه می‌باشد یا خیر. و نیز عدم تعدّی از حدود الهی نظیر مجازات سران و افراد طوایف دخیل و شریک در امر قاچاق مواد مخدّر و قتل افراد بی‌گناه

۷) اصل اساسی، لایتغیّر و پایه‌ای امنیت مردم‌نهاد ایجاد زمینه پذیرش حق و معروف در جامعه اهل تسنّن بلوچ

۸) عدم اعطای امان نامه به قاتلین افراد بی گناه و نیروهای نظامی و دولتی: حتی به تعبیر سوره نوح، پسر نوح نیز جزء استثنائات نبوده است.

۹) ایجاد ظرفیت اخلاقی در سران و اعضای طوایف دخیل در طرح جهت جلوگیری از اقدامات ضدامنیتی آنان

۱۰) دقت و گزینش و بکارگیری اعضا و سران طوایف در طرح مبتنی بر دستورالعمل مشخص و مدوّن و سازوکار و سازمان تعریف شده

۱۱) شناسایی گسترده نخبگان و نیروهای همسو با نظام از میان اقشار متنوّع و مختلف مردم نظیر مولویها، دانشگاهیان، کسبه و بازاریان و ... و بکارگیری آنان در این طرح و سایر طرحها

۱۲) تلاش جهت اقناع مردم منطقه و کارکردن روی افکار عمومی تا ایجاد اقتدار نظامی - امنیتی

۱۳) تلاش جهت جایگزینی مولویهای همسو با نظام به جای مولویهای غیرهمسو

۱۴) گره زدن امنیت منطقه با معیشت، امنیت، رفاه و... مردم بومی منطقه

۱۵) توجه توأم به طرح‌های فرهنگی، تربیتی، معنوی در کنار طرح‌های معیشتی، خدماتی و رفاهی با ملاحظه عدم ایجاد حساسیت مذهبی در مردم

۱۶) توجه به تقویت معنوی و مادی شیعیان بلوچ و سیستانی منطقه

۱۷) توجه به اصل تعهد به عنوان عامل معنوی و درونی همکاری افراد با نظام و تلاش جهت افزایش تعهد سران و اعضای طوایف دخیل در طرح

۱۸) استفاده از راهبردهای پرورش و تربیت اجتماعی جهت نیروسازی درون اقشار مختلف شیعه و سنی منطقه

۱۹) تأکید بالا بر از بین بردن جهل مردم منطقه و تلاش جهت اقناع و آگاهسازی آنان از طریق ابزارهای موجود در راستای خنثی‌سازی پروژه معاندین نظام

۲۰) تأکید بر افزایش سوادآموزی و علم‌آموزی مردم منطقه و تأسیس رشته‌های علوم انسانی با توجه به اینکه فارغ التحصیلان این رشته‌ها با توجه به فضای نقد بالا در آنها کمتر به سمت گروه‌های تروریستی و تکفیری گرایش پیدا کرده‌اند.

۲۱) مشارکت فعال جامعه در تصمیم‌گیری امور محل زندگی خود در سطوح خرد و کلان و تعیین سازوکارهای مختلف جهت انجام این اصل لایتغیر امنیت مردم‌نهاد

۲۲) واگذاری امنیت به طور کاملاً کنترل شده و با نظارت کامل به سران و اعضای طوایف

۲۳) تربیت امنیتی کارگزار/ سرطایفه/ اعضای طایفه/ اعضای بسیجی طرح امنیت مبتنی بر اخلاق و تقوا

۲۴) تعبیه سازوکارهای کنترلی ویژه طرح جهت پایش سیاست‌ها و راهبردهای اجرایی این طرح و سایر طرح‌ها و بازخوردگیری از آنها

۲۵) تعبیه سازوکارهای نظارتی ویژه پایش و نظارت بر عملکرد متولیان و مجریان طرح مبتنی بر سازوکار تشویق و تنبیه قانونی

۲۶) استفاده از توان مجموعه کلّ سپاه (نیروهای نرم، سخت و نیمه‌سخت توأم و هماهنگ با هم) در قرارگاه امنیتی قدس جنوب شرق کشور با توجه به همه‌جانبه بودن این طرح (نه صرفاً نیروی زمینی) با توجه به اینکه اعضای نیروی زمینی غالباً دارای روحیه و نگاه عملیاتی و نظامی می‌باشند. البته سردار شهید شوشتری در این میان یک استثناء بود. در این بخش به نظر می‌رسد ایجاد کارگروه‌های مختلف از بین نیروهای سپاه و نخبگان همسو جهت ارائه طریق، راهکار، پیشنهاد و انتقاد در موضوعات مختلف مثمرتر باشد.

۲۷) مقابله برنامه‌ریزی شده با جماعت تبلیغی با توجه به اینکه سرپل شناسایی و اعزام نیرو جهت گروه‌های تکفیری و تروریستی این تشکیلات می‌باشد. ناگفته نماند دلیل شهادت سردار شوشتری نیز یکی از اعضای این تشکیلات بود.

۲۸) توسعه کسب و کار با استفاده از ترانزیت و معدن به جای رونق بازارچه‌های مرزی



۲۹) تحریک حس وطن پرستی و قومی گرایی جهت تأثیر قرار دادن افراط گرایی مذهبی

۳۰) الگوسازی نمادهای همسو و انقلابی در اذهان و قلوب مردم منطقه و حذف

نمادهای غیرهمسو

## منابع و مأخذ

### الف. منابع فارسی

۱. افتخاری، اصغر، امنیت اجتماعی شده رویکردی اسلامی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۲
۲. افتخاری، اصغر، مصلحت و سیاست: رویکردی اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۴
۳. امامی، سیدمجتبی. پرسش‌ها و جهت‌گیریهای اصلی تئوری‌های تغییرسازمانی. تهران: دانشگاه امام صادق. ۱۳۸۵
۴. پاینده، رضا. پایان‌نامه ارزشیابی نظریه برنامه خط‌مشی‌های عمومی؛ مطالعه موردی طرح شب‌نیم. تهران: دانشگاه امام صادق. ۱۳۹۵
۵. پوجی، جانفرانکو، تکوین دولت مدرن. بهزاد باشی، تهران: آگه. ۱۳۷۷
۶. تراب‌زاده، محمدصادق. پایان‌نامه ارزیابی نظریه‌های عدالت در خط‌مشی‌های آموزشی مدارس؛ مطالعه موردی: خط‌مشی ملی اداره مدارس. تهران: دانشگاه امام صادق. ۱۳۹۰
۷. حریری، نجلا، اصول و روش‌های پژوهش کیفی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، ۱۳۸۵
۸. خندان، علی اصغر. منطق کاربردی. تهران- قم. سمت و موسسه فرهنگی طاها. ۱۳۷۹
۹. دانایی‌فرد، حسن؛ الوانی، مهدی؛ آذر، عادل. روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: انتشارات صفار- اشراقی. ۱۳۸۳

۱۰. دانائی فرد، حسن. تئوری پردازی با استفاده از رویکرد استقرائی؛ استراتژی تئوری مفهوم سازی بنیادین. ماهنامه علمی پژوهشی شاهد. سال دوازدهم (۱۳۸۴)، شماره ۱۱. ص ۵۷-۷۰

۱۱. شریعتی، علی. **ویژگی‌های قرون جدید**. تهران: چاپخش (مجموعه آثار ۳۱)، ۱۳۷۰

۱۲. شافریتز جی. ام؛ بریک کریستوفر پی. **سیاستگذاری عمومی در ایالات متحده امریکا**، حمیدرضا ملک محمدی، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۰

۱۳. گلباغی ماسوله، سیدعلی جبار. **درآمدی بر عرف**. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. ۱۳۷۸

۱۴. محمدی، مصطفی. **شهیدان همبستگی: سرگذشتی از سرلشکر پاسدار شهید نورعلی شوشتری**. تهران: معاونت روابط عمومی و انتشارات سپاه، ۱۳۹۰

۱۵. معین، محمد. **فرهنگ فارسی**. تهران: امیرکبیر، ج ۱، ۱۳۷۵

۱۶. نای، جوزف. **قدرت نرم**، سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۷

۱۷. نجمیاس، دیوید؛ فرانکفورد چاوا. **روشهای پژوهش در علوم اجتماعی**. فاضل لاریجانی؛ رضا فاضلی. تهران: انتشارات سروش. ۱۳۸۱

۱۸. نوری، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۰

## **ب. منابع لاتین**

19. Funnell S. C., Rogers P. J., *Purposeful Program Theory: Effective Use of Theories of Change and Logic Models*. John Wiley and Sons, 2011

20. Patton, M.Q., *Utilization-focused evaluation*, Sage, Thousand Oaks, California, 2008

21. Sanderson, I. "Evaluation in Complex Policy Systems." *Evaluation*, 2000, 6(4),433- 454

22. Strauss, A. and J. Corbin. “ *Grounded theory methodology: an overview*”. In n. k. Denzin, and y. s. Lincoln (eds). *Handbook of qualitative research*. Thousand Oaks, CA: Sage. Pp. 273-285, 1994
23. Strauss, A. and J. Corbin. *Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory*. 2<sup>nd</sup>.ed. thousands oaks, ca.: Sage, 1998
24. Stufflebeam, D., *Evaluation models, New directions for evaluation*, nr. 89: 7-98, 2001
25. Radnitzky, Gerard. *Strong social systems, in: values & the social order*. England: avebury, 1997
26. Rossi, Peter, et. Al, *Evaluation: A Systematic Approach*, Sage Publications: thousand oaks, (6ed), 1999
27. Weiss, C. H. “Theory-Based Evaluation: Past, Present and Future.” In D. Rog and D. Fournier(eds.), *Progress and Future Directions in Evaluation: Perspectives on Theory, Practice and Methods*. New Directions for Evaluation, no. 76. San Francisco: Jossey-Bass, 1997.